

الشيخ

الحاكم أبو عبد الله محمد بن محمد بن محمد بن أبي بكر

الضبي الطيحا النيسابوري

”تلخیص“

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بأخلاقه الثيبا بوری»

بستی و کوشش

دکتر بهمن گریبی

## استاد دانشکده افسری

9

عضو هیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانہ ابن سینا - تہران

جایگاه آحاد

## کتابی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابو العباس احمد بن ابی الخیر زر کوب شیرازی

معراجنامه - شیخ الرئيس ابو علی سینا

نظام التواریخ - قاضی بیضاوی

جامع التواریخ - رشید الدین فضل الله جلد دوم طبع بلوشه

نفرساله از ملا محسن فیض بفارسی و عربی

الف - ترجمه الصلوة

ب - ترجمه الشریعه

ج - مفتاح الخیر

د - ترجمه الزکوة

ه - ترجمه العقاید

و - شرایط الایمان

ط - زاد السالکین

ح - الفت نامه

ل - آئینه شاهی

- راهنمای آثار تاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی و پایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة همدانی

ذیل ظفر نامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشید الدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع - کاترمر - بلوشه - برزین - یان و سایر تواریخ دیگر

که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بسم الله الرحمن الرحيم

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در بورساکس بر داری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته و نسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاصله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده و بکوه قاف رفته است با تحقیق و تتبع و مطالعه سه سال بزیور طبع آراسته گردیده و بدوستان و پاسداران علم تقدیم میشود امید است بر زلاتش قلم غفور و اغماض کشیده و از فوائدش بهره‌مند گردند

وبالله التوفیق

## فہرست مطالب کتاب تاریخ نیشاپور

صفحہ	مطلب
۱	مقدمہ
۳	ذکر مفاخر خراسان با اشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف
۴	الاحادیث
۵	آثار سلف عظام رضی عنہم
۷	ذکر صحابہ کبار رضوان اللہ علیہم بہ نیشاپور
۱۳	ذکر بزرگان کی بنیساپور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان اللہ علیہم اجمعین و ساکن شدہ اند یا گزشتہ اند
۱۵	ذکر اتباع التابعین من النساپوریین و من وردها او سکنها او حدث بها
۲۷	اتباع الاتباع بعد الصحابہ و هو القرن الرابع بعد النبوة و الثالث بعد الصحابہ
۳۴	ذکر مصنفاتہ
۳۹	ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیشاپور و من دخل و نشر علمہ
۶۱	ذکر الطبقة السادسة من العلماء النیشاپوریین و من سکنها و حدث فیہا من علماء المسلمین رضی اللہ عنہم
۷۵	قال الحاكم رضی اللہ عنہ ہذہ اسمی المشایخ الذین مارزقت السماع منہم من ہذہ الطبقة فشرع الان فی اسمی الذین ادرکهم و رزقت السماع منہم بنساپور من ہذہ الطبقة ایضاً علی الترتیب المذكور

قال الحالم الامام ابو عبد الله الحافظ النيسابوري وقع لفراغ بعون الله و حسن تقديره  
شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

۱۱۳

ذكر بناء قهندز و شهر قديم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و واديه و مخولات

۱۱۷

نيسابور و انچ تعلق بامثال اين امور دارد

۱۱۸

ذكر حفر خندق قهندز

۱۱۸

ذكر بناء شهر قديم

۱۱۹

ذكر حفر خندق درجوانب شهر قديم

۱۲۰

ذكر ارتفاع زمين نيسابور نسبت بابلاد ديگر

ذكر قري و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود بازدياد عمارت دز شهر و سور داخل

۱۲۱

شد و باغات و بساتين محلات شهر گشت

۱۲۲

ذكر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

۱۲۵

ذكر فتح نيسابور بر دست صحابه و تابعين رضوان الله عليهم

۱۲۶

رواية اخرى

۱۳۷

ذكر واديهاء نيسابور

۱۳۸

اما ارباع نيسابور جازست

ذكر ولايات کی از نواحی و اقطار خراسان بنيسابور نسبة دادندی اشراف و اکابر

۱۳۹

آنها نسابوری خواندندی

۱۴۱

اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ

۱۴۲

ذكر دومنار جامع

ذكر مسجدهاء متبرک شهر قديمی که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی ۱۴۳

۱۴۴

ذكر ميادين نيسابور

۱۴۴

ذكر مقابر و قبور کی مزارات نيسابور بود

۱۴۶	فایده
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	اسامی سادات کبار
۱۴۹	اسامی صحابه رضی الله عنهم
۱۴۹	اسامی مشایخ طبقات
۱۵۰	اسامی علماء بزرگ
	اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی
۱۵۰	غیر ایشان
	اسامی بزرگانی که در شهر نسا بود مدفون اند نقل از خط جواجه قطب الدین
۱۵۱	رحمة الله
۱۵۳	مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵۴	الطبقة الاولى منهم
۱۵۵	الطبقة الثانية
۱۵۷	الطبقة الثالثة
۱۵۸	الطبقة الرابعة
۱۶۰	الطبقة الخامسة

الف

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمة المصحح

الحمد لله الموفق من شاء من عباده لخدمة العلم والدين ،  
و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة تشهد لصاحبها  
بحسن اليقين ؛ واشهد ان سيدنا محمداً عبده ورسوله الى الناس  
اجمعين ، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وصحبه والتابعين باحسان  
الى يوم الدين .

سأله است که گنجینه ها و خزائن کتب قدیمی ، مورد توجه و تدقیق علمای  
بزرگ دنیا و متبعین با ذوق قرار گرفته و تشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه  
و قریحه برای سیراب ساختن روان و ارضای غوغای درونی خود باین گنجینه ها روی  
آورده اند و هر کس بحد امکان مادی و معنوی خویش از آن دریای بیکران بهره ای بر  
گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی فارسی و عربی را تشکیل میدهد دست  
قهار طبیعت آنها را از سرزمین خود دور انداخته و در نقاطی غیر مانوس بر روی هم  
انباشته و از این جهت است که محققین برای تتبع و بحث درباره کتابی مجبورند یکی  
از آن نقاط سفر کرده و از منابع کتب آنجا استفاده نمایند ، یا لا اقل فهرست کتابخانه های  
مختلف را بررسی کامل نموده تا از وجود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع  
کافی بدست آورند .

یکی از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این درر گرانها را در اعماق خود

پنهان داشته و از آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول می‌باشد.

در هر يك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی و فارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده و یا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت که جز مستشرقین معدود، دیگران و بخصوص محققین ما، یا از وجود آنها بیخبرند و یا دسترسی بدانها نداشتند و از این جهت در مقدمه هیچیک از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح و طبع شده و اقدم و اصح آن در استانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده و حتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، و همین امر سبب شده که باهمه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید و باید تامین نشده است.

این کتب پر بها، یاد از زمان مولف و یا اندکی بعد از آن تحریر یافته و اغلب حاوی تاریخ تحریر و نام کاتب است.

از این لحاظ نگارنده با سرمایه مزجاة در مدت اقامت در استانبول بكمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و مكاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی از یکصد جلد کتب فارسی و عربی که همگی اقدام و اصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست، عکس برداری نموده و برای استفاده علما و متتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تا بابت آوردن فرصت یکی را پس از دیگری بزیر طبع بیاوریم:

کتاب تاریخ نیشابور امام الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله نیشابوری:

که مولف آن در سال ۴۰۵ هجری قمری در نیشابور وفات یافته و یکی از مهمترین و نفیس‌ترین کتاب در تاریخ نیشابور است: از همان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلو جامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده و اکنون پس از مدت سه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم.



دکتر در پیچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکایی) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است. نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمقادیر کمی تاخیر آفات ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همسطور هم شده چندین قیل بد بختانه شسته شد که بوسه طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و پامانده است.

۱۸۴۱ هجری (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز به همین درد و از ده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علماء و اشخاص و فرائد و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که با احتمال قوی این کتاب از همین دسته و از آن در دست نیست (۲). کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است.

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاروارد در شهر دیتون (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از بنام دیتون میگردند. این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه پوست است.

دانشگاه دیگری در دیتون بنام هاروارد میباشد این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دو صد سال و کمی قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را میزدی و او میطالع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما با وضاع و احوال ایران وارد بود.

برای اطلاع بیشتر رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده (۲) امام الحاکمه تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشائخ - تراجم الشیوخ - علوم الحديث - کتاب العلم - کتاب الامالی و غیره.

شخصی بنام احمد بن محمد بن حسن بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری  
یا بک قسمت از آن کتاب بزرگ را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده  
است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیک از تذکره‌ها نام او را نیافتیم.  
تاریخ نیشابور حاضر دو قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین -  
علماء - فضلاء - ادبا و سایر کسانی که به نیشابور آمده و رفته و زیسته و مرده‌اند.  
و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار  
سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیشابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار  
نیشابور را شرح میدهد و یکایک را بنام صحابی اول و صحابی دیگر و غیره توضیح تشریح  
می‌نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علماء و اشراف و  
تابعین قلم فرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود.  
بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است به عبارتی  
فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه نشد چه در هر یک از طبقات خود مولف این سبک  
را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است  
مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند. اگر  
سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یاد آور شود و  
حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب (۱)

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و وادیها - بناء  
شهر قدیم - حفز خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیشابور -  
مفاخر نیشابور قدیم - مقام خدام نیشابور - روایات دیگری از این قبیل

- برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال و اماکن تهیه شد

ناگفته نماند که در حد امکان ظرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا  
نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد : ولی چون  
نسخه مختصر بفرد آنهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی به نسخه اصلی نبود باز  
اغلاطی در طبع پیدا شد

این نیز باید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله  
استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است  
در خاتمه باید از زحمات آقای رمضان مدیر کتابخانه ابن سینا که  
سالهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم  
و همچنین بشونه خود از چاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم  
امید دارم که صاحبان فضل و ادب از زلاتش غرض عین فرمایند

والله المستعان و علیه التکلیف

تهران - دکتر کریمی

( بهمن میرزا )

هفتم مهر ماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیراز نامه تالیف ابوالعباس احمد بن ابی الخیر  
ذرکوب شیرازی بهمن سبک و بهمن روش تصحیح نمودم و با مقدمه مفصلی در شرح  
شیراز و بناهای قدیمی آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

## خراسان (۱)

در باب اینکه مهاجرت آرین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ و بچه منوال بوده ما اطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیها ذکر می‌شود در سال (۸۳۵ قبل از میلاد) در کتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشور است و ضمناً معلوم نشده که آیا مدیها از نژاد آرین بوده‌اند و یا اینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده‌اند اسمی خاص آریائی فقط در کتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق.م) دیده می‌شود و نیز ما نمی‌دانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط از راه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یا اینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان و از آنجا بفارس میرفت صورت گرفته است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هر دوت گویند: همدوس‌ها (در اصل متن: وهرومیایوی) و کرمان‌ها (در اصل متن: کرمانی اوی) در جزو ایرانیانی بشمار می‌روند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را يك شاخه از ایرانیانی که خود را پارسه می‌نامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعمره تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی می‌رود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است.

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استر این گوید: سلاطین ایران در مواقع سیاحت و گردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر از پارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پر جمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر و لزوم دفع حملات کوچ نشینان ملت پارت نسبت بطرز زندگی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مرقی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند، جبال بلخان بزرگ و کوچک و کوه کورن داغ و کیت داغ و جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل می دهند .

گرنه گوید: هیچ چیز نمی تواند با منظره تیره و تار این کوههای بی ثمر که جز گیاه هرزه در آنها نرود و فقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود.

در عهد قدیم و هکذا در قرون وسطی سکنه واحه های واقعه در امتداد دامنه های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و بتصرف آنان در آید از همین تسایخ است که این سرزمین با اسم ترکی (اتک) و یا بطور اصح (ایتاک) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد .

از جمله بلاد این سرزمین در قرون وسطی از نسا و ایورد بیش از سایر بلاد اسم می برند .

شهر نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و اییورد در این زمان هم بشکل  
قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست.

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر در قرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب  
از سه قلعه متصل بهم بود در ناحیه نسا با فاصله چهار روز راه از شهر نسا واقع بود از این  
رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گور گنج (در نزدیکی شهر قدیمی ارد گنج  
کنونی) می رفت.

درفوق گفته شد که (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز  
کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوک آسیای وسطی یعنی  
ملوک خوارزم که نزدیک ترین همسایه آتک بودند همواره برای تصرف این ولایت  
میکوشیدند.

هرودوت می نویسد: ما خبری میخوانیم که هنوز بطور رضایت بخش توضیح  
نشده است این خبر راجع است به ولای که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته  
و رود اکسس از وسط آن جاری بوده و بین ممالک خوارزمیان و هیرکانیان و پارتها  
در سرکان و تمانیا واقع شده و در ابتدا تعلق بخوارزمیان داشت  
خبر فوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا  
ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

در قرن دهم میلادی نوح بن منصور سامانی نسا را به مامون حکمرای قسمت  
شمالی خوارزم و اییورد را به عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید  
لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیر خراسان بود بتحصیل این عطیه  
نائل نگردید.

پس از آنکه در قرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید و نسا و فراوه در تصرف خوارزمیان (۱) بود تا زمانی که سلطان محمد و غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را به سخر ساخت بعد که در سال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه در تحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نسا و فراوه را با آنها گذار نماید. در قرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل از سایر بلاد خراسان در جزو قلمرو آنان درآمد در تاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شورستان ذکر می شود که در سر راه خوارزم بنسبا و بفاصله يك فرسنگ از نسا در کنار ریگزار واقع بود.

باقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کنند در حوالی شورستان بواسطه قرب ریگزار باغانی وجود نداشت و مزارع در مسافت بعدی دور از شهر واقع بودند و لایت خوارزم بعد از قتل و غارت مغول اگر دوره کوچکی را در قرن چهاردهم بحساب نیاوریم تنازمن استیاری از يك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

در قرن شانزدهم و هفدهم بلاد (اتک) معمولاً در زیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می دهد در آن زمان برای تشخیص اتک کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلح بوده و این کلمه در مقابل سو بویی (استعمال) میشد که سواحل خلیج خون یعنی خوارزم در معنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

در عین حال خوانین خیره همواره سعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند و طوایف مزبور که در قرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

(۱) این خوارزمشاهیان با سلسله خوارزمشاهیان که سر سلسله ایشان اتیز خوارزمشاه و آخرین ایشان سلطان محمد و سلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیز خان منقرض شد مانند فرق دارند و دو سلسله مجزی هستند ایشان خوارزمیان و مأمونیان اند.

گروگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران و خوانین خیوه و بضعف گذاشت  
تدریجاً سلطه خود را رو بطرف شرق تا مرز بسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنا بر روایت ایت: در واقع از آنک صرف نظر  
کرد هر چند که جانشینانش ملوک ازبک را اسماعیل باج گزار و مطیع خود نمودند.  
شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت  
که اگراد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و بر اثر این تصمیم پنج  
ولایت کرد نشین در امتداد سرحد از (استرآباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات  
پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان و ذرگز یا برجا است و  
ضمناً حکومت درگز نه با سلسله کردی بل با خاندان ترک است. مقتدرترین حکام  
مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلمخانی ملقب شد.

قوچان در قرون وسطی با اسم خوبوشان (هر چند که در کتاب مقدسی بشکل  
خوجان دیده میشود) معروف بوده است.

ایزیدور خارا کسی ذکر میکند که: در قرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین  
بلاذ ناخیه استو بود و استوا مطابق آستانه و یا آستانه است.  
در قرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی از مهمترین نقاطی  
بود که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در کسب اهمیت  
خود علاوه بر موقعیت جغرافیائیش مرهون حاصلخیزی و برجسته حومه  
خود بود.

کزرن مینویسد: ولایات شمالی ایران در حاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر  
از قوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اگراد از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری نکرد این  
در حریف لایق هم بودند و هیچ یک از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند



کردها فقط می توانستند مزارع اتاك راتار ومار کرده انتقام تسراکمه را از این راه بکشند

شهر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایلیخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدهای فراوان دیده است

کرزن نقل میکند: جمعیت شهر به ۱۲۰۰ نفر نمی رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خراب کرد و قوچان جدید در دوفرسنگی شهر قدیم بنا شده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام نادرشاه توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب الوصولی بنا کرده است محوطه ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض و از هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه ها و صخره های تیز و عریان با ارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

— این دیوار فقط دارای دو معبر تنك میباشد ولی علاوه بر آن راه هاریکی از کمرکش جبال موجود است که میتوان بقله داخل شد، دروازه عمده بدر بند ارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره های صاف نقش کرده و از بنای خود ذکر میکند معروف میباشد.

کرزن و دیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-۱۲۹۱ میلادی) میدانند در باره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بساطت از عموی خود احمد شکست خورده و در کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب بود و همین که عساکر احمد نزدیک قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت با احمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

محلّی و بدر علی بیگ بود که بانی تیمور مخاربه کرده است. این را به  
 شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن  
 تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغوشاه  
 است. علی بیگ اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل  
 کلات قلعه قهقهه راین کلات و ایبورد و ظاهراً در جائیکه امروز ایستگاه راه آهن با اسم  
 قهقهه واقع است بنیادش را به قلعه زد و باقیه را به راه آهن و راه کلات

نادر از موقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود و از زمان وی قلعه با اسم کنونی کلات  
 نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید. سال ۱۳۸۲

گورن می نویسد: که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و  
 خزائن امنی برای گنجینه هائی که از هندوستان آورده بود دایر سازد شرح و تعریف  
 قلعه کلات در کتاب واسیل و اتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است.  
 بنا بقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام  
 اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواهند بدون احتیاج یا اجنبی وارد و از خارج در خود  
 شهر بیایند برای استهلاک مخارج ساختمان شهر غنائم هند و کثرت صخره ها را از  
 خارج و داخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا  
 کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً  
 مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تجدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی  
 ایبورد و اتک در جزو خانی مرزبوز بودند. این را به نادرشاه و نادرشاه  
 گورن قسمت کوهستانی عرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی در سمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق و تنگی که در قعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جدا کرده و در سمت جنوب جای دره‌ها را وادی‌هایی گرفته که رودهای کوهستانی از وسط آنها جاری و قراء و دهات در آنها واقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع و پرتروتی دیده میشود مانند جلگه قوچان در شمال و جلگه نیشابور در جنوب. بینالود کوه

سلسله‌های جبال را دره‌هایی در طول کوه قطع میکنند و همین دره‌ها راه ارتباط بین وادی‌ها میباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبایی تشکیل داده و صورت يك سلسله مواقع صعب الوصولی را دارند. مشکل است در جایی از دنیا جبال باشد که بخواهد برف دائمی رسیده و تا این درجه پرده‌های زیبایی از طبیعت و حشی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثار مسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت دیده میشود و ذرات فقط در قعر وادی‌ها مقدور است و منوط بوجود چشمه‌سارهای قلیلی است که آب آنها را برای شرب اراضی قابل زرع آورده‌اند هر دهی گوتی واحه است که در زمینه خاک‌های زنگ کویز واقع شده است

اراضی مزرعه در دامنه جبال هم دیده میشود و از دامنه‌های جبال چشمه‌هایی بواهی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع ترین نقاط هم زراعت میکنند اراضی مزرعه که در دامنه‌های کوه واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده و عده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

در اینجا هم مثل سایر نقاط ایران سبزه‌زاری گسترده دیده نمیشود قطعات آبادی فاصله‌های مختصری از یکدیگر واقع شده‌اند رودی که از بهلولی نیشابور میگذرد بمناسبت مزه

شور و تلخ آبش بشوره رود معروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب‌کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم از حیث وسعت و فضا و عده نفوس بقدری بپایمخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق و تشخیص نقشه آن بامشکلات بزرگی توأم است.

## مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً در زمان ساسانیان بدست شاپور اول یا شاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده اند. این شهر در سال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابر شهر بوده و نیز در دوم این شهر را محل اقامت خود قرار داده و بورج این مهر که یکی از سه آتشکده معروف ساسانیان باشد در نزدیکی این شهر قرار داشته است

شهر مزبور در سال (۳۱ هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده و در سال (۳۲ هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو و بلخ و غیره جزو آن بوده) بدست غوث بن الحسام که یکی از اشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده و این خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تا قبل از قرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را از طرف مشرق دارا بوده و مرو و بهرات و بلخ نیز جزو این قسمت بشمار میرفته ولی فعلاً نیشابور تنها شهری است که جزو ناحیه خراسان محسوب می شود و تقریباً تا چند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوایل قرن هشتم میلادی ابو مسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی امیه ایجاد کرد و در سال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نیشابور شد و حاکم آن شهر گردید و در مدت حکومت خود مسجدی در نیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغداد بتحریک منصور خلیفه مقتول ساختند

کز

پس از این قضیه خراسان در اوایل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین درآمد

طاهر حاکمی بود که از طرف مامون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد و در زمان او فر اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت و عبداللّه بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرار داد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد و ساختمان جدید و دهات زیاد در اطراف آن شهر بنا گردید

در اواخر قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند و در سال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده داشت و او نیز نیشابور را پایتخت خود قرار داد اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عبارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

بعد از عمرو لیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بود و تنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت از شهرستان نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصلی توسط ابن حوقل و استخری نقل شده است و این اشخاص چنین می نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل يك فرسنگ) و بچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه های آن صاف و تقریباً عده آنها به پنجاه میرسیده و این کوچه ها یکدیگر را طوری قطع میکردند که چهار راه های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب از مستشرقین که کوچه های قدیمی بعضی از شهر ها همیشه کوتاه و دارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه ها بسیار مستقیم و مطابق اسلوب

## کج

معماری ساخته شده بود خود شهر نیشابور ب سه قسمت تقسیم میشده است

۱- شهر خاص

۲- نواحی خارج شهر

۳- پاسدارخانه ها

۱- شهر خاص : دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنها نیز دارای دروازه ها بودند و خرابه آنها باغلب احتمال همان تپه الب ارسلان است

قسمت خاص شهر عبارت بود از تمام نواحی خارج که دارای دیوارها بوده است و اینجاست که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : و عمرو بن لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سیه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته و آنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون های از مرمر ستیاه و سفید بوده و تمام آنها بانضمام طاق مسجد نقاشی و مجسمه کاری شده بوده است و نزدیک آن محوطه بازار و خانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو بن لیث صفار مرمت گردیده است .

تزدیک بازار بزرگ شهر بازار کوچک دیگری بوده که محبس ها در آن قرار داشته است و اهمیت این بازارها از نظر تجارت بسیار مهم بوده و اینکه شهر مزبور و نواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل بر این بوده است که مردم احتیاج بامنیت و حفاظت داشته اند

چون در شهر نیشابور خاص بنای قابل ذکری ساخته نشده است میتوان آنرا دلیل بر این دانست که با وجودیکه شهر مزبور بتوسط ساسانیان بنا شده ولی کم کم

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متار که گردیده و بنای مهمی در آن بنا نشده است. و آنچه بعد از اسلام در این ناحیه بنا گردیده در خارج شهر خاص بوده است ولی این تنها يك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری از جهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایگس را نمیتوان معتمد شمرد پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از يك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بيك ( ۳۲۹ هجری ) ( ۱۰۳۷ میلادی ) شهر را گرفت و پایتخت خود قرار داد و الباسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

در زمان خواجه نظام الملك وزیر الباسلان و ملک شاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است.

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

در سال ( ۵۳۰ هجری ) ( ۱۱۳۵ میلادی ) نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور در سال ( ۵۳۸ هجری ) ( ۱۱۵۳ میلادی ) آتش گرفت و در همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بود بنا نمودند

یاقوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکنند و این واقعه را بسال ( ۶۱۳ هجری )



(۱۲۱۶ میلاد) می‌داند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در

شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۷۲۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و این بطوطه طنجی در سال

(۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت -

ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل  
میکنند .

## عقاید مورخین و علما و مستشرقین در خصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولد که گوید:

راجع به نیشابور قدیم قبل از اسلام همینقدر معلوم است که ابرشهر نام داشته و نام کنونی رایکی از سلاطین ساسانی یعنی شاپور اول (قرن سوم میلادی) و یا شاپور دوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده است.

مطلب اخیر عقیده ای را که غالباً اظهار میشد راجع باینکه نیشابور همان شهر نسیای پارت است تردیدی کند در زمان ساسانیان و هم در دوره امرای اول عرب شهر عمده خراسان مرده بوده نیشابور فقط در زمان سلسله طاهریان در قرن نهم میلادی اهمیت یک پایتخت را کسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله بن طاهر ( ۸۳۰-۸۴۲ میلادی ) برابر است

بنابر قول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری در خراسان حکومت کرده که قبل از وی کسی نکرده بود چه وی بتأمین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است با مروری مجموعه قواعدی برای استفاده از شرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد:

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع با اهمیت علم از عصر خود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

## ب

وسیمي بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خود علم  
واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را در سال (۸۷۳ میلادی) از سلطنت  
خلع کردند پایتخت خود را بنشاپور انتقال دادند .

عمرو لیث صفاری بسال (۹۰۰ میلادی) از اسمعیل بن احمد سامانی شکست  
خورد و از آن پس خراسان در جزو مملکت سامانیان درآمد و چنان که معلوم است  
پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) در تحت سلطه  
امیر مخصوص بود که لقب سپهسالار داشت و در بنشاپور مقیم بود . (استاد بار تولد)  
جغرافیا نویسان ، بنشاپور دوره سامانی را مفصل تعریف کرده اند : شهر در  
جلگه ولی بلا واسطه در قرب کوه واقع شده بود .

### ابن رسته

جنب شهر از یک طرف کوه بلندی سر کشیده بود محوطه شهر طولاً و عرضاً يك  
فرسنگ و خود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز  
یعنی ارك - و شهرستان یعنی شهر - و ربض یعنی خارج شهر .

ارك جز و شهرستان نبود ولی بین آن و شهرستان فقط خندق حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی تجارت و صنعت به ربض که در قسمت

جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

### اصطخری

در ضمن توصیف بازار های بنشاپور مینویسد که بازار در سمت شمالی شهر

تاراس القنطره میرسید و پیش از آن در جزو دروازه های شهرستان که مانند شهر های

بزرگ چهار باب بود از دروازه راس القنطره اسم میبرد عده دروازه های ربض بسیار

زیاد بود .

مقدس سی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهار گوش موسوم  
بمربعه الکبیره بود که از آنجا به هر چهار سمت ردیف داکین و کاروانسراها ممتد  
میشد بدین طریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع بسوی شمال تاشهرستان بطرف  
غرب تاپشت میدان چهار گوش کوچک «مربعه الصغیره» و جنوب تامقابر اولاد حسین؛  
بازار امتداد داشت.

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچک قصری بود که عمرولیث میدان  
الحسینین بنا کرده بود و هم در جنب قصر زندان واقع شده بود  
مسجد جامع رامینویسند که در اردوگاه قشونی واقع شده بود  
مقدس

شرحی در توصیف این بنا نوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بود عمارت عمده مسجد که منبر امام  
در آنجا بود قسمتی از آنرا در اواسط قرن هشتم ابو مسلم خراسانی مسبب سلطنت  
عباسیان ساخت و قسمت دیگرش را در اواخر قرن نهم عمرولیث صفاری بنا کرد بنای  
ابو مسلم به تیرهای چوبی و بنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود.  
در اطراف این قسمت سه رواق و در وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها  
دارای یازده درب و ستونهای از مرمر رنگارنگ.

قنواتی را که بشهر آب میدادند غالباً زیر زمین میکشیدند. عده پله هایی که  
برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسید در خارج شهر آب در سطح زمین  
جاری و برای شرب اراضی بکار میرفت. شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی  
معروف بود.

و بطوریکه اصطخری میگوید این پارچه ها را بماوراء معالک اسلامی هم حمل  
میکردند.

## ابن حوقل

دکاکین و مهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره و فیروزه و معادن دیگر استخراج میکردند معادن فیروزه که در کوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا به امروز در اهمیت خود باقی و در دنیا یگانه معادن فیروزه است.

نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان هم با وجودیکه بعضی از سلاطین اخیر مرور از رجیع میدادند معینا مهمترین شهر خراسان بود.

در سال (۱۱۵۳ یا ۵۴) نیشابور معرض قتل و غارت عشایر غز گردید که بر علیه سلطان سنجر شورش کرده بودند.

غزها شهر نیشابور را غارت کرده و خراب نمودند خاقانی شاعر معروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خود را بیابند.

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادیخ آباد شده است.

محل شادیخ در زمان سابق هم دایر بود و آنرا عبدالله بن طاهر بنا کرده بود. یعقوبی

در شادیخ تپه بزرگی بود که بر روی آن ارگی ساخته بودند در همان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادت مند خود بسر منزل رونق و تعالی رسید و ابنیه و عمارات تمام محوطه را از تپه تا خط قدیم اشغال کرد

## یاقوت:

نیشابور دوباره اعرام بالله گردید و پرنیروترین و پر جمعیت ترین بلاد شد.

## مقدسی

نیشابور انبار گاه مال التجاره فارس و کرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و

همچنین ری و جرجان و خوارزم بود

## باقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند  
نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و  
وارد شهر نشوند.

قتل عام چنگیز خان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر از حمله غز بودش ماه قبل از  
این واقعه داماد چنگیز خان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تولوی پسر چنگیز شهر  
را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح و التماس عفو کردند اثر نداشت و رد شد  
شهر به یورش متصرف گردید و تمام سکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری  
بردند بقتل رسیدند.

ابنیه و عمارات شهر را از یخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه  
های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند در موقع  
قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیز خان در خراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیز خان  
مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که  
جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد  
ماورالنهر بحال خرابی ماندند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که  
ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین  
میکرد ولی نمایندگان و جوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند.  
در اواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی در ایران تشکیل  
دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

### حمداله قزوینی مستوفی:

اداره کشوری و مالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات

عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.

بعد از سقوط سلسله مغول ایران نیشابور (در حدود عشر سوم قرن چهاردهم

میلادی) در جزو قلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد

در سال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن

نهاده و بدین جهت نیشابور بی رحمی های این جهانگشا را نچشید رونق هرات در

دوره تیموریان و اهمیت مذهبی شهر در زمان صفویه می بایستی که نیشابور تحت الشعاع

قرار داده باشد لیکن تا اواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست

احمد شاه افغان خراب و ویران گردید.

### استاد بارتولد گوید:

بعد از این قتل و غارت يك منزل قابل سکونت در شهر نمانده بود احمد شاه

شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر و تجدید عمارت آن

اقدامی کرد.

در اواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلی خان و گسان

دیگر اهمیت سابق شهر را عودت ندادند.

### فریزر:

در سال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر ۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه

مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴۰ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب

بود ایرانیان خانه های مسکون شهر را قریب بدو هزار باب می دانستند لیکن فریزر

از روی تاثیراتی که شهر در او بخشیده بود تصور میکند که عده نفوس از پنجهزار نفر

تجاوز نمی کند.

لر

استاد بار تولد گوید:

پارچه هائی که در شهر می یافتند فقط برای حوائج محلی تهیه می شد یگانه  
جنس صادره فیروزه بود.

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی و خراب و بد بود  
خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حد و بازارها و مسجد جامع وسعتی نداشت.  
در زمان سیاحت گرز ن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر  
دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرز ن احتمال می دهد که در زمان وی جمعیت  
شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات و مفصلی در دست نیست. در این باب  
فریزر و در زمان اخیر هم ایت بعضی اطلاعاتی می نویسند از اطلاعات تاریخی و وضع  
کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می شود که شهر مانند مرو و بلخ از سمت شرقی بغربی  
متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که  
قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بار تولد

ارک شهر سابق در این مکان بوده

فریزر نمینویسد:

که بلندی هم در این مکان بوده یا نه

بطوریکه ایت تعریف میکنند:

خرابه های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بفاصله يك ميل انگلیسی  
در سمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می شود در زوایه جنوب غربی خرابه های



لح

مذکور ارك بر روی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارك نیشابور قدیم که در دوره سامانیان بنا شده بود در این مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطار صفوی معروف که در موقع تصرف شهر بدست مغولها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارك واقع است سنگی از مرمر سیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند در وسط دیوار آجری واقع شده.

این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی در نیشابور باقی مانده و ممکن است تاریخ بنای آن بصحت معلوم شود این مقبره را در زمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی و امیر علیر شاعر و وزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی معروف و مشهور است بنا نهاده و نیز مقبره یکی از آل عای که در قرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته در همان نزدیکی است .

استاد بار تو لد گوید :

امامزاده محمد محروق برادر علی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه

است در این مکان مدفون است .

پهلوی این مکان مقدس در وسط باغی که درختانش بهم پیچیده و علفهای هرزه در آن روئیده. مقبره عمر خیام منجم و شاعر فکر آزاد اوایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است .

اینک بطور مختصر ترجمه ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولیتین  
آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر  
در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در  
اطراف نیشابور نموده اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت  
مزبور میخواستند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یاشاپور  
دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی در ضمن کاوش آشیائی بدست آمد که  
ابتدا مربوط به دوره قبل از اسلام نبود و اثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست  
نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ - شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ - شرح ظروف سفالین و کتیبه های پیدا شده در این ناحیه

۳ - مختصری از انواع و تاریخ سکه های مکشوفه و خلاصه هر يك

از آنها

۱ - هیئت نامبرده در شش موضع نزدیک نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله  
مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده اند) شروع بحفاریات نموده و کاسه و  
کوزه و کتیبه های بدست آورده اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در  
موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورک ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هایی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری در این ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هایی که از این سرزمین بدست آمده است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمک کرده ذکر بشود.

کاسه‌هایی که از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازک و ته‌های محکم‌اند و در ساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته و اغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و در بعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف و حاشیه سیاه است دیده میشود و از هر حیث بی شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده و شبیه بکاسه‌های سازه و سامره و حیره‌اند دیده میشود و این کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد و نیز کاسه‌های بسیار قشنگ و ظریفی بدست آمده که از هر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان در این ناحیه بعد از اسلام بوده است و کاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهند بدست آمده است و البته نباید ته‌جیب کرد زیرا که نفوذ چینی در این سرزمین و آن زمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی و صنایع دیگر چینی در عراق و ایران و مصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که در زمان سلطنت این پادشاه و سمعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیه با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینی‌ها با اعراب مواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیک تاشکند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته تعالی این چینیه با ساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته این فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خود را با اهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه‌سازی در ایران دیده میشود ولی رویهمرفته ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق به همین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومک فوق العاده ای بتاریخ اشیاء پیدا شده نموده است مثلاً در یک ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۷۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی در حدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است و دو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری) (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می‌توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خسارتی وارد آمده و آنهم در مواقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دوباره دیوار محراب بدون تقسیم شده و محراب را دوباره کرده بطوریکه يك گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه‌ها و نقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیک (۳۲۹ هجری)  
 (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد و در سال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵  
 میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد و در حوالی این محل تپه ایست که به نام  
 تپه ی الب ارسالان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون یقین  
 و پس از دقت و مطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان تپه سبز پوشان ابداً  
 شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد و اگر نظری بقبر جلال الدین در اوز کند  
 ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) و با مقایسه از حیدریه قزوین بعمل  
 آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان  
 سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد و تا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به  
 سبز پوشان داشته باشد مگر چند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه  
 این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی  
 ممیزات مخصوص این ناحیه مثلاً اگر حروف گنبد مسجد نائین را که با خط  
 کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم يك رابطه  
 و شباهتی بکلمه ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم الدین) دال آنها با  
 هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری)  
 تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد و از حدسش از روی شباهت خطاطی این ناحیه  
 با سامره و ابن تولون در قاهره است و بعلاوه در سبز پوشان سکه یا علائم دیگری به  
 دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه های بدست آمده را میتوان بسه دوره

تقسیم نمود

اول - قرن دوم و سوم هجری - قرن هشتم و نهم میلادی

مج

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی

سوم - قرن ششم بیعد - دوازدهم بیعد

و چون دوره اول مهمند و مطابقت با سایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم از دست رعایا که در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس از غارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت و تنها سکه‌های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول و نوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است.

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات (۳۰۵-۳۲۱ هجری) (۹۶۱-۹۷۱ میلادی) نوشته شده است.

### خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸ سکه پیدا شده در سبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم و سوم هجری - (هشتم و نهم میلادی) را دارد و دو سکه آن متعلق با و آخر سامانی است و چهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تیه الب ارسلان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم و نهم و بقیه بدون اهمیت اند.

خلاصه از روی سکه هائیکه توسط ابو مسلم باسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱ هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) و از سکه ضرب شده در بخارا (۱۶۰ هجری) (۲۶۶ میلادی) توسط عبدالملک بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده و دیگر از موحد بن

مد

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیدا شده است میتوان ثابت کرد که ساختمان  
وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط  
با کشفیات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

## بسم الله الرحمن الرحيم

رب یسر و تمم

حمد و سپاس لایق بعد دانش و انفس خلایق مرخالسق قدیم را که  
جوهر روحانی و عناصر جسمانی از مکان عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع  
ابداع کرد. و بسایط فسطاط خضرا، و بساط بسیطه غبارا محتوی برغرایب حکم  
بحکمة منیع اختراع فرمود. و باختلاف احوال سال بشتا و مصیف، و اتفاق ایام و لیل  
بریع و خریف صحاری و براری و جبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجنسی از هار،  
و انتشار انواع انوار ساخت. و باینات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن  
بطایب هوا و تطیب غذا بر صنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً در خراسان،  
خور آسان کرد، و قطر نسابود صینت عن الفتور باعتدال هوا و فسحت فضا و تزهة اماکن  
و خلقة معادن بر اماکن و مساکن اقطار هر دیار فضیلت بخشید، و طینت طیب و تربت  
طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام و علماء هداة و ادباء نقاة داشت.  
درود بیغایت و سلام و تحية بی نهایت کی آن خلص کرام باوقبات و لیالی و ایام باد  
فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین  
و خاتم النبیین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند  
سبب رفعت مقام، و قربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود  
مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحیاته علی المصطفی حبیب الله  
محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.  
غرض از عرض این تقریب آنکه در سالف زمان، و سابق اوان و قرون ماضیه،



سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوه اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابوعبدالله النیسابوری رضی الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابه ذکر اسامی کرام صحابه و عظام تابعین و اولیاء و اصفیاء امت است که بآن بلدة نفیسه وارد و صادر شده اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته و بذکر وقت ولاده، و صفت نشاء، و بیان نسبت، و ارادة و سلوک و ریاضة، و کیفیة صحبت و خلوة، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هریک از آن ارباب الباب، آن کتاب باجاردہ مجلد اطناب یافته و بر سبیل مذیل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شہر و بانی و بنا و بنیان و تقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد و مساجد و بعضی مفاخر و مآثر آن بیان فرموده، و باشاره آیه و حدیث نفیس و آثار ائمه کبار موشح گردانیده، بعدها بعضی از اجله کرام و ائمه اسلام رضی الله عنه و عنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تازی مشتمل بر اسامی کرام اولیاء و اعلام اصفیا و بعضی از آن مزیلات انتخابی فرموده بعد الاستجازات آن اختصار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احادیث نبیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابه یافت و رمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکته که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط و فهم مراد بآن مربوط است، آنست که بعرف فصحاء عرب و مسکان غرب، خراسان عبارت از طرف شرق است تاغایت که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنک هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است چنانچ سلمان رضی الله عنه با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده اند و کلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بوجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی از جانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق ذکر مفخر خراسان باشارت آیات و احادیث

و اخبار کبار سلف

عن ابی هریره رضی الله عنه فلما نزلت هذه الآية «و آخرین منهم لما یلحقوا بهم» کلهم فیها الناس فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم الی سلمان فقال هم قوم هذا «لو کان الدین بالثریا لناولہ رجال هو الاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی الله عنه مذکور است مضمون آیه و ما قبل آن والعلم عند الله: اوست آن خدائی که بعث فرمود در عرب رسولی از ایشان که میخواند برایشان آیات او، و پاک میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه، و تعلیم میدهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنة، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالتی آشکار و در کسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و در کسان دیگر آن رسول را و آن کسان ذکر قولی است که همه مؤمنان اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت. و قولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنکه چون این آیه نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة صلوة الله علیه و سلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی الله عنه حاضر بود حضرة صلوة الله علیه و سلم دست مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند این قوم او، و در حدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند. اگر ایمان معلق بودی پیروین هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او

و جهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان را قرآن

وسنت و تعلیم میدهند آن کسانرا قرآن و شریعت و سنة و تحقیق آیه چنان مینماید که هر يك و عالم بكتاب و سنة که بود و باشد تاقیامت پاك کننده و تعلیم فرمایند همه نور مقدس حضرت مصطفی اند صلوة الله و سلامه علیهم بسلامان فارسی و یاد کردن ایشان قوم اورا اشارت است بهمه کسانی که بفارسی سخن میگویند تا اقصى بلاد خراسان این آیه در شان این جماعت نازل است. و ایضا در حدیث است که چون حضرة صلوة الله و سلامه علیهم این آیت خواندند که: ان تتولوا يستبدل قوم غیر کم ثم لا یكونوا امثالکم مفهوم آیه و العلم عند الله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان و طاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما. پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی از ایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یا رسول الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند و نباشد امثال ما حضرت صلوة الله و سلامه دست مبارك بران سلمان زدند پس فرمودند هذا قومہ این و قوم او. لو كان الدين عند الثري بالناوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیک پروین هر آینه فرا گرفتی آنرا مردانی از فرس یعنی فارسیان

عن ابن عباس. قال ذکرک فارس عند النبی صلوة الله و سلامه

#### الاحادیث

عليه قال فارس عصبتنا اهل البيت قلنا ولم يا رسول الله قال لان

اسماعيل عم ولد اسحق - واسحق عم ولد اسمعيل

عبد الله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت نبی صلوة الله و سلامه علیه فرمودند که فارس عصبه ما اند اهل البيت، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنک اسمعيل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان اسمعيل. عصبه اقربارا گویند که از طرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری و پدری و پسران ایشان و عم همچنین و پسران ایشان گویند که این طایفه از اولاد اسحق اند علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه علیه اعظم الناس نصیبا فی الاسلام اهل فارس  
مفهوم حدیث والعلم عند الله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

### آثار سلف عظام رضی عنهم

حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عند الله ترجمه  
این است بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا مرو گویند اسس آن  
ذوالقرنین کرد و وزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جو بهاء آب روان نهاده  
وزمین آن گشاده بر هر دری از دره‌های آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر  
بلاراتار و قیام ساعت. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا طالقان گویند چه  
کنجها است در آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار بدین پرور، ایشان در مصلی  
بطاعت قائم و خلق در بستر نائم. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا اش  
گویند قایم او در حجرات و نام در جامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در  
راه خدای بطلب ثواب. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا بخارا گویند  
و چه مردانند بینخارا ایمن از فریاد هنگام فتور، ساعه اندوه خندان از سرور، خوش  
باد بخارا را اطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هر روز اطلاعی پس یامر زدر کس  
را که خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و بدرستی که  
خدایتعالی را بخراسان شهر است آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمر بن برعش در  
گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند  
بایشان هر شب منادی خوش باد شما را و خوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده  
باد سمرقند را، و هر که را در حوالی او شب ایمن آید از عذاب خدای تعالی در روز  
قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج و هرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست يك ميل و كم نیست يك ميل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستی که خدای تعالی را بخراسان. شهر است آنرا طوس گویند و چه مردانند بطوس مؤمنان در میان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او و احیا کنند سنت نبی او صلوة الله و سلامه علیه. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا اجر جان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیر است آبهای او، وسیع است برخوردندگان ماهیههای او، او امر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا قومس گویند وجه کوهها است بر جوانب قومس. و بدرستی که در قومس اعتبار و منزلت است ارباب الباب را.

و امام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباسی رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه از خراسان آن مار است اهل البیت.

و روایة است از شريك بن عبدالله که او گفت خراسان کنانة خدای است عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدایتعالی بر قومی تیرزند ایشان را بکنانة خویش و عبدالله مبارك گفت که بیرون نیامد از خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستی که مر پدر ما ابراهیم را علیه السلام

نشانها بود در کوهها خراسان، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی از کدام شهری گفت از اهل خراسانم گفت از کدام شهری گفت از هراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرا ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس از درختی که نزدیک مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت بر حال خودست. فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.

ذکر فضائل نیشابور شیخ ابن جریر از کبار تابعین فرمودند که بهترین خراسان نیشابور است پرسیدند که برای خود فرمودید گفت بل که شنیده ام در حدیث، امام حاکم فرمود این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عن النبی صلوٰة الله و سلامه علیه: قال خیر خراسان نیشابور و روایت است از شیخ ابراهیم بن طهمان و ایشان نیز از کبار تابعین اند که خیر خراسان نیشابور است و شیخ عبدالله مؤذن نیشابوری رحمه الله گفت حضرت خواجه را صلوٰة الله و سلامه علیه بنخواب دیدم که فرمودند که من این انت از کجائی تو، گفتم از نیشابور فرمودند صلی الله علیه و سلم نعم البلد نیشابور. نیک شهر است نیشابور.

ذکر صحابه کبار رضوا الله علیهم رسیده اند یا گذشته اند یا ساکن شده و روضه، مبارک ایشان آنجا است: قال صلوٰة الله و سلامه علیه

به نیشابور

ما من احد من اصحابی يموت بارض الابعث

قائداً او نورالهم يوم القيامة: العلم عند الله فرمودند که نیست هیچ یکی از اصحاب

ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین یا نور ایشان

روز قیامت. راوی را شک است که قاید فرمودند یا نور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند  
فرود آمده اند به نیشابور آمده اند در رفتن و آمدن و یارفتن یا آمدن .

اول ابو الفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه  
ماصلوة الله و سلامه علیه و حاصل قصه ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند  
واز دیار مکه بخراسان میآمدند و اجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان  
بهره و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر  
درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت از  
کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (۱) است  
میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه  
کرده ام و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بکشد میبرد ابن مخلد میگوید که  
شیخ من بمکه مرا گفت کسی را دید جامهای عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست  
گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از ایشان پرسیدم که این  
جامه از کجاست فرمود که بهره بودم از آنجا آوردم این جامه هارا

صحابی دیگر: بریده بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله  
و سلامه علیه از غزاء بدر مر اجعت فرمودند و اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک  
حصارک مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی  
صلوة الله و سلامه علیه فرمود یا بریده: انه سيبعث بعدی يعوث فاذا بعثت تلك البعوث فكن  
فی بعث المشرق ثم كن فی بعث خراسان ثم كن فی بعث ارض يقال له مرو فاذا اتيتها فانزل  
مدینها فانها بناها ذا القرنین و صلی فیها عزیزانها تجری بالبركة علی کل باب منها  
ملك شاهر هاسیفه يدفع السوء عن اهلها الی يوم القیامة . مفهوم حدیث و العلم عند الله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرهای پس باش در لشکر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشکر زمینی که گفته میشود مر آنرا مرو پس چون یسائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیز جویهای آن می رود ببرکت بر هر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله و سلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عند الله بریده چاریک اسلام است و مؤید این حدیث است آنج روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از مکه هجرت فرمودند بالمیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریده آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما جو بر نبی آمد و پی روی کرد باین پی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بروی تافت و اسلام آورد و چون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله و سلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر بای علمی و جامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریده بود رضی الله عنه و ارضاء و بریده و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسان را

و روایت است که خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مرا او را یا بریده لایکل بصرک ولا یذهب سمعک انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث و العلم عند الله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نورود سمع تو و تونوری اهل مشرق را وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنند و لحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد در هم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه



صحابی دیگر- عبدالله بن حبیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما  
 صحابی دیگر: الحکم عمرو الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن  
 ابی سفیان حکم را بر مال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و  
 غنیمتهاء بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمتهاء بسیار بسیار گرفتم معاویه باو  
 نوشت که نیک بنگر هرج از صفراو یضای یعنی زرو نقره یابی همه را با امیر المؤمنین  
 بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت  
 حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهاد دست  
 مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حقی  
 نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامه توباکتاب خدای عرض کردم  
 موافق نبود متابعه کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر  
 قسمت کردم معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته  
 شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیه کرد که او را با سلاسل و بند دفن کنند تا مخلصه  
 کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده  
 دفن کردند چنانکه میان ایشان یک ذراع یش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیه بن عمرو الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست  
 بمر و نزدیک برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته اند عبدالله و ساکن  
 مدینه می بود از آنجا بصره آمد پس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او  
 اولاد او مروانند بدرستی که روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است  
 رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

بود کرم الله وجهه سه مقدمه علم نحواز ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت و اقوام دیگر بس این علم منتشر، خنخام را بمر و اولاد و آثار است.

صحابی: العباس بن عباس السلمی الشاعر باحضرت صلوة الله وسلامه علیه صحبت داشت و او را در مر و فرزندان بودند

صحابی: اقرع و ورقه پسران حابس تمیمی.

صحابی: محقر بن ادس باحضرة صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت.

صحابی: قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشکر اسلام بغزا بخراسان آمد و بالمر المؤمنین حسن کرم الله وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسر عم بود.

صحابی دیگر: اس بن ثعلبة التمیمی باسعید بن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر: کعب بن عتیه او را بمر و اولاد بود

صحابی: عبد الله بن خازم سلمی والی نسا بود از جانب عبد الله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم قوی بودند دهاقین.

صحابی: ابو عمرو انصاری در مر و در قریه بایشان ساکن شدند و او را اولاد بودند علما وفقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرة خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه و از مر و

بود تجارت میکرد نام او مانساحیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما

شنود صلوة الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد صلوة الله و سلامه علیه

آورا محمد نام نهادند و مولی حضرة شد صلوة الله و سلامه علیه و سلمان بمر و مراجعه

کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود

امام حاکم فرمود که آنجیما رسید از صحابه که این دیار بقدم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد.

ذکر بزرگان کی بنسب نیشابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

فایده - هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه مصلوة الله و سلامه علیه را دید و صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را دریافتند اما خواجه ما را مصلوة الله و سلامه علیه ندیدند یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعه را تابعین خوانند. کعب اخبار در زمان خواجه ما بود مصلوة الله و سلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشان را اتباع گویند تابعین قرن دوم اند از صحابه - تبع تابعین قرن سیم اند از صحابه - اتباع قرن چهارم اند از صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی. امیه بن اسعد خزاعی. اسلم بن ذرعه. اس بن ودیعه. ارقم بن ارقم. در زلزله نسابور بر حمت خدای منتقل شد. بسر بن جلال عدوی. بکر بن با عرکوفی. بشیر بن بحیی. از علماء تابعین بود. و از نسابور بود بمرو و ساکن شد، ثمانه بن عبدالله بن انس بن مالک رضی الله عنه. جعد بن هیره مخزومی حضرة امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت جاریه بن بدر بنسب بوفوت شد و مدفن مبارکش اینجاست، خراج بن عبدالله الحلمی ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیه ابوسعید و کنیه اییه ابوالحسن از تلامذه و تربیه یافته حضرة امیر المؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم الله وجهه. الخثر بن عمرو الکیدی، الحکم بن کثیر الحارث المازنی  
 حضیر بن المبذر، حجاج بن الثقفی، خلد بن عبدالله خلد بن الاسلمی داود بن عمان بن  
 حبیب. ابوسلیم النیشابوری علم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد. الربیع بن  
 انس بن مالک بمر و ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید بن الحواری البصری  
 قاضی هراة، زیاد بن ابی عمرو والتابعی، سعید بن امیر المؤمنین عثمان بمدینه متولد شد  
 و بالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسابور آمد  
 و لشکر بماوراءالنهر یرد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن  
 السلیم البصری، سلیمان از اولاد حبیب الاسلمی، سالم الخراسانی و او از  
 نیشابور بود، سلیم بن ربیع - شهر بن حوشب، صلت بن ایاس، سفرة بن حمید  
 ضحاک بن مزاحم، طلحة بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، بالشکر سعد بن عثمان  
 بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله بن بریده بن خضیب الاسلمی، عبدالله صامت  
 و این صامت پسر برادر ابی ذر غفاری بود رضی الله عنه، عامر بن شراحیل الشعبي  
 همدانی، علقمة بن تیس النخعی از ملازمان تلامذة حضرة امیر المؤمنین علی کرم  
 الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطاب بن ابی السایت المکی، عمرو بن عبدالله  
 الهمدانی، عمرو بن سالم الانصاری، عمرو بن مسلم عمرو بن عبدالله عکرمه، مولى  
 عبدالله عباس مدتی در نیشابور فتوی او داد، عباد البصری، علی بن احمر، غیاث  
 بن عبدالله از کبار الصحاب امیر المؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة بن دنیا  
 و قتیبة بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد بن واسع البصری  
 الزاهد مهلب الاردی، مغیره بن عبدالملک، مشعث بن طریف، مروان بن عیبدالله  
 النیشابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیم البلخی، منصور بن  
 عبدالحمید الخراسانی، نصر بن عمران نافع، مولى عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهار العبدی، وهب بن منیة ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیة از هراة بودند کسری ایشان را جلا کرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن علمر، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمر فقیه ادیب از کبار تابعین بود، ابن حمید البصری، یحیی بن عقیل البصری، یزید بن المهلب و الی بود هر یک از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده اند.

### ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من علماء الاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعید الفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت و مجاور شد آنجا بر حمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه، ابراهیم بن مرء بن بصر بن انس بن مالک انصاری، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان البلخی، اسمعیل بن ابراهیم النیشابوری، اسحق بن بشر الکاهلی، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا، احمد بن ابی طیبه الجرجانی، اصم بن حوشب الخراسانی، اصم بن غیاث النیشابوری مسجدی فی محله از مجار اسد بن عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس بن عیاض المدنی، بنار بن قیراط النیشابوری، بکر بن معروف النیشابوری، سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت، جعفر بن الحارث جبارود النیشابوری، حسن بن محمد القاصی، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مائین بر حمت حق پیوست، حسین بن داود البلخی حماد بن سلیمان الفقیه النیشابوری مسکنه بمحله قزح قص بن عبدالرحمن النیشابوری، حفص بن سالم السمرقندی، حجاج بن ارماتة الکوفی، عییب بن مهران النیشابوری، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی، اود بن سلیمان الجرجانی داود القشیری، زافر بن سلیمان القهستانی زهیر بن محمد

نسابوری سکن مکّه والمدینّه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان نسابور رسید  
وقت رفتن بیخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمان بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که  
این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد  
والی نسابور بود ، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید  
النسابوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن  
عبد الرحمن النسابوری ، عبدالله بن و افدال هروی ، عبدالله بن عبد الرحمن عیدالله بن  
محمد النسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبد الرحمن بن مسلم ابوقتیبه ،  
ابو مسلم عبد الرحمن حاجب الدوله عبد الرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نسابور ،  
عبد الرحمن عماد النسابوری ، عبد العزیز بن ابی رواد ، عبد العزیز المروزی ،  
عبد الملك الاصمعی

اما اهل اللغة - عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابو عبدالله عمر القاضی اصل  
او از بلخ بود اما عبدالله نسابوری است ، عمر بن قیراط النسابوری ، عیسی بن موسی  
البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصر الله السرخسی ، ابو عامر النسابوری ، عامر  
خداش النسابوری ، عینه بن عبد الرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی  
المروزی ، قتیبه بن سعید البغلائی در نسابور مقیم شد عینه قحده بن سلیمان البصری و در نسابور ،  
کتانه بن حليلة الهروی و گویند یوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد  
بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی ببغداد ، محمد عبد الرحمن المقری ،  
معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمرو البصری اقام نیشابور ابو سهل  
نصر النسابوری ، نصر بن عبد الکرم النسابوری مکی بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدّم  
در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء  
نسابور بود ، مسکن او در کوچهر امین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسى القاضى واد از خراسان بود در اصل بى شکى و گویند که از نسابور بود و لید بن سلمه الازدى از اهل طبرستان بود، هباح بن بسطام التمیمی الهروى اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفن مذکور نیست اما یحیی بن صیح النیسابورى معلم قرآن اول معلمی که در نسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیت ابو زکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد در نسابور مدفون اند در معیره، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابورى سکن بیفداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیسابور و توفی بها، ابراهیم بن مغلدا الکبیر، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و یقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری، ابراهیم بن سالم ابو خالد النیسابورى، ابراهیم بن زید الاسلامی النیسابورى، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسم هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نسابور و توفی بها، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه و رد بنسابور و استوطنها و توفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابورى، ابراهیم بن منصور ابواسحق، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابورى ابراهیم بن مهد البر از البصری امام بنسابور، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحش النیسابوری، ابراهیم بن عمار الانصاری، ابراهیم بن ایوب النیسابوری، ابراهیم بن عثمان النیسابوری، ابراهیم بن سلیمان الخیاط النیسابوری، ابراهیم عبدالرحمن البصری نزل نیشابور، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری، ابراهیم ابن الفضل یحیی النیسابوری، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الثقفی، ابراهیم بن الحصین بشر النیسابوری ابراهیم بن حرب ابواسحق النیسابوری، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی، اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان يعرف بالشالنجی، اسمعیل بن الحجاج، اسمعیل بن حمید النیسابوری، اسحق بن محمد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب راهومه مکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی و قیل هروی و لکن مات بنسابور قاله عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال انا ولدت فی طریق مكه فمالت المرازه راهویه لانه ولد فی الطريق و كان ابی یكره هذا و لكن انا ما كره، اسحق بن منصور بن بهرام الكرسخ مولده بمر و منشأؤه بنسابور و توفی بها، اسحق بن ابراهیم بن یحیی العفصی، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السملی المعروف بالحشل النیسابوری اسحق بن حکم بن ابی خدیجه المهار النیسابوری، اسحق بن ابراهیم السملی النیسابوری اسحق بن نعیم النیسابوری، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور، اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النیسابوری، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابو الازهر النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابو الحسن المروزی مکن بنسابور و توفی بها، احمد بن ایوب ابو ذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله، احمد بن ابراهیم البرمقی، احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابو عبدالله القرشی، احمد بن بکر النیسابوری، احمد بن جواد بن قطی الکثیری النیسابوری، احمد بن حواس ابو جعفر الاستوایی، احمد بن حفص بن عبدالله بن راشد السملی النیسابوری، احمد بن الحکم بن سان السملی النیسابوری احمد بن



حریس ابو محمد القاضی نسابور و هراة ، احمد بن حرب و هو سهل بن فیروز و قیر و زهو  
 عبدالله الزاهد النسابوری قال یحیی بن زکریا بن حرب ، سمعت ان تقول توفي ابي  
 حرب بن عبدالله الاصفهانی نسابور سنة ثمانین و مائه و خلف محمدا و الله لتسع و احمد  
 لاربعة سنین و ولدت اما بعد و فاته ، احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذی صاحب امام  
 احمد بن حنبل ، احمد بن حمزة النسابوری احمد بن حاج بن القاسم العامری وله مسجد فی  
 نیشابور ، احمد بن الخلیل ابو علی البغدادی التاجر سكن نسابور و توفي بها ، احمد بن  
 حواس بن محراق السمی النسابوری ، احمد بن خالد بن حماد الدنبلی توفي نسابور ، احمد بن  
 خالد بن عبدالله ابوبکر النسابوری ، احمد بن سنان القشیری ابو عبدالله الخرقنی و خرقن  
 قرية علی باب مدینة نسابور ، احمد بن سعید بن صخر ابو جعفر الدارمی ولد بسر خسر و نشأ  
 نیشابور و توفي بها ، احمد بن سلیمان القری النسابوری شیخ قدیم من محلقة قر ، احمد بن  
 ستار ابو الحسن الفقیه المروزی ، احمد بن عبدالله الحمیری النیشابوری و کنیته ابو جعفر ،  
 احمد بن عاصم ابوبکر صاحب ابی عیید نیشابوری ، احمد بن عبدالله بن و افدا ابو الید الہروی ،  
 احمد بن علی بن حمومة النحوی النیشابوری ، احمد بن عمرو ابو سعید القهنتذری النیشابوری  
 احمد بن عبدالرحیم الازدی النسابوری ، احمد بن عمر بن عبدالله الفراری ، ابوبکر المروزی  
 ولی قضا نسابور ، احمد بن عمر بن ریعہ الحرسی النسابوری ، احمد بن عبدالوہاب بن  
 حبیب بن مهران العبدی ، ابو محمد النسابوری ، احمد بن علی بن سعید السرخسکی  
 النسابوری ، احمد بن عییر النسابوری ، احمد بن العباس بن منصور النسابوری ، احمد بن معاذ بن  
 عبدالله السلمی النسابوری احمد بن منصور بن راشد الحنظلی ابو صالح المروزی و اقام  
 نسابور ، احمد بن منصور النسابوری ، احمد بن محمد بن یوسف البلخی کتب عنه نسابور  
 احمد بن مسلم الزاهد النسابوری کنیته ابو مسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف  
 بالمعاذ النسابوری ، احمد بن مخلد ابو شجاع العیدلانی النسابوری ، احمد بن محمد بن

سعید الفراری النسابوری، احمد بن محمد بن المہلب بن ہمام النسابوری، احمد بن نصر بن  
 زیاد القرشی ابو عبد اللہ المقری، احمد بن یوسف ابو الحسن السلمی النسابوری، احمد بن  
 یحییٰ بن الصباح بن اخی سعید بن الصباح النسابوری، ایوب بن الحسن ابو الحسن الفقیہ  
 الزاهد مسجدہ ومسکنہ بنصر آباد ولمجدہ کرامات مروثہ محترمہ قبرہ فی رأس میدان  
 زیاد، ایوب بن منصور النسابوری، اسلم بن سلیمان النسابوری، اشرف بن محمد القاضي  
 ابو سعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابو یوسف القاضي، اسد بن عماد بن عبد اللہ العتکی  
 اسد بن عبد اللہ المرابطی النسابوری، اسد بن موسیٰ الفقیہ النسابوری، ازہر بن حبیب  
 النسابوری، اسد بن نوح صاحب خراسان، اسود بن ابی الاسود النسابوری، بشر بن الحکم  
 بن حبیب بن مہران العبیدی ابو عبد الرحمن النسابوری، بشر بن ابی الازہر القاضي  
 النسابوری و ابو الازہر نزیل بنسابور و هو من اعیان علماء کوفہ، بشر بن القسم بن حماد  
 النسابوری بسرین، سهل بن موسیٰ النسابوری ابو سهل العباد، بشر بن یحییٰ السکری  
 ابو احمد المروزی، بشر بن حفص بن یحییٰ الفقیہ النسابوری، بشر بن محمد العاری المطوعی  
 النسابوری، بشر بن ہاشم ابو سهل السجستانی، بشر بن عیسیٰ النسابوری، بکر بن جذاش  
 اخو عامر بن جذاش النسابوری، بدیل بن محمد الاسفرائینی، جعفر بن محمد عروۃ النسابوری  
 جعفر بن عید اللہ الفزّی النسابوری، حسن بن عیسیٰ سرخسی، ابو علی مولیٰ  
 عبد اللہ المبارک و کان نصرانیا ثم صار امام المسلمین، الحسن بن ابی عیسیٰ  
 و ابو عیسیٰ موسیٰ بن میسرۃ الہلالی النسابوری الحسن بن عبد الصمد بن عبد اللہ  
 بن رزین السلمی ابو سعید النسابوری، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبد رب  
 السلمی النسابوری، ابو علی قاضی نیشابور، الحسن بن ہارون بن المعیرہ بن  
 فرقد التمیمی النسابوری، الحسن بن سهل اخو جعفر بن سهل المذکر، الحسن  
 بن شجاع بن رجا ابو علی البلخی الحافظ، الحسن بن عمرو بن عبد اللہ بن معاذ

حماد بن هرون النسابورى ، الحكم بن المبارك النسابورى ، الحكم بن حبيب بن  
 مهران العبدى النسابورى ، الحكم بن عبدالله الحارودى النسابورى ابوالفضل  
 حامد بن ابى حامد المقرئ النسابورى ، حامد بن عبد الوهاب الاسفراينى ، حمدان  
 بن خالد ابوالعباس الفرسى النسابورى ، حمدان بن محمد بن عبدالعزيز بن سلام النسابورى  
 حجاج بن مهاجر ابو يوسف البصرى نزيل نسابور حجاج بن مسلم القشيرى ، ابو مسلم  
 الام النسابورى وتوفى ومسلم كان صغيراً ، حاتم بن يونس الجرجانى اقام نيسابور  
 برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطيب الكشى حدث بنشاپور ، حميد بن رنجويه  
 النسوى ، ابو احمد محدث كثير الحديث ، حسويه بن كيسان اخو محمد بن كيسان  
 النيشابورى ، حسين بن حشام الحرسى النيشابورى ، حسوبه بن عبدالله النيشابورى  
 ابو على اخو حسين المرتفع ، حسن بن عبد الرحيم الرتكى الزاهد ، ابو عبدالله المطوعى  
 النيسابورى صاحب الصومعة والمسجد اللذين يتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن غنم  
 النيسابورى ، خاشد بن اسمعيل البخارى ، حرى بن محمد بن يوسف البلخى ، خلد بن  
 حماد بن عمرو بن مخلد بن مالك وهو الخخام روى عنه احمد و احمد عندنا مدفون بنسابور  
 خلد بن يزيد بن الخلد البلخى النيسابورى ، خشنام بن الصديق النيسابورى ومسكنه  
 رأس مکه عمار فى سكه معتيا باد ، خشنام بن عبد الرحمن النيسابورى المعنابادى ،  
 خشنام بن عبدالله بن ابى زياد النسابورى ، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحكم النسابورى  
 ابو سعيد السلمى ، خليل بن محمد بن عبد الرحمن النحوى ابو محمد النسابورى ، خلف  
 بن عبدالله الغنبرى الهروى حدث بنشاپور ، خلف بن ايوب العامرى ابو سعيد البلخى فقيه  
 اهل بلخ ، حدائش بن عمرو ابو عامر النسابورى ، داود بن محراق الفاريابى ، داود بن مجديب  
 مخدم ابوسليمن قيل ولد بنسابور ومات ببغداد ، داود بن ابراهيم النسابورى ،  
 داود بن على بن خلف الفقيه الاصبهاني اقام بنسابور مدة ، داود بن سعيد ابوسليمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشاپور،  
 الحسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد ابو جعفر المدفون مقبره مولقباد الذی یزار  
 ویرجا اجابت الدعاء، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن  
 ایوب ابو علی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن  
 عبدالرحمن ابو علی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد اد الخزاعی النسابوری  
 الحسن بن مهاجر ابو الحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری  
 الحسن بن مسلم ابو علی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابو علی الزجاجی  
 النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابو علی النسابوری  
 الحسین بن جریر بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری  
 النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابو علی الکوفی امام  
 عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نسابور وسکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن  
 معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری  
 المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاک بن عبدالرحمن ابو علی القرین النسابوری  
 الحسین بن عیسی بن حران ابو علی البسطامی کان من کبار المعحدثین سکن نسابور  
 وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابو نصر النسابوری، الحسین بن حرب، الفقیه  
 النسابوری، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابو علی القرین النسابوری،  
 الحسین بن عمرو بن ابو علی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن  
 عبدالله ابو محمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله  
 بن راشد ابو عمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر والقصیر النسابوری، حفص  
 بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماد بن سلیمان النسابوری،  
 استاد احمد بن حرب، حماد بن موسی النسابوری، اخو مسرور بن موسی الفراء،

النسابوري ، داود بن عدى الطوسي ، رجا بن السندی النسابوري ، ابو محمد الأسفرايني  
 ركن من اركان الحديث ، رجا بن عبد الرحيم ابو المصا القرشي الهروي ، رجا بن  
 اسد النيسابوري ، رجا بن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبد الرحمن ابو محمد المنسوب  
 اليه ميدان زياد ، زكريا بن حرب النسابوري ، ابو يحيى اخو احمد حرب زكريا بن  
 يحيى بن يحيى النسابوري ، ابو محمد التميمي ، زاهر بن بجر النسابوري ، زنجويه بن  
 عبد الرحمن العابد النسابوري و يقال له زنجويه الحيري من محلة الحيرة ، زيد بن ابي  
 موسى النسابوري ، سليم بن ابي مطر المطوعي النسابوري ، سليم بن مطر النسابوري  
 اخو قتاده ، سليم بن بحر بن معاذ النسابوري الزهلي ، سليم بن داود بن بكر ابو داود  
 النسابوري الحفاف ، سليم بن داود بن شعيب كيسان النسابوري ، سليم بن محمد بن  
 ابي داود النسابوري المستملي ، سليم بن عمر بن الحسي النسابوري ، سليم بن  
 خلد بن يونس الكاتب ابو داود النيسابوري ، سليم بن الاشعث ابو داود السجستاني  
 امام اهل عصره بلامدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفي ببصره ، سليم بن عبدالله البكري  
 النيسابوري ، من محلة قز ، سليم بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابوري ، سليم  
 بن عبدالله العامري النسابوري ، سليم بن سعد القرشي النسابوري ، سعد بن يزيد  
 للفرا النيسابوري اختلفوا في كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزي ، سعيد بن  
 عبد الرحمن موالى ال الجرد النسابوري و يقال سعد الحيري من محلة حيرة ،  
 سهل بن مهران ابو بشر البغدادي نزيل بنسابور ، سهل بن بشر بن القسم القتيه النسابوري  
 ابو القاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبدالله العتكي النسابوري ، سهل بن عمان  
 النسابوري المعروف بالسخري ، سهل بن اسلم النسابوري ، سهل بن عبد العزيز بن هوره  
 الصناني ، سعيد بن الصباح اخو يحيى النسابوريان المنسوب اليهما الخان والمحلة :  
 سعيد بن محمود ابو الطوسي نزيل نيسابور ، سعيد بن ابي سعيد البلخي قوم بنسابور

جاجا، سعید بن اشکاب الساسی حدث بنسابور، سعید بن مروان البغدادی ابو عثمان  
 و يقال الرهازی مکن بنسابور و بهامات، سعید بن سام بن قتیبه بن مسلم والی نیشابور،  
 سعید بن صالح النسابوری، سعید بن عبدالرحمن الجارودی النسابوری، سعید بن یحیی  
 الکریزی البصری، سعید بن منصور ابو عثمان النسابوری و يقال الخراسانی و يقال  
 الجورجانی و يقال البلخی، سعید بن النصر ابو النصر النسابوری، سلمه بن شعب النسابوری  
 ابو عبد الرحمن المستملی، سلم بن الحرود بن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر  
 النسابوری، السری بن عطیة التمیمی النسابوری، السری بن نصر ابو سهل النسابوری،  
 السری بن خزیمه بن معویه ابو محمد الایوردی و توفي بایورد، ساسان بن الحسین  
 ابو کسری الخراسانی، سختویه بن مازیار النسابوری، سختویه بن الجنید ابو عبدالله  
 الجرجانی، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی  
 حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی ولد بنخراسان و قيل بنشابور، شریح  
 بن عقیل بن رجا ابو عقیل السیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفراینی، شغم بن اصیل ابو احمد  
 العجلی النسابوری و هو من رستاق ارغیان، صالح بن یونس ابو حاتم النسابوری، صالح  
 بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشک، صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ  
 ابو علی البغدادی و توفي ببخارا، طاهر بن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی  
 ابو طلحه ذوالیمینی والی خراسان، طاهر بن سعید المقری النیشابوری، ابو القاسم  
 طاهر بن عبدالله بن عطا الامیر و توفي بنشابور يوم الاثنين من رجب سنه ثمان و اربعین  
 و ماتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابو الطیب المؤذن، عبدالله بن حسان  
 ابو عبد الرحمن الطوسی ولد بها و بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن  
 جعفر الیمان المسندی ابو جعفر البخاری، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی  
 المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشید امیر المومنین، عبدالله بن مهران

الطبيسي ابو محمد عبدالله بن الجراح القهستاني ابو محمد سكن بنسابور و بها انتشر علمه  
عبدالله بن يوسف بن خرشيد الدويري النسابوري و دوير قرية على باب نيشابور، عبدالله  
بن محمد عبدالرحمن المقرئ النسابوري، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام  
السمرقندي، عبدالله بن عبدالوهاب تميمي ابو محمد الخوارزمي اقام نيسابور، عبدالله بن محمد  
التميمي النسابوري ابو محمد النحوي، عبدالله بن يونس ابو محمد النسابوري الفقيه،  
عبدالله بن محمد الدقيقي النسابوري، عبدالله بن عمر بن الرماح القاضي النسابوري،  
عبدالله بن محمد برهاني، ابو عبدالرحمن النحوي النسابوري، عبدالله بن محمد بن عبدالله  
النباطي النسابوري، عبدالله بن ابراهيم المروزي حدث بنشابور، عبدالله بن مهدي العامري  
ابو محمد النسابوري، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعي، ابو العباس  
الامير العادل ووفاته بنسابور قدم اربع تسعة بنين له من سبعة عشر: عبدالله بن ابراهيم  
الشفاف النسابوري: عبدالله بن يونس النسابوري، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفي  
البخاري حدث بنسابور، عبدالله بن محمد ابو الطيب المكفون الفقيه النسابوري، عبدالله بن  
خالد بن فارس الدنبلي النسابوري، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الماللي النسابوري  
عبدالله بن سنان الهروي صاحب ابن المبارك. عبدالله بن حماد ابو حامد القهنتري  
النباطي. عبدالله بن محمد بن رباب النيسابوري، عبدالله بن ابي نجيه النيسابوري،  
عبدالله بن ابراهيم ابو محمد الخشاب المعروف بالبصري وهو نيشابوري عبدالله بن عرامه  
الساسى حدث بنشابور، عبدالله بن الحارث ابو محمد الصنعاني طرطري على رساتيق بنسابور  
مثل جويني و اسفرايني و يهقي و بشتي، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن ابي الشكري السرخسي  
الا ان رواية واصحابه بنيشابور و مسكنه بنيشابور الى ان توفي: عبدالله بن محمد بن سليمان  
الهاشمي حدث بنسابور، عبدالله بن عبدالله بن ابي الهيثم عم ابي جعفر الترك و كان يسكن  
دار الترك في سكه باذان، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدى

النيسابورى ، عبد الرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدى المروزى ، عبد الرحمن بن عمار  
النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى مكه عمار ، عبد الرحمن بن مسعود الجورجاني  
حدث بنشابور : عبد الحميد بن عبد الله بن محمد بن هاني ابو هاني النيسابورى  
عبد الوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبد الله النيسابورى الترك ، عبد الوهاب بن حبيب  
بن مهران العبدى النيسابورى ، عبد الوهاب بن الضحاك النيسابورى ، عبد العزيز بن  
يحيى ابو عبد الرحمن المدينى ، عبد العزيز بن مسلب المروزى ابو الدرداء ، عبد العزيز  
بن سليمان بن يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى عبد الجبار بن امان القرشى النيسابورى  
عبد الرحيم النيسابورى ، عبد الصمد بن حسان ابو يحيى المروزى ، عبد الصمد بن مسعود بن  
عبد الله بن ذرين السلمى النيسابورى ، عبد الصمد بن ابي مطر ابي بكر البلخى ،  
عبد السلم بن صالح بن سليمان بن ميسره ابو الصلت خدام على بن موسى الرضا ،  
عبد السلم بن نهشل بن سعيد النيسابورى ، عبد الخالق بن محمد بن القسم النيسابورى  
عبيد بن سعد النيسابورى ، عمر بن عبد الله بن محمد بن رزين النيسابورى ، عمر بن  
عبد العزيز بن سلام بن عبد العزيز بن حبيب فيروز التميمى السعدى ، عمر بن عصام  
بن سلم بن زياد النيسابورى ، ابو حفص المقرئ و كل القراء يسمونه عمرو او هو عمر  
عمرو بن عقبه الا ستوائى النيسابورى من رستاق استوا ، عمر بن سعيد بن دردان  
التشيرى النيسابورى ، عثمان بن عبد الله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشى سكن  
بنشابور و بها حدث الى ان توفى ، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمى ،  
امير المؤمنين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب  
رضى الله عنهم الرضا ابو الحسين الامام الشهيد ورد بنشابور ، سنه مائتين فلما وافى  
الرضا بنشابور و اقام بهامدة و المامون بمروالى ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك  
ما كان و استشهد بنشاباد من طوس لتسع يقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنه ثلث



و ماتين و هو ابن تسع واربعين سنة و تسعة اشهر و قال الرضا رضى الله عنه من زارنى على بعد دارى اتيت يوم القيمة فى ثلث مواطن حتى اخلصه من اموالها اذا تطايرت الكتب يمينيا و شمالا و عند الصراط و عند الميزان ، على بن ابراهيم البنانى المروزى ؛ على بن اسحق المروزى صاحباً عبدالله المبارك ، على بن اسحق الحنطلى ابو الحسن السمرقندى من كبار شيوخهم ، على بن بشر النعمانخدى النيسابورى ، ابو الحسن على بن بكر البرنوذى الكبير على بن جرير ابو الحسن الايبوردى حدث بنشابور ، على بن الجرو دبن يزيد النيسابورى ابو الحسن ، على بن جمعه بن هانى بن قنبر مولى امير المؤمنين على رضى الله عنه و هو ممن ولد بنشابور فان هانى سكنها عند وروده مع جعدة بن هبيرة و آل قنبر عندنا بنشابور بيت كبير و خطيبهم باب الرى ، على بن الحسين بن سفيق العبدى المروزى ، على بن الحسين بن عبد الرحمن بن يزيد ابو الحسن الذهلى النيسابورى شيخ عصره ، على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى وهو ابو الحسن الدرا بجرى والد الدرا بجرى مجلة متصله بالصخر آتى على البلد ، على بن الحسن الترمزى ابو الحسن ، على بن الحسين بن وافد المروزى ، على بن الحسين بن عبدويه البيهقى النيسابورى ، على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى ، على بن حجر بن اياس المروزى ، على بن الحكم المروزى و يقال له الملحكانى ابو الحسن على بن سلمه عقبة القرشى ، ابو الحسن الليقى النيسابورى ، على بن سعيد بن جرير ابو الحسن النسوى ، على بن عثام بن على العامرى ، ابو الحسن الكوفى ساكن نيسابور على بن عيسى بن حرب البيهقى النيسابورى ، على بن قدامه بن سلمه النشابورى ، على بن مخلد بن شيبان النيسابورى ابو الحسن خطته مشهورة فى المربعة الصغيره سكه زنجونه ، على بن محمد بن آدم الذهلى النيشابورى ، على بن محمد بن معاوية النيشابورى على بن موسى بن خاقان النيسابورى ، على بن محمد الزباد ابادى النيشابورى و زياد

اباد قرية ييهقي ، علي بن نصر الوراق النيشابوري ، علي بن يعقوب بن صباح القس  
 النيشابوري ، علي بن يونس البلخي حدث بنشابور ، عيسى بن جعفر ابو موسى قاضي  
 الري ، عيسى بن ابي عيسى الدراجردى النيشابوري ، عيسى بن حنان النيشابوري ،  
 عمرو بن زرارة بن وافد ابو محمد الكلاني النيشابوري ، عمرو بن هشام بن زبير النيشابوري  
 عمرو بن معمر العمركي النيشابوري ابو عثمان ، عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعيد الذهلي  
 النيشابوري ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النيشابوري ، عمرو بن صالح المروزي حدث  
 نيشابور ، عمرو بن عصام الاستوالي ، عمار بن عبد الجبار ابو الحسن النيشابوري ، عاصم  
 بن عصام بن منيع بن ثعلبة الشيري النيشابوري ، عاصم الباخرزي النيشابوري ، عصمة  
 بن الفضل الميري النيشابوري سكن بغداد ، عصمة بن ابراهيم الزاهد النيشابوري :  
 عصمة بن ابان النيشابوري ، عامر بن شعيب النيشابوري يقال له الاسفنجي من قرية بارغيان  
 من رستاق نيشابور ، عباس بن سهل ابو الفضل الميداني النيشابوري من ميدان زياد ، عباس  
 بن الضحاک البلخي ، عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد رشد صاحب رسول الله النشابوري  
 عقيل بن عمر بن بكر والي نيشابوري ، عقيل بن الهلال النشابوري ، عقيل بن يحيى النشابوري  
 عمران سوار البغدادي نزيل نيشابور ، عمران بن سهل ابو سعيد النيشابوري ، عمران  
 بن علي الخزاعي النيشابوري : عتيق بن محمد بن سعيد الحرسي ابو بكر النيشابوري ،  
 عبدان بن يوسف السلمى النيشابوري ، عبدان بن محمد بن الفضل النيشابوري  
 غسان بن سليمان الهروي ، غسان بن محمد بن عبد الله بن سالم النيشابوري ، غسان بن  
 عبد الله السلمى الصبري حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسيب بن موسى ابو محمد  
 السران اليبهقي النيشابوري ، فضل بن عماد التميمي النيشابوري و ملقب ببندش او  
 ابن بندس ، فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيشابوري ابو العباس التاجر ،  
 فتح ابن الحجاج ابو نوح الفقيه النيشابوري فتح ابن محمد بن عبد الرزاق التميمي

النيشابوري ، فتح بن نوح بن سنان بن راشد بن عبدالله العافري ابو نصر الشاهنبري محله في  
اعلى البلد ، فتح بن محمد السمرقندي حدث بنشابور ، فضيل بن اسحق بن النصر بن  
اسحق النيشابوري ، فضالة بن ابي زيد التشيري عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك  
القرشي ، القسم بن حيوبه النيسابوري و هو من رستاق نيشابور باستوا ، القسم بن  
دهيم البيهقي النيشابوري ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغاني ابو عبد الرحمن  
المذكور توفي في اسفر اين ، قرة بن حبيب العتوي اصله من نيشابور ، قتادة بن مطر  
النيشابوري ؛ قطن بن ابراهيم التشيري ابو سعيد النشابوري محمد بن الازهر بن حريث  
بن ماهان ابو جعفر السحري نزل بنشابور في غفوان شبابه و بهاولدانه ابو العباس و  
بهاتوفيا جميعاً ، محمد بن احمد حفص النيشابوري ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن  
زيد الكندي ابو الحسن الطوسي توفي بنشابور و دفن في جنب اسحق بن راهويه في  
مقبره شادياخ و هذا من انشاده :

ان الطيب لطبه و دوايه      لا يستطيع دفاع مقدوراني

مال الطيب لموت بالداء الذي      قد كان سوى مثله فيما مضى

هلك والمداوى والذي      حلب الدواء و باعه و من اشترى

محمد بن ابان ابو بكر البلخي المستملي ، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم بن  
المغيره البخاري ابو عبدالله الجعفي ورد بنشابور على كبر سنه واقام به خمس سنين الا  
ان وقعت الفترة بينه وبين شيخ عصره محمد بن يحيى الذهلي رضي الله عنه

ولو لاذاك لما خرج من نيشابور فقد كان سكنها قال ابو حسان مولب بن سليم  
الكرميني مات محمد بن اسمعيل رحمه الله عندنا ليلة الفطر اول ليلة من شوال منه ست  
وخمسين ومائتين وكان بلغ عمره اثنين وستين الا عشر ليله وكان مولده في شهر شوال من  
سنة اربع وتسعين ومائة وكان في بيت وحده فوجدنا لما اصبحنا هوميت و هذا كان في

فترة اخرجوه فيها من بخارا و سببه جريب ابن ابي الورقا و تمسك محمد بن يحيى  
الذهلي النشابوري و قال انه اخرج من نيشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخراجه  
خالدين احمد الذهلي الامير خليفه الطاهر به ببخارا لان ابا عبدالله محمد بن اسمعيل  
ابي تعليم اولاده رحمة الله عليه رحمة واسعة؛ محمد بن اسد ابو عبدالله النشابوري الخوشي  
والخوش قرية من قرى اسفراين؛ محمد بن ابراهيم بن طهمن؛ محمد بن احمد بن محمد  
النيشابوري؛ محمد بن احمد بن غالب النشابوري الانصاري؛ محمد بن اسكاف بن  
خلد النشابوري؛ ابو عبدالله الجوري؛ محمد بن اشرس بن موسى السلمي ابو عبدالله  
النيشابوري؛ محمد بن ابراهيم بن سعيد بن عبد الرحمن العبدى ابو عبدالله الفقيه اللاديب  
نزل بنشابور و توفي بها؛ محمد بن احمد بن انس القرشي النشابوري؛ محمد بن اسحق  
بن ابراهيم بن يونس النشابوري ابو عبدالله محمد بن احمد بن الجراح ابو عبد الرحيم  
الجوزجاني حدث بنشابور و اقام بها؛ محمد بن اسمعيل الرماني النشابوري؛ محمد بن  
ايوب بن الحسن الزاهد النشابوري ابو عبدالله الفقيه؛ محمد بن ازهر ابو حفص النشابوري  
محمد بن اسمعيل بن علي الهاشمي ابو عبدالله البغدادي حدث بنشابور؛ محمد بن  
احمد بن اسلمه السلمي ابو عبدالله النشابوري؛ محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود؛  
محمد بن ابراهيم الصابغ النشابور؛ محمد بن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النشابوري  
كنيته ابو عبد الرحمن ختن يحيى بن يحيى بن علي ابنته؛ محمد بن احمد بن حفص ابو عون  
النيشابوري؛ محمد بن احمد بن الحليل بن سواد بن عبدالله القرشي النشابوري؛  
محمد بن بنداد ابو عبدالله النشابوري؛ محمد بن بشر بن النجم الحارثي النشابوري؛  
ابو عبدالله محمد بن بكر بن خالد ابو جعفر النشابوري ساكن بغداد؛ محمد بن بحر  
ابو عبدالله الاسفرايني؛ محمد بن الحنيد الزاهد ابو عبدالله الاسفرايني؛ محمد بن جعفر بن  
محمد بن علي ابن حسين بن علي بن ابي طالب رضي عنهم ابو جعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشاپور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضى الله عنه ،  
محمد بن حجاج بن عيسى السلمی النیشابوری ابو جعفر الوراق محمد بن الحسن بن  
الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمد بن الحجاج  
النیشابوری ، اخو اسمعیل بن الحجاج ، محمد الحسن بن شهریار النیشابوری ابو عبدالله  
محمد بن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابو عبدالله السعرائی الصوفی و المحسوب  
اليهم سكه طرخان ، محمد بن حفص ابونبات الجرجسی النیشابوری ، محمد بن حماد  
ابو عبدالله الايوردي الزاهد ، محمد بن حمدويه بن عبده بن شبيه الانصاری ، محمد بن  
الحسین الکابلی النیشابوری ، محمد بن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه  
ورد بنشاپور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمد بن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری  
محمد بن الشامی حدث بنشاپور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری  
ابو عبدالله القشیری و يعرف بحمدان بن خلف ، محمد بن خالد بن بشر النیشابوری ابوبکر  
المعروف بالفاق ، محمد بن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه  
خمس و ستین و مائین و دفن فی مقبره خیره ، محمد بن رافع بن ابی زید القشیری  
النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابو عبدالله خطه السكه الادلی ، من باغ الزاراس ،  
محمد بن رحاب بن السندی ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن زیاد بن سنان القشیری  
النیشابوری ، محمد بن زید بن عبدالله الثعلبی الشامی ابو الحسن البزاز سکن بنشاپور  
و بهامات ، محمد بن سعید الحلاف النیشابوری ابو عبدالله اخو خشنام ، محمد بن سعید  
القاضی نزیل بنشاپور و بهامات ، محمد بن سعید بن هناد ابو عالم العوسخی نزیل  
بنشاپور بهامات محمد بن سهل بن ابرهیم بن حماد ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن  
سعید ابو لقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمد بن سعید الهروی محمد بن سلیمان بن  
عبدربه المروزی ، محمد بن شعیب ابو عبدالله الاسدی النیشابوری ، محمد بن شعیب

ابوبكر النيشابورى الحيرى ، محمد بن سادان ابوسعيد النيشابورى المعروف بالصبرى  
 محمد بن طاهر ابوبكر النيشابورى من رستاق جوين ، محمد بن عبدالله بن حبيب  
 ابويحيى النيشابورى ، محمد بن عبدالله بن عمار العتكى النيشابورى ، محمد بن عبدالله  
 الخوى النيشابورى محمد بن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمد بن عبدالرحمن  
 ابو عبد السعران النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيشابورى المحتسب  
 محمد بن عبدالرحمن بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن ابوجعفر  
 النيشابورى من رستاق استوا ، محمد بن عبدالرحيم بن سعود بن عبدالله بن رزين  
 النيشابورى ويعرف بجمش ، محمد بن عبد الوهاب بن حبيب بن مهران العبدى ابو-  
 احمد الاديب الفقيه الفراء وكان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و  
 الشرف فى بلادنا خصوصاً بنشابور يلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم عليهم فيقولون  
 لمحمد حمد او حمش او غير ذلك ، محمد بن عبد الجبار العبدى ابو مسافر النيشابور  
 وروى ان الاصمعى لما ورد بنشابور نزيل بالاده فى القصر ويعرف اليوم بقصر جند  
 بسكه شكش وقال الاصمعى سمعت اعرابيا يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك  
 بحسنها و اكثر عشاقهم انشأ

ولن تصادف مرعى مرعاً      الا وجدت به آثار ما كول

محمد بن عبدالعزيز ابو عمر المروزي ، محمد بن عبد السلام المؤذن النيشابورى ،  
 محمد بن على بن الحسين بن شفيق المروزي ابو عبدالله المطوعى ، محمد بن على بن  
 حمزه ابو عبدالله الحافظ المروزي ، محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمح  
 النيشابورى ، محمد بن عثمان القيسى النيشابورى ، محمد بن عيسى يزيد الطرطوسى  
 ابوبكر التميمى وتوفى ببلخ و من قال بنشابور هم محمد بن عميره ابو عبدالله الجرجانى  
 بهراة ، محمد بن عيسى بن عبدالرحمن ابو على النيشابورى ، الوزير بن الوزير ذو التميمى

محمد بن عمرو بن الهروي أبو عبد الله ، محمد بن عمرو القرشي النيسابوري ، محمد بن  
 عمرو أبو عبد الله القهндزي ، محمد بن عمرو بن النصر النيشابوري أبو علي الجوشي ،  
 محمد بن عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد الخزاعي ، أبو عبد الله النيشابوري ، من أعيان  
 العلماء الصالحين المنسوب إليه المسجد و المنارة على رأس مکه حرب ، محمد بن عبدك  
 أبو عمرو الزوزني النيشابوري ، محمد بن عنبر بن عثمان الحرشي النيشابوري ،  
 محمد بن كاشه بن محسن أبو عبد الله الكرمانی ، محمد بن عنبر الأطروش أبو الحسن  
 الخزار الكوفي . نزيل نيشابور و مات بها و دفن في مقبرة باب معمر ؛ محمد بن  
 الفضل المعبري أبو عبد الله الوري الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابوري ؛ محمد بن  
 القسم بن مجمع الطالقاني النيشابوري ؛ محمد بن كيسان النيشابوري ، أبو  
 عبد الله التميمي و يعرف بابي عبد الله المحاملي ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن  
 أبو عبد الله النيشابوري ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمر القرشي  
 النيشابوري ؛ محمد بن معوية بن أعين النيشابوري ، أبو عبد الله الهلالي و يقال أبو  
 علي نزيل مکه ، محمد بن موسى العال النيشابوري ، أبو عبد الله المطوعي الفقيه ؛  
 محمد بن مكى أبو عبد الله المروزي ، محمد بن موسى أبو عبد الله السلمي النيشابوري  
 محمد بن موسى البلخي ؛ محمد بن مسلم بن واره أبو عبد الله الرازي ؛ محمد بن  
 مسلم النيشابوري ؛ محمد بن مروان الأسدي النيشابوري ؛ محمد بن المهلب  
 السرخسي ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابوري ، أبو عبد مكن بيت المقدس و  
 بهامات ؛ محمد بن نوح السعدي النيشابوري محمد بن نصر الله النيشابوري ؛ محمد  
 ابن الوجيه النيشابوري ، محمد بن هاني بن عبد الله السلمي أبو عبد الله النيشابوري  
 من ميدان زياد ، محمد بن يحيى بن عبد الله بن خلد بن فارس النيشابوري ، أبو عبد الله  
 الذهلي إمام أهل الحديث في عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبد الله أبو

سعيد النيشابوري و يعرف بالجوسقي ؛ محمد بن يحيى بن عمار ابو مسلم القهستاني  
 رضى الله عنهما حدث كبير المحل و قيل توفي بنشابور ، محمد بن يونس ابو عبد الرحمن  
 السرخسي ، محمد بن يحيى بن موسى النيشابوري ، ابو عبدالله الاسفراينى و يحيى  
 ملقب يحيوية ، محمد بن يزيد بن عبدالله النيشابوري ، ابو عبدالله السلمى شيخ  
 اهل الراى ، محمد بن يحيى ، محمد بن يوسف ابوبكر المقرئ النيشابوري ، محمد بن  
 يحيى ابو ابراهيم الصفار النيشابوري ، محمد بن يحيى بن سعيد ابوبكر النيشابوري  
 و هو ولد ابراهيم بن محمد الصيدلانى ، محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيشابوري  
 والد ابى حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسين القشيري النيشابوري المقدم و الحجة  
 فى التمييز بين الصحيح و السقيم و كان مسكنه اعلى الزمجار و منجزه  
 خان محمش و معاشه من ضياعه باستوا و توفي رحمة الله عليه يوم الاحد و دفن  
 يوم الاثنين لخمس سبعين من رجب سنة احدى وستين و مائتين و مقبرته فى راس ميدان زياد  
 قال الحاكم رضى الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابى جعفر يقول سمعت  
 ابا العباس بن سعيد بن عتده و سأله عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن  
 الحجاج النيشابوري ايهما اعلم فقال كان محمد عالماً و مسلم عالماً فكررت عليه  
 مراراً و هو يجيبني بمثل هذا الجواب ثم قال لى يا عمرو قد يقع لمحمد بن اسمعيل  
 الغلط فى اهل الشام و ذاك انه اخذ كقيمهم فنظر فيها مريماً ذكر الواحد منهم بكنته  
 و يذكر و فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما يقع له  
 الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد ولم يكتب المقاطيع والمراسيل

ذكر مصنفاته  
 كتاب المسند الكبير على الرجال ، كتاب الجامع الكبير على الابواب  
 كتاب الاسامى و الكنى كتاب المسند الصحيح ، كتاب التمييز ،



کتاب العلل، کتاب الواحدان، کتاب الافراد، کتاب الاقران، کتاب سؤالات احمد ابن خلیل، کتاب الانتفاع باهب السباع، کتاب عمرو بن شعيب مذكر من لم تحيج بحديثه و ما اخطأ فيه، کتاب مشايخ مالك بن انس، کتاب مشايخ الثوري، کتاب مشايخ سعبه، کتاب ذکر من ليس له الاراد واحد من رواة الحديث، کتاب المخفرین کتاب اولاد الصحابة فمن بعد هم من المحدثين، کتاب ذکر اوهام المحدثين، کتاب تفصيل السنين، کتاب طبقات التابعين، کتاب افراد الشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم، کتاب المعمر فيه ذکر ما اخطأ معمر

مسلم بن الحسين الذهلي النيشابوري و يقال انه ابو معاذ بن مسلم، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابوري، مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيشابوري راي سفيان بن سعيد الثوري، موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجي النيشابوري واسفنج من رستاق ارغنان، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزني النيشابوري، موسى بن يزيد العمي النيشابوري، موسى بن سليمان عبد الرحمن ابو عمران النيشابوري، مسعود بن عبد الله بن زرین بن محمد بن برد ابو عبد الله السلمي النيشابوري القهندزي اخو الجماعة و هو اولهم، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيشابوري، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبد الله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنیشابور بالشادياخ في محلة محمد آباد و من اشعاره في الحية الكثيفة الطويلة ليس للحية الطويلة معنى غير قبح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنعية قام ينادی و قال لمدح الخليفة الواثق بالله

ان الذي بعث النبي محمدا	و هب الخلافة للإمام المهدي
قمران اجدى و ناران سطا	لا يعدلان عن الطريق الا قصد
اشرب على وجه السرور مدامة	خمرأ كالعيق او لفرقد
من لون اعيد قد تضرع كفه	من لونها اوخده المثور

قال ابو تمام فى حق عبدالله طاهرو لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة	لا تأمنن حوادث الازمان
صاح الزمان بآل برمك صيحة	خروا لشدتها على الاذقان
وتنى باخرى مثلها فزادهم	واتى الزمان على بنى ماهان
وغدا يصيح بآل طاهر صيحة	غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زرير السلمى النيشابورى أبو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى أبو عبد الرحمن النيشابورى مبشر بن عبدالله بن زرير بن محمد ابن سرو السلمى ابوبكر النيشابورى اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم النيشابورى اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادى نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلى النيسابورى ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابورى ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابورى معاذ بن خلد النيشابورى مسكن عستان ، معاذ بن اسد المروزي حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامرى البلخى القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازى مسكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لييد ابو موسى البلخى حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمى النشابورى ابو عبدالله ، محمود بن خداس الطالقانى ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزي ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابورى ، محمود بن هشام بن محمد بن هيمون بن ابراهيم ابويحيى النيشابورى ، محمود بن احرب ابو حامد المقرئ النيشابورى ، محمود بن يزيد النيشابورى ، مهدى بن حرث النيشابورى من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعرى ، محمش بن عصام النيشابورى ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابورى ، محمش بن عبد الرحمن السامى ، مطرف بن عبدالله

النیشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النیشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد النیشابوری، نصر بن زیاد بن نهبك بن حسل القاضي النیشابوری ابو محمد وكان كوفي المذهب واعقبه عواخر هم كوفيون وولي قضا بنشابور سنة ثلث عشر ومائتين وتوفي لسبع بقين من شهر سنة ست وثلثين ومائتين هوا بن سنة وتسعين، نصر بن جناح ابو الليث القهستاني، نصر بن ابراهيم ابو احمد النیشابوری الحقائق، نصر بن خلف الفراء ابو محمد النیشابوری. نصر بن الحسين المعروف بفروية التاجر النیشابوری نصر بن جميل القشيري النیشابوری، نصر بن عبدالله بن مروان النیشابوری ابو القسم المؤدب نزيل بغداد، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسي حدث بنشابور، نوح بن صالح ابو القسم الفراء النیشابوری، نوح بن عبد الرحمن الصيرفي النیشابوری، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النیشابوری الیشکي و هي قصبة الرخ و بقره الان یشکي مشهد يزار قال يحيى بن منصور القاضي ان سعيد بن عثمان ابن عفان لما توجه الى خراسان ورد على طريق اصبهان الى یشک و منها الى طريق الرخ فل نزل یشک مرض بها فتزوج و خرج و قد ولدت له بنتاً فسماهن نساء و كانت یشک الى ان تزوج بها محمد بن نصر الیشکي وكان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر وهو النصر بن محمد الیشکي جد والد ابي الحسن المحمدي النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعيد النیشابوری، النصر بن سلمه المؤدب النیشابوری، النصر ابن منصور ابو غياث الحارثي النیشابوری، نعيم بن زياد بن ابا زياد النیشابوری، نعيم بن مرتع ابو الفضل النیشابوری نعيم بن زرین بهلول ابو منصور النیشابوری، وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمی البصري وكان ملقب بالصمام حدث بنشابور هرون بن المهدي بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين و هو مات بسنا باد طوس و هي قرية وهو ابن ستة و اربعين سنة وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثة عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نيشابور ،  
هرون بن يزيد بن اخث ابى جعفر محلد بن مالك النيشابورى ، هاشم بن الوليد ابوطالب  
الهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابورى ، هشام بن الزبير الشيبانى النيسابورى  
همام بن على النيسابورى ، ابر الحسين البشكرى و يعرف بالسورسى ، همام بن زكريا  
ابو محمد النيسابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى  
حيكان امام نيشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار  
شهيدا ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نيشابور و توفى بها و  
قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر  
بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابورى الزاهد ، يحيى بن المسى  
ابو زكريا النيسابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النيسابورى يحيى  
بن صالح النيسابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى يحيى بن بكر بن مسلم  
النيسابورى يحيى بن الياس النيشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النيسابورى ، يحيى  
ابن اكرم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المروزى ، يحيى بن عاصم البخارى  
حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الاسفراينى النيسابورى و  
يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نيشابور ، يحيى بن عامر بن خدش  
النيسابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النيسابورى ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله  
طاهر وهو نيشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نيشابور ، يزيد بن صالح  
ابو خالد الفراء النيسابورى ، يزيد بن مخلد ابو خالد الهروى حدث بنشابور يعقوب  
ابن مفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابورى  
يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابورى ، يعقوب بن اشرش ابو يوسف ، يوسف بن  
عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نيشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلي اخو الامام محمد بن يحيى ، ياسين بن النصر بن يونس بن سليمان بن سلم بن الباهلي ابو سعيد القاضي النيسابوري و خطة سليمان بنشاپور مشهوره ؛ يعمر بن بسر المروزي من كبار اصحاب عبدالله مبارك يونس بن آدم ابو محمد النيسابوري ، يونس بن افلح ابو محمد الملقب بأكثر النيسابوري ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هي محله في اعلى البلد بنشاپور على طريق الجبل تدعى باب ابى الاسود ؛ ابو نصر الدهان النيشابوري ، ابوبكر بن ابى طالب اخو ابراهيم بن ابى طالب

#### ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

ابراهيم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفي النيسابوري مكن بغداد الى ان توفي بها وكان احمد بن حنبل يحضره و يبسط في مجلسه و يفرط عنده و هو اكبر الاخوة ، ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروي ، ابراهيم بن اسحق بن يوسف الا نماطي ابو اسحق النيشابوري ابراهيم بن اسمعيل الفيرى ابو اسحق الطوسي محدث عصره بها ، ابراهيم بن اسمعيل النيشابوري ، ابراهيم بن اسمعيل ابو اسحق المعلل النيسابوري القران ، ابراهيم بن بلال ابو اسحق الاسفرايني و هو نيسابوري ، ابراهيم بن جعفر بن الوليد ابو اسحق المعدل النيسابوري من باغ الرازمين ، ابراهيم بن ابو اسحق الكراميني النيشابوري من محلة الجوري ، ابراهيم بن الحسن النيسابوري الميداني من ميدان زياد ، ابراهيم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النيشابوري ابراهيم بن الحصين بن بشر النيشابوري ، ابراهيم بن خلد الزوزني ابو اسحق ، ابراهيم بن زيادة العابد النيشابوري ، ابراهيم بن سعيد ابو اسحق النيشابوري المعروف ماكرمكي ، ابراهيم بن سلمة بن زياد النيشابوري ، ابراهيم بن على بن محمد بن آدم الذهلي ابو اسحق النيشابوري ، ابراهيم بن على المروزي حدث بنشاپور ؛

ابرهيم بن على بن الحسين ابو اسحق الترمذى نزىل بنشابور ، ابرهيم بن عمر بن  
 عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابرهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق  
 النيشابورى ، ابرهيم بن عبد الرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ،  
 ابرهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى والفضل ملقب بفضلويه ، ابرهيم بن محمد بن  
 نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى  
 ابوطالب ، عبدالله بن سعيد يقول ما رأيت مثل ابرهيم بن ابى طالب ولا رأى مثل نفسه و  
 توفي يوم الاحد الثانى من رجب سنة خمس و تسعين و مائتين و دفن فى مقبرة الحسين  
 ابن معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا  
 هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابرهيم بن ابى  
 طالب رحمهم الله وله تصانيف فى علم الحديث ، ابرهيم بن محمود بن حمزة الفقيه  
 ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهيہ و لم  
 يكن بعده للمالكيه بنشابور مدرس ؛ ابرهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى  
 ابرهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابرهيم بن عبدالله بن  
 موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله عنهم المعروف  
 بابى اسحق الامسج المدنى حدث بنشابور سنة خمس و ثمانين و مائتين ؛ ابرهيم بن  
 محمد بن عبدالله الايوزدى نزىل بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق  
 النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابرهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن  
 بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناخذى النيشابورى ، ابرهيم بن  
 محمد بن سفيان ابو اسحق النسابورى الفقيه ، ابرهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابورى  
 ابرهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبد الرحمن  
 السلمى ابو يعقوب الزاهد البتقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد و كان اكبر

من وجوه نيشابور توفي سنة خمس وثلثمائة بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و  
قبورهم ، احمد بن ابراهيم بن ابي صالح المروزي ابو صالح نزيل نيشابور ، احمد  
ابن اسحق بن ابراهيم الطوسي نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو علي  
اليهتي من رشتاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو  
حامد الاعمش النيسابوري ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابوري ابو  
جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملي النيسابوري ، احمد بن  
حفض الزاهد النيشابوري ، احمد بن حديفه ابو الحسن النيسابوري البشتي ، احمد  
ابن خلد ابو الحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفي بها  
احمد بن خلد بن احمد الذهلي ابو محمد ولم يكن في اولاد خلد بن احمد الامير  
افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيري ، احمد بن الخليل بن محمد البشتي  
احمد بن زرعة بن قيس الذهلي النيسابوري ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابوري  
ابو الفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابو العباس النيسابوري ، احمد بن سهل  
بن مالك ابو بكر الاسفرايني النيسابوري ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس  
المروزي قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأي والعقل  
والدها ، احمد بن سليمان العبدى النيسابوري ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد  
الرحمن الفقيه ، احمد بن صالح بن عبدالله ابو بكر الجوهري النيسابوري ، احمد  
ابن عماد بن كوكب ابو الحسن العامري ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهري  
المروزي والد عمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو  
حامد النيسابوري ، احمد بن علي بن عبدالله المعروف بابي علي الانصاري ، احمد  
ابن علي بن عبدالله بن سنان النيسابوري ، احمد بن عبدالله ابو حامد المناشلي النيسابوري  
من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخي ، احمد بن عثمان بن عبد الرحمن

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنان النیسابوری ، احمد بن عبدوس  
 بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ،  
 احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ،  
 احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید  
 الصيدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن  
 الازهر بن السحری ابو العباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البراز ابو حامد  
 النیسابوری ، احمد بن عییده بن زیاد النیسابوری ابو بکر الوبیری ، احمد بن محمد  
 ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابوری ابو العباس  
 نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من عامله بلخ و عداذه فی  
 نیشابور بین و بها مسکنه و اعقابہ ، احمد بن محمد بن ابی خلد ابو جعفر الاصہانی  
 نزیل نیشابور قدیم و توفي جمادی الاخر سنه ثلث و ثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر  
 احمد بن محمد بن عمر ابو بکر المکندری مولده المدينه و منشأه الحرین و ورد  
 بنشاپور و اقام بها و ولد له بها ابو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابو  
 جعفر الترمذی ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابو بکر المروزی و المراءزه بها یسمونه  
 البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابو بکر احمد بن محمد بن عمر ابو  
 الحسن النیسابوری ، احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی  
 ابو عمرو الحیری شیخ نیشابور فی عصره فی الریاسه و العداله و الثروه و التحديث و  
 وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه  
 رحمه الله و صلی علیه فی مصلى حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المبدل ابو حامد  
 الطوسی سکن بنشاپور السی ان مات بها ، احمد بن محمد بن جعفر ابو حامد  
 النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البخی ، احمد بن عبد الکریم



الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابوري ، احمد بن محمد  
ابن عمار المستملي النيسابوري ، احمد بن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملي و  
ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة وراهب اهل عصره دعا يوم الجمعة وقال  
اللهم اقبضني اليك فمات ليلة الخميس الحادي عشر من جماد الاخره من سنه اربع  
و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعة في مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة  
واسعه ، احمد بن محمد بن سعيد ابو حامد الصيدلاني النيسابوري ، احمد بن محمد  
ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري ، احمد  
بن نصر بن ابراهيم ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون  
من شعبان سنه تسع وتسعين ومأتين و دفن يوم الاثنين تحب الحوض الذي لصدق به  
رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري ، احمد بن نصر  
البوزجاني الشهيد وبوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرون البودنجي  
ابوبكر البرزعي الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابوبكر البسطامي  
المقيم بنشابور الياس بن رجا النيسابوري ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن  
اسد الحوشي الاسفرائني ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النيسابوري ، تميم  
ابن محمد بن طعناج ابو عبد الرحمن الطوسي ، جعفر بن محمد بن الحسن ابو الفضل  
النيسابوري شيخ عشيرته في عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن منان ابو محمد  
النيسابوري من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري ،  
جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيري ركن من اركان  
الحديث بنشابور في الحفظ والاتقان وتوفي سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ،  
جعفر بن سهل ابو الفضل المذكر النيسابوري ، جعفر بن محمد بن موسى الحافظ  
ابو محمد النيشابوري ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف في بغداد وبنشابور مسكنه و

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محمد الشاشي ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمي  
 ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن ولويه النيسابوري ابو محمد الدقايق ، جعفر بن  
 محمد بن الفضل بن زياد التميمي ابو الفضل النيسابوري السعدي الملقب بصعومه  
 جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن حمويه الفارسي  
 نزيل بنشابور ، جعفر بن محمد بن الحرات النيشابوري ، جعفر بن يعقوب بن سليمان  
 المقرئ النيسابوري المطوعي ، جبريل بن مخاع بن الفضل السمرقندي ، الحسن  
 بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيباني ابو العباس النسوي من  
 قرية بالوز وهي على ثلث فراسخ من بلد النشابور وحدث خراسان في عصره و  
 توفي رضي الله عنه سنة ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابوري ابو  
 محمد المطوعي ، الحسن بن علي بن نصر ابو علي الطوسي الملقب بكروش توفي  
 بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبد القيس ابو علي  
 النيسابوري وكان يسكن بباب عروة ، الحسين بن علي ابي عيسى الهلالي ابو علي  
 النيسابوري الدرا بجردي المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابي جعفر واسمه محمد  
 بن يحيى الجوزجاني ابو علي الحاجي ، الحسن بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،  
 الحسن بن علي بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو علي الشاديخاني ، الحسن بن  
 الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابوري ابو علي السكسكي ، الحسن بن عبدالرحيم  
 بن سهل بن نوفل النيشابوري ابو علي : الحسن بن صاحب بن حميد ابو علي  
 الشاشي ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النيشابوري ، الحسن بن جعفر بن محمد  
 الهمداني نزيل بنسابور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابوري ابو علي  
 الحيري ، الحسن بن اسمعيل بن سليمان ابو علي الفارسي نزيل بخارا ، الحسين  
 بن الحسن بن مهاجرين النيسابوري ابو محمد المهاجري من كبار المحدثين و كان

يحدث في سكه معقل في مسجد عبدالله عامر و توفي في سنه ثمان و سبعين و مائتين  
الحسن بن محمد زياد نيشابوري ابو علي القيافي الحافظ احدث اركان الحديث واستاد  
محمد بن اسمعيل البخاري ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابوري ابو علي ،  
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميري ابو علي النيسابوري مسكنه بباب  
عروة ، الحسين بن علي بن مهران النيسابوري ابو علي الدقاق ، الحسين بن احمد  
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو علي البلخي ، الحسين بن اسمعيل بن علي الارنياني  
ابو عبدالله النيسابوري وارنيان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس  
النيسابوري ابو عبدالله المودب ، الحسين بن عبدالله بن محمد بن مغلد النيسابوري  
الحافظ ابو علي الباعكي ، الحسين بن المسيب ابو علي المروزي نزيل بنشابور ،  
حمدون بن احمد بن بكر النيسابوري ابو نصر الذهلي ، حمدون بن احمد بن عمار  
بن رستم النيسابوري الزاهد ابو صالح القصار وكان من الابدال من اصحاب ابي حفص  
وهو والد ابي حامد الاعمشى ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيشابوري  
ابو رجا العمري من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابوري ابو سعيد  
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري ابو محمد الملقابادي ،  
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلي ساكن نيشابور ابو سليمان ، حاتم بن  
الحسين ابو سعيد الساسي نزيل نيسابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن  
ارداد القرشي السمرقندي الحراث بن زكريا المقرئ ابو سعيد النيسابوري ، حامد  
بن موسى الازاري وهي قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابو علي البيهقي  
حماد بن الحكم ابو بكر النيسابوري ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخي ،  
حمويه بن عماد النيسابوري ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان  
الميراني النيسابوري ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مغلد بن ملك

و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفي ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو  
يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا وله بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل في حق  
امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخاري الجعفي فانها زلة و سبب لزوال  
ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابوري من المتقين الاثاب ،  
خشنام بن ابي معروف النيسابوري ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد  
النيسابوري ابوسليم الخسروجردي ، داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابوري ابو الفضل  
الاستوايي ، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابوري ابو يحيى الفرهادچردى ،  
زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابوري ابو يحيى الخفاف المقدم  
فى عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابوري الزكى ابو يحيى اليزاز شيخ اهل  
الراى فى عصره وله مضافات كثيرة ، زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النشابوري  
ابو يحيى الملابادى ، زكريا بن ولويه الزاهد النيشابوري ابو يحيى الواعظ ، زكريا  
بن يحيى حوثره البرنودى النيسابوري ابو يحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن  
الحسن بن عمر النيسابوري ابو محمد الزاهد المعروف باللباد و كان من العباد ،  
سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمان الزاهد الواعظ الحيرى و بها مسجده و  
و منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفي بها و كان مجاب الدعوة  
و مجمع العباد والزهاد و كرماته كثيرة لا يحصى و توفي رحمة الله عليه ليلة الثلاثاء العشر  
يقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو  
عثمان النيسابوري وهو الذى يعرف سعيد بن ابي سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن  
زيد ابو عثمان النيسابوري و كان من فقها اهل الكوفة ، سعيد بن سعيد ابو عثمان  
النيسابوري ، سليمان بن سلام ابو داود النيسابوري ، سليمان بن منصور ابو داود

النيسابورى ، سهل بن عبد العزيز سورة الصنعاني ، سليمان بن اسرائيل ابو عبدالله  
 الخجندی ، شعيب بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى ، ابو صالح العجلي هو يقول  
 سمعت اعرابيا يقول ما اطيب الثلج بماء العذب يستخرج الحمد من اصل القلب ،  
 صالح بن خفضويه النيسابورى وكان من حفاظ الحديث ، صالح بن محمد الجويني ابو  
 سعيد النيسابورى ، صالح بن محمد رجيح الترمذي طيب بن محمد بن طلحة بن  
 طاهر النيسابورى ابو اسحق الطاهري ، عبدالله بن احمد بن شبيه ابو عبد الرحمن  
 المروزي من ائمة اهل الحديث ، عبدالله بن احمد بن الهيثم بن مخلد ابو محمد  
 النيسابورى الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الياس بن ابي عصام النيسابورى ابو القاسم  
 من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسي ابو محمد الفقيه ، عبدالله  
 بن بشر بن عميرة البكري ابو محمد الطالقاني سكن بنشابور و بهامات ، عبدالله  
 بن نحر بن عبدالله بن طيفور ابو بكر الطيفوري ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن  
 غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمي ابو محمد المروزي محدث عصره ، عبدالله  
 بن الحسن بن ايوب السلمي من الزهاد رازي ، عبدالله بن زيد بن سيار ابو محمد  
 النيسابورى المودب ، عبدالله بن سلمه بن يزيد القاضي النيسابورى ابو محمد بن  
 سلمويه ، عبدالله بن سليمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدي  
 و قتل عمران يوم صفين بين يدي امير المؤمنين علي عليه السلام ، عبدالله بن صالح  
 بن يونس ابو محمد الفرائضي النيسابورى ، عبدالله بن علي بن الحرود ابو محمد  
 النيسابورى نزيل مکه ، عبدالله بن عمر بن سليمان ابو العباس الركني النيسابورى  
 عبدالله بن قتيبة بن سعيد الثقفى ابو قتيبة بن ابي رجا البغلاني ، عبدالله بن محمد  
 بن محمد بن عبد الرحمن الفقيه النيسابورى ابو محمد بشرويه و محمد ملقب بحمويه

القرشي ، عبدالله بن محمد داود النيسابوري الدهان ، عبدالله بن محمد بن علي الحافظ  
البلخي ركن الحديث وله مصنفات في التواريخ والعلل وغيرها ، عبدالله بن محمد بن  
العباس ابو محمد المروزي ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوري  
ابو محمد الحيري ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادي النيسابوري  
من محلة نصر آباد في اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأي . عبدالله بن عمرو القراطي  
الواعظ النيشابوري ابوبكر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابو محمد المروزي ، عبدالله بن  
محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمناني ابو الحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله  
بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوري ، نزيل  
سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوري ابو محمد ، عبدالله بن محمد بن  
ابي خلد النيسابوري ابو محمد الصيدلاني ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجاني  
ابو الحصب العاصي ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابوري ابوبكر الحري ، عبدالله بن  
يعبي بن موسى السرخسي ابو محمد العاصي ، عبدالله بن عبدالله النيسابوري  
ابو عبد الرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبد الرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد  
الخرزاعي صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبد الرحمن بن الحسن بن خلد القاضي  
ابو سعيد النيسابوري امام اهل الرأي في عصره بلامدافعه وخطه وخطه اسلافه مجله متاشل ،  
عبد الرحمن بن جعفر ابو سعيد النيسابوري سكن مرو ، عبد الرحمن بن رجا ابو القسم  
النيسابوري فقيه لاهل الرأي من قرية بزديغر ، عبد الرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ  
البغدادى ، عبد الرحمن بن بحر بن معاذ النسوي ابو محمد البزاز ، عبد الملك بن الحكيم  
بن عبد الملك النيسابوري ابوبكر يهتي الملقب بعبدان الخسروجردي ، عبد الصمد بن  
هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسي النيسابوري وهو يلقب بمقاتل قتيبه ، عبد الرحمن  
بن عيسى الجرجاني ابو عبد الرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزي الزاهد علي بن ابراهيم بن احمد ابوالحسن النسوي اقام بنشابور ، علي بن  
 احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظي النيسابوري و سكه معقل خطههم ،  
 علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني ، علي بن الحسن بن شهر يار ابوالحسن الرازي  
 نزيل بنشابور وقبره بالحيره ، علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري ابوالحسن  
 الفقيه ، علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني ابوالحسن الحافظ ، علي بن مهران النيسابوري  
 ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علي بن الحسن بن هشام ابوالحسن النيسابوري ،  
 علي بن حمدون بن هشام ابوالحسن النيسابوري من اجله مشايختنا ، علي بن الحسين بن  
 بشار النيسابوري ابوالحسن الكرماني كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنشابور ،  
 علي بن خاتم البخاري ابوالحسن الحاجي ، علي بن الحسن بن معاذ النيسابوري ابوالحسن  
 السحتياني ، علي بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزي ، علي بن سعيد بن عبدالله  
 ابوالحسن العسكري من اعيان المحدثين كثير التصنيف وقد حدث عنه حفاظ الدنيا في  
 عصره وتوفي بالري سنة ثلث عشره وثلثمائه ، علي بن عبدالرحيم بن سنان ابوالحسن  
 الصفار النيسابوري ، علي بن عمر بن علي بن عمر النيساري ابوالحسن الدنودي ، علي بن  
 عبدالله بن احمد الطبري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري ابوالحسن  
 المناشك علي بن يحيى بن خلد المروزي ابوالحسن الخالدي ، علي بن محمد بن حمدويه  
 الطوسي ابوالحسن نزيل بنشابور ، علي بن محمد بن العلا النيسابوري ابوالحسن  
 القباي و قباي اقصى محلة من البلد علي طريق العراق ، علي بن محمد بن حمدان  
 البغدادى نزيل بنشابور ، علي بن موسى بن يزيد ، الفقيه ابوالحسن القمي امام اهل  
 الرأي في عصره ، علي بن محمد بن يزيد الحداد ابوالحسن الطبسي نزيل بنشابور ،  
 عيسى بن محمد بن عيسى بن عبدالرحمن بن سليمان ابوالعباس اظمهاني ويعرف بالكتاب  
 المروزي هو امام في اللغة واحدا لاشراف في نفسه وابائه واسلافه توفي رضي الله عنه في سنة

ثلاث وتسعين ومائتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابوري ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمي ابو العباس الانصاري القاضي بن القاضي بنشابور ، عمرو بن بشر ابو حفص النيسابوري سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابوري ، عباس بن حمزة بن عبدالله بن اشرس ابو الفضل الواعظ النيسابوري صاحب احمد بن حرب والسكة منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذي النون بصر مباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفي رضي الله عنه في شهر ربيع الاول سنة ثمان وثمانين ومائتين ، عمران بن موسى بن بهامع ابو اسحق السجستاني وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحلة والتصنيف وتوفي بجرجان سنة ثلثمائة ، عمران بن موسى ابو موسى الاعياني النيسابوري ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السجوري النيسابوري ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابراهيم النيسابوري ابو سعيد القطان عسان بن محمد النيسابوري العابد ابو جعفر القاروني ، القسم بن خلد بن قطي ابو سهل المروزي محدث عصره بمرور ، امام الحديث في عصره محمد بن اسحق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي مولى معشر بن هراحم ابو بكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضي الله عنه وكان يسكن بجنجرود وكان شيخ محمد بن اسمعيل البخاري ومسلم بن الحجاج النيسابوري ومحدثي عصره . قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن علي الفقيه الشاشي يقول حضرت ابا بكر محمد بن اسحق بن خزيمة فقال له ابو بكر النقاش المقرئ البغدادي بلغني لما وقع بين المزني وبين عبد الحكم ما وقع قيل للمزني انه يرد على الشافعي قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابوري اياه قال ابو بكر كذا كان و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذنته امرأة فسالت عن مسئلة في الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجرود ثم مثا يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة مسئلته عن هذه المسئلة و كراماته مرويه رضي الله عنه وارضاه وتوفي من ذي القعدة سنة احدى عشرة وثلثمائة وصلى عليه ائبه ابو النصر



وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرو د فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمد بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابو عبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة وثلثمائة وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن مخلد الحنظلى ابو الحسن ولد بمر و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمد بن اسحق بن عبدالله بن ابراهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابو عبدالله الملقب بالمتوفى ، محمد بن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها عقب محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمد بن اسحق بن عبدالرحمن ابو عبدالله المناشكى النيسابورى ، محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمد بن اسحق بن النعمان النيسابورى ابو عبدالله الصفار ، محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيسابورى ، محمد بن اسحق بن الصباح ابو عبدالله التاجر النيسابورى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو العباس السهقى الزاهد ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو عبدالله الصيدلانى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالرحمن المدينى ، محمد بن ابراهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمد بن ابراهيم بن مقاتل بن صالح المبكى النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم الاصهبانى نزىل بنشابور ابوبكر محمد بن ابراهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالله الحشاب ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن قطبة القيسى ابو عبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

ورحلة واشتهاراً وتوفي رحمه الله في ذي الحجة في سنة خمس وتسعين و مائتين و قيل لا يصح سماع من مسمع من الاسماعيلي بعد التسع والثمانين وانه كان لا يقدر ان تحرك لسانه الا بلا و كان اذا قيل له كما قرأنا قال لا. لا. لا مقام نعم و تحرك رأسه ، محمد بن اسمعيل بن موسى بن عبد الله البلخي ، محمد بن اسمعيل بن الحجاج النيسابوري الحجاجي وهو شيخ قديم : محمد بن اسمعيل بن اسحق ابو الحسن المروزي ، محمد بن احمد بن المثنى بن سعيد النيسابوري ابو عبد الله و هو محدث كثير الحديث والرحلة من رستاق الزاوه ، محمد بن احمد بن نصر المروزي ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن حفص النيسابوري و هو غير الحرشي محمد بن احمد بن ابورجا القاضي الجوزجاني و كان من اعيان الفقهاء على مذهب الكوفيين ، محمد بن احمد بن عبد الله النيسابوري ابو احمد المناشكي محمد بن احمد بن عبيد الله النيسابوري ابو عبد الله العامري ، محمد بن احمد بن ايوب بن الصلت المقرئ ، محمد بن احمد بن منصور ، محمد بن احمد بن هاشم ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن المغيرة التميمي ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد النسوي ابو الحسن ، محمد بن احمد بن مجاهد السمرقندي شيخ قديم ، محمد بن احمد بن عبد الله بطحا النيسابوري ، محمد بن الحسين النيسابوري ابو جعفر الكاتب ، محمد بن احمد بن بالويه النيسابوري ابو العباس البالوي ويلقب بعصيده و كان من اعيان المشايخ ، محمد بن احمد بن بو عون النسوي ابو جعفر الردفني ، محمد بن احمد بن نعيم ابو عبد الله نزيل بغداد ، محمد بن ايوب بن الحسن الفقيه ابو بكر النيسابوري محمد بن جمعة بن الخلف الحافظ ابو قريش القهستاني الاصم و كان من الحفاظ المتقين توفي رحمه الله في قهستان سنة ثلاث عشرة و ثلثمائة ، محمد بن جابر بن حماد المروزي ابو عبد الله الحافظ الفقيه احدى اهل زمانه ادر كنه المنية في الكهولة رحمه الله يروي عن ابن عباس قال الشاعر:

انت بشرط النبي اذ قال يوماً اطلبوا الخير في حسان الوجوه

محمد بن جعفر بن ابرهیم بن مسلم النیسابوری ابو جعفر ، محمد بن حمید ابو عبدالله  
القہستانی نزیل نیشابور ، محمد بن جعفر بن محمد بن یزید الشعرانی ابو عبد النیشابوری  
الازارواری قرية من جوبین هویری هذا الشعر عن اعرابی :

یا فالق الاصباح انت ربی      وانت مولایی وانت حسبی  
فاصلحن بالیقین قلبی      ونجنی من کرب يوم الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه  
کله نیشابور ، محمد بن حبیب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمد بن  
الحسن بن عییداله بن محمد بن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی  
الحیری ، محمد بن الحسین بن عمارة ابو عبد النیسابوری المقری من المدينه الداخله ،  
محمد بن الحسن بن هشام الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمد بن محمد بن الجسین بن  
معاذ النیسابوری یلقب بحمویة الطویل محمد بن حامد بن محمد بن ابرهیم النیسابوری  
ابوبکر الحیری ، محمد بن الحمید البزاز النیسابوری ، محمد بن الحسن بن الحسن ابوبکر  
النیسابوری و يعرف بابی بکر بن ابی علی البرزعی ، محمد بن الحسن ابو عبدالله الزمجاری ،  
محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندی ، محمد بن خالد ابوبکر القاضی الرازی نزیل  
نیشابور ، محمد بن خشنام بن سعد ابو عبد الرحمن النیشابوری ، محمد بن داود بن  
یزید بن حازم ابوبکر الرازی ، محمد بن دلویه ابوبکر النیشابوری ، محمد بن ابی ذرة  
القاری النیسابوری ، محمد بن دلویه بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخراز ، محمد  
بن درست الزاهد ابو عبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ،  
ابو عبدالله شیخ صاحب اخبار وحکایات ، محمد بن مسیح بن سریع ابو مسیح العامری  
الترمذی ، محمد بن روح النیسابوری ابو احمد الاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام  
ابو احمد الهروری الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمد بن زیاد النیسابوری ابو  
عبدالله الفقیه البردیعوی و کان من الزهاد والفقها ، محمد بن زکریه بن قمیم

على النيسابورى ابوالعباس الضريع كف بصره بعد الثمانين ، محمد بن شعيب بن محمد  
 بن المغيرة بن بكر السلمى النيسابورى ابوبكر الجنجرودى ، محمد بن شعيب بن على  
 ابوبكر النيسابورى ويلقب بالصر ، محمد بن شادان بن اسمعيل النيسابورى ابوالعباس ،  
 محمد بن شاد بن عبدالله النيسابورى ابوعبدالله ، محمد بن شهر يار النيسابورى ، محمد  
 بن شعيب بن صالح النيسابورى ابو عبدالله القصرى و يقال انه من قصر عبدالجبار ،  
 محمد بن الصباح النيسابورى ابوعبدالله الخياط ، محمد بن صالح بن جميل ابوالحسن  
 الطوسى محدث كثير ، محمد بن صالح بن يونس النيسابورى ابوعبدالله ، محمد بن  
 صالح بن الهيثم القشيري ابوبكر النيسابورى من محله ملقباد ، محمد بن طيفور  
 الزاهد ابوعبدالله النيسابورى ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامير ابوعبدالله  
 النيسابورى وتوفى ببغداد ، محمد بن عبد السلام بن بشار ابوعبدالله النيسابورى المعروف  
 بالوراق كان موزق على اسحق بن راهويه و كان من العباد ، محمد بن عبدالله بن  
 يوسف بن خرشيد النيسابورى ابو عبدالله الديرى و دير قرية على فرسخ من البلد ،  
 محمد بن عبدالله بن المبارك الخياط النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن اسحق الحواري  
 ابوعبدالله الطوسى ، محمد بن عبد الملك بن سلمه النيسابورى ابوعبدالله القشيري ،  
 محمد بن عبدالله بن حامد النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن الجنيد النيسابورى ابو  
 عبدالله ، محمد بن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمري ، محمد بن عبدالله العاملى ابو  
 عبدالله النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن يزيد الرازى ابوبكر مسكن بنشابور ، محمد  
 بن عبدالله بن عمرو المروزي ، محمد بن عبد الصمد النيسابورى ابوبكر الاسفرائينى  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروى ابوالحسن المخلدى ، محمد بن عبد الملك  
 بن سلمه النيسابورى ، محمد بن ابي عياض النيسابورى ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ،  
 محمد بن عيسى النيسابورى نزيل مكة ، محمد بن على بن ابراهيم ابوعبدالله الحافظ

المروزي ، محمد بن عمر بن هشام الحافظ ابوبكر الرازي وتوفي بمرو ، محمد بن  
 علي بن علوية الفقيه ابو عبدالله الجرجاني الرازي من ائمة عصره للشافعيين ، محمد بن  
 عمرو بن سليمان بن عبد الرحمن بن عبدالله النيسابوري وهو ابوبكر بن عمرو الملقب بادي  
 محمد بن عمر بن العلا العامري ابو عبدالله الجرجاني الصيرفي ، محمد بن علي بن الحسن  
 النيسابوري ابو عبدالله ، محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرون السعدي توفي في-  
 البادية ، محمد بن عمرو بن جبريل النيسابوري من رستاق يهق ، محمد بن عمرو بن  
 خالد ابوبكر البلخي ، محمد بن علي بن الحسن ابو عبدالله المرقدي ، محمد بن علي بن  
 رافع التميمي الحافظ ابوبكر البلخي ، محمد بن العباس بن الحكم المروزي ، محمد بن  
 عبدربه النيسابوري ، محمد بن علي بن سعيد بن جرير النسوي ابو عبدالله ، محمد بن  
 علي بن عثمان بن حمزة الانصاري ابو عبدالله المدني ، محمد بن علي بن الحسن بن خليل  
 النيسابوري ابو عمر والقطان المجاوز برباط قراره ، محمد بن عبدالله النيسابوري  
 محمد بن عبدالله بن مهدي بن ابي المهدي النيسابوري ابوبكر الشعرائي من قصبه المهرجان  
 كثير الرحلة والحديث ، محمد بن ابو عبيد الله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادي ،  
 محمد بن عمرو بن الربيع بن سليمان الطافي ابو عبدالله الطوسي ، محمد بن علي القاضي  
 ابو عبدالله المروزي الملقب بالخياط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نيشابور ، محمد  
 بن علي بن ابراهيم المروزي ابوتراب ، محمد بن العباس بن يوسف بن القسم بن سليمان  
 بن سليط النيسابوري من المدينة الداخلة ، محمد بن علي العمري ابو جعفر الشافعي  
 سكن نيشابور ، محمد بن فراس ابو عبدالله الاسفرايني النيسابوري ، محمد بن الفضل  
 محمد بن الطيب ابو الحسن النيسابوري و ملقب بفوز البشتي ، محمد بن فوز بن عبدالله  
 بن مهدي النيسابوري ابوبكر العامري ، محمد بن الفضل بن عصمة النيسابوري ، محمد  
 بن قتيبة بن عبدالله بن موسى النيسابوري ابوبكر الاسفرايني ، محمد بن القاسم ابو نعيم

صاحب الرباط هراوه ، محمد بن قيصته اللقبادي ابوبكر النيسابوري ، محمد بن كرام العابد ابو عبدالله السحري وقيل انه من بني قرار مولده بقرية من قري زرنج و نشأ بسجستان وحصل عند احمد بن حرب في خراسان ، محمد بن الليث ابو عبدالله النيسابوري محمد بن محمد بن رجاء بن السدي ابوبكر النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابوري ابو عبدالله الارغثاني وكان من العباد المحتهدين ، محمد بن المنذر بن سعيد بن عثمان الهروي ابو عبد الرحمن شكر ، محمد بن ماهان الجويني ، محمد بن منصور النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن محمد بن شاد النيسابوري ابو عبدالله الرادساني ، محمد بن محمد بن سعيد بن عبد الحميد الانصاري ابو نصر المقيم بنشاپور ، محمد بن موسى الواسطي ابوبكر الصوفي صاحب الاحوال قد سكن بنشاپور مدة ثم سكن بمرو و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفي بها ، محمد بن مهران النيسابوري ، محمد بن مصر بن معن المروزي ابو مضر الرباطي صاحب الاخبار والحكايات ، محمد بن نصر الامام ابو عبدالله المروزي الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه وتوفي بسمرقند في المحرم سنة اربع و تسعين ومائتين وقيل رجال خراسان اربعة ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابراهيم الحنظلي و ابو عبدالله محمد بن مضر المروزي ، محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابوري ابوبكر المدني وذلك ان منزله ومسجده في المدينة الداخلة فنسب اليها من اعيان المجتهدين الثقات الانبياء ، محمد بن النصر بن سلامة الحرودي بن يزيد ابوبكر الجارودي شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالاً وثروة وخططة المشهورة ومسجده في المربعة الصغيرة والجارود جد ابيه صاحب ابي حنيفة ، محمد بن نصر الفراء النيسابوري محمد بن هاشم بن زياد الترمذي ، محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندي

الكاغذى ابونصر ، محمد بن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى  
 المربعة منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث ، محمد بن يحيى بن خالد بن مهران  
 النيسابورى ابوبكر الاعوج ، محمد بن ابى يزيد بن صالح الفراء النيسابورى ابواحمد بن  
 ابى خالد ، محمد بن ياسين بن النصر بن سليم بن ربيعة الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى  
 محمد بن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمد بن يحيى بن  
 خالد ابويحيى المروزى ، محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمد بن يحيى بن  
 مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمد بن يوسف بن مغلل ابو عبدالله النيسابورى  
 الاموى ، محمد بن يوسف بن سعيد ابو حمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الخطمى  
 ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابو عمران البزاز ،  
 موسى بن محمد بن موسى النيسابورى الذهلى ابو عمرو والاعين ، موسى بن عبدالمؤمن  
 النيسابورى ابو العباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن  
 عبد الرحمن النيسابورى ابو عمران السيهقى مضارب بن ابراهيم النيسابورى ، ابو الفضل  
 الاديب وكان اوجد عصره بنيسابور فى الادب والخو ، مذكور بن الحارث النيسابورى  
 ابو الليث البوزجاني ، مطهر بن محمد بن يحيى النيسابورى ، ابو على منصور بن على  
 بن عبدالله النيسابورى ابونصر السخيتاني ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن  
 محمد بن احمد بن ماهان ابو العباس البلخي ، مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسدد بن  
 قطن بن ابراهيم النيسابورى ابو الحسن القشيرى وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد  
 والورع واكبريت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً ، موقل بن الحسن عيسى بن  
 ماسر خسى النيسابورى ابو الوفا الماسر خسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال  
 عقل وكرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك ، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرئ ،  
 محمود بن عبد الرحمن البلخي مقبل بن رجا الطوسى ، محيب بن ابراهيم بن سليمان بن

ابراهيم بن يزيد النيسابوري ابو عوانة الاسفرايني من علماء الحديث ومن الرحالة في اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبد الله بن خالد بن حموك ابو يعقوب المرورودي من اعيان محدثي خراسان المشهورين بالطلب والرحلة وتوفي بمرورود سنة ست وتسعين ومائتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابو عمر والنيسابوري نزيل بغداد يوسف بن الجوزجاني ابو يعقوب العابد النيسابوري ، يوسف بن ابراهيم النيسابوري ابو يعقوب الماكياني ، يونس بن ابراهيم بن النصر ابو محمد النيسابوري .

#### ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث

فيها من علماء السلميين رضي الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابوري ابو حامد الاسفرايني ، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن موسى الحيري ، احمد بن ابراهيم بن احمد بن حاجب النيسابوري ابو سعيد الحاجي وكان ملقب بحمدان ، احمد بن ابراهيم بن داود النيسابوري الميداني من ميدان زياد وتوفي سنة خمس عشر وثلاث مائة احمد بن ابراهيم بن شادان بن عبد الله النيسابوري ابو حامد الحفاف ، احمد بن اسحق ابو حامد البزاز النيسابوري ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابوري ابو حامد المقرئ الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمد بن بشر بن محمود النيسابوري ابو يحيى الاسفرايني ، احمد بن جعفر بن مشكان النيسابوري ابو حامد الخفاف ، احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الوحامد الشيباني النيسابوري ، احمد بن حمدان بن علي بن سنان النيسابوري الزاهد العابد ابو جعفر بن حمدان الحيري وكان مجاب الدعوة وتوفي رضي الله عنه سنة احدى عشر وثلاثمائة بنشابور قبل ابي بكر محمد بن اسحق بن خزيمة ، احمد بن حمدويه بن موسى النيسابوري ابو حامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكة خمس سنين احمد بن حامد بن ابي حامد ابو عمر



الشاشي ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو حامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمد بن عبد الله بن بكر بن جعد المذكر ابو حامد النيسابوري المعروف بالدقاق ، احمد بن جعفر بن عمير المروزي ، احمد بن السري بن سهل النيسابوري ابو حامد الجلاب و كان مسكنه كالماباد ، احمد بن سعيد العابد النيسابوري ، احمد بن شادان بن محمد النيسابوري ابو العباس الاسفرائيني ، احمد بن عبد الرحمن بن محمد بن نصر النيسابوري احمد بن عبد الرحمن ابو حامد السرخسكي وهي قرية على باب البلد ، احمد بن عبد الرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو بكر الجودي ، احمد بن عبد الرحمن بن اسمعيل النيسابوري ابو حامد الجلودى ، احمد بن على بن الحسين بن شهر يار الحافظ النيسابوري المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا في عصره و كان ابوه من الرى سكن نيشابور وبها نشأ ومات وقيل مات في سنة خمس عشرة وثلثمائة بالطايران من طوس و هو اربع و خمسين سنة ، احمد بن عبيد بن عبد العزيز ابوطاهر النسوي ، احمد بن عبد الله ابو حامد الذهلي النيسابوري احمد بن محمد بن الحسين الحافظ ابو حامد بن الشرقي النيسابوري صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره في المفرقة ومات في رمضان سنة خمس وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة شاهنبر والخطبة المشهورة بالشرقيين في اعلى الزمجار ، احمد بن محمد بن همام ابو الحسين النيسابوري ، احمد بن محمد بن السعيد النيسابوري ، ابو بكر بن ابي الحجاره شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمد بن اسحق ابو حامد الوراق النيسابوري ، احمد ابو على النيسابوري احمد بن محمد بن حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوسي ابو حامد سكن نيشابور وقال الحاكم واظنه نيسابورياولى قضا طوس ونسب اليها ، احمد بن محمد بن يحيى النيسابوري ابو الحسن الرازي احمد بن محمد بن على الفقيه ابو خاتم النيسابوري و يعرف بالسحري ، احمد بن محمد بن ابو حامد الغازي ، احمد بن محمد بن رنحويه الموازي ، احمد بن

محمد بن ادم الساسي، احمد بن محمد بن عبد الرحمن بن عمر الحكيم العبدی، احمد بن محمد بن  
 الحسين النيسابوري ابو الحسين الحداسي، احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص  
 محمد النيسابوري ابو عمرو السمسار و كان من المتعصبين لاهل السنة الباذلين للمال و  
 الجاه و كان ابو مجاب الدعوة، احمد بن محمد بن موسى النيسابوري ابو حامد القلاسي،  
 احمد بن محمد بن يحيى بن بلال البزاز ابو حامد المعروف بالخشاب النيسابوري مدفون  
 في باب معمر، احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عماد الخرجي ابو عمرو المزكي  
 احمد بن محمد بن الحسين بن قريش الماهياني ابو نصر المروزي الغاوي سكن نيشابور  
 حتى مات بها، احمد بن محمد بن حمدان المؤدب ابو حامد النيسابوري، احمد بن  
 محمد بن صالح النيسابوري، احمد بن محمد بن عبدالله النيسابوري ابو عبدالله العمري،  
 احمد بن منصور المروزي الاحول، احمد بن محمد بن معروف النيسابوري، احمد بن  
 نصر بن محمد بن اشكات التجاري ابو نصر الزعفراني، احمد بن يونس بن ابراهيم بن  
 النصر النيسابوري ابو العباس، احمد بن يوسف الصابوني الفقيه ابو الحسن المناظر،  
 احمد بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو حامد الكردي، ابراهيم بن محمد بن نصر النيسابوري  
 ابو اسحق الكراميسي، ابراهيم بن الحسين بن محمد ابو اسحق المقرئ، ابراهيم بن  
 محمد بن ابراهيم ابو اسحق النيسابوري الفقيه و كان يعرف بالخداسي من باب عروه سكه  
 خدام و هو من اجلة الفقهاء لاهل الرأي، ابراهيم بن احمد بن محمد النيسابوري ابو اسحق  
 السختياني، ابراهيم بن اسحق بن ابراهيم الاديب النيسابوري ابو اسحق المروزي، ابراهيم  
 بن محمد بن مرشد النيسابوري ابو اسحق المعدل النيشابوري، ابراهيم بن ابي مطيع  
 ابو اسحق النيسابوري القطان، ابراهيم بن محمد بن قميصه ابو اسحق النيسابوري،  
 ابراهيم بن محمد ابو اسحق النيسابوري المعروف بالايوردي، ابراهيم بن احمد بن  
 الحسن ابو اسحق النيسابوري المعروف بالبغدادی، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن شداد

النيسابوري ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابراهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ،  
 ابراهيم بن محمد ابواسحق الرئيس البسطامى سكن بنسابور بياغ الدارس وبهامدرسته  
 وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابراهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن  
 العادل ولى بنسابور سبع سنين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنة  
 خمس وثلثين وثلثمائه ابراهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر  
 العرش ابواسحق العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابراهيم بن عمال  
 الخرزجى الانصارى ابو محمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن عبد الرحمن النيسابورى  
 اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابو عبدالله الزمجارى ، اسحق بن ابراهيم  
 بن عبد الملك النيسابورى ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى  
 بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو يعقوب  
 الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابو يعقوب الوراق النيسابورى وكان من الصالحين ،  
 الياس بن محمد بن يوسف بن حفص ابو يحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحسين القاضى  
 الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابو نصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن  
 الفضل بن اسحق توفى عمى ابو النصر سنة ثلاث وعشرين وثلثمائه يروى عنه هذا البيت ،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده فلم يبق الا صورة اللحم والدم

و كائن ترى من ساكت لك معجب زيادته او نقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابو على بن ابو بكر الحنالى الرازى وقدرى وحدث  
 بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى ، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى ، جعفر بن  
 محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابو محمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد  
 النيسابورى جعفر بن الغازى ، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى ابو على الجنابدى  
 ولى قضا بنسابور ، الحسن بن محمد بن ابراهيم ابو طاهر الجنابدى النيسابورى ، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادى السمسار وكان من العباد الحسن بن محمد بن  
 بكر النيسابورى ابو على بن خان يحيى بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى  
 ابو على الشعيرى المعروف بحسن الوكيل، الحسن بن على بن الحسين جعفر النيسابورى  
 ابو على من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى ابو على السواق  
 القنطرى، الحسن بن محمد بن ياسين بن النصر الباهلى النيسابورى، الحسن بن محمد  
 بن قيس بن صالح النيسابورى ابو على البراز، الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن  
 جندل النيسابورى ابو على القهستانى نزل ابو بنسايور، الحسين بن محمد بن هارون  
 ابو على النيسابورى، الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابورى ابو على -  
 السمسار وكان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحديث والرحلة، الحسين بن فوران  
 النيسابورى، الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى ابو على الانماطى، الحسين بن نصر -  
 النيسابورى ابو على البارى وبارقرية من قرى بنسايور، الحسين بن هارون ابو على -  
 المرائى من الرحاله فى طلب الحديث و توفى بنيسابور سنة خمس عشرة و ثلثمائة،  
 الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى ابو على الصفار، الحسين بن بحر بن عبد الله -  
 المعلم النيسابورى ابو على المعروف بالصوفى، الحسين بن محمد بن محمد سام التميمى  
 ابو على الحاكم البلخى، حميد بن محمد بن على الشيبانى ابو عمر و النيسابورى يعرف  
 بحميد الصبى، حامد بن محمود بن مقل النيسابورى ابو محمد القطان حامد بن محمود  
 محمد النيسابورى ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثم الشاهد و مسكنه مكة  
 مكش، حامد بن احمد بن محمد بن حبيب ابو احمد المروزى، حامد بن ابي حامد  
 الاشروسنى حدث بنيسابور، حوتره بن محمد النيسابورى ابو محمد البرنودى خلف بن  
 حنظلة بن خاقان السرخسى ابو محمد، زكريا بن محمد بن اكرا المعذل النيسابورى،  
 ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد، زيد بن يحيى بن الحسين العامرى النيسابورى

ابوالحسين من محله دروان كوس ، سلمين بن داود بن عبدالله النيسابوري ابويوب و  
 يعرف بابن داود النسوي و كان ابوه نزل بنسبور ، سهل بن عبدالله ابو حاتم السجستاني ،  
 سليمان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابوري ابو الفضل الجوهري و كان من  
 المشهور بطلب الحديث بخراسان و العراق و من اهل الثروة و الافضل على اهل العلم  
 رحمة الله ، سلمه بن النصر بن سواده بن عقيل القشيري ابو النصر النيسابوري من باب -  
 الدير ، صالح بن نوح بن منصور النيسابوري ابو الفضل الفرهاد جردى ، صديق بن عبدالله  
 الرادساني النيسابوري ، طاهر بن يحيى بن قبيصة النيسابوري ابو الطيب البلخي ، عبدالله بن  
 محمد بن عمر النيسابوري ابو محمد العطري ، عبدالله بن محمد بن ابراهيم النيسابوري  
 ابو محمد الزوزني ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هو ابو بكر بن سالم بن  
 عبدالله عمر بن الخطاب العدوي ابو محمد الجوهري و منزله في سكة حمدان  
 قال الحاكم رحمه الله و منزل ابي ايضا سكة حمدان و مسجده و مسجدا بي الذي كان  
 عليه الميذنة قديما و قال ابي توفي عبدالله اخي من الرضا ع سنة خمس عشر و ثلثمائة ، عبدالله  
 بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خويلد الخزاعي ابو بكر النيسابوري عبدالله بن الحسين بن  
 محمد النيسابوري ابو بكر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشيري النيسابوري ابو محمد  
 الدهان ، عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النيسابوري ابو بكر الشافعي سكن  
 بغداد و كان امام الشافعيين في عصره ، عبدالله بن محمد بن مسلم النيسابوري ابو بكر  
 عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرماخ الطوسي ابو محمد و كان من اعيان المحدثين في -  
 عصره ، محمد بن علي بن طرخان الباهلي ابو بكر البلخي محدث بلغ في عصره ، عبدالله بن  
 محمد بن منازل النيسابوري ابو محمد الصوفي المجرد على الصحة و الحقيقة لاعلى  
 مجرى العادة و توفي رضي الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنة احدى و  
 ثلاثين و ثلثمائة و دفن في مقبره شاهنير و حالات عجيبة قال ابو عبدالله الملقا بادي

عاولت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابو علي الثقفي و كنا نجتمع و يذكر -  
 فضل الحنيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه و عبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد  
 فقامت انا و ابو علي الثقفي و قلنا لعبدالله قم بنا ترورا بالقاسم فقال اذهبنا لما فقلنا لا تجئ  
 فقال لا فتعجبنا و ذهبنا اليه فزادت مشاهدته على ما كان عندنا من اخباره فقال لنا هل  
 صبحكما غير كما قلنا بلى هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا  
 قلنا لعله فقال اذا نصرفتما الى فاستلاه ان يصبحكما قلنا نعم انصرفنا اليه و قصصنا عليه  
 ما سمعنا و وصفنا فلم يتكلم بشئ الى ان اصبحنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم  
 فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذي منعك عن زيارة هذا الشيخ فقال لا بد ان اخبركم  
 قلنا لا قال ان كان امر ابي القاسم على ما وصفتموه فما مثل ما سمعوه منه الا مثلا لطعام  
 الطيب تيناوله الرجل ثم يخرج فضله على ما ترون وكذلك علم المعرفة انما يلتقي الحق  
 الى من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا بارادة فلان اكون  
 منحوس الخطه بالكلية من ابي القاسم اخب الى من ان اكون مغبونا آخذ منه اردي  
 ما التقي و يبقى طيبه عنده فاءجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابي القاسم و رحب  
 بنا و سالنا عنه فقصصنا عليه القصة فبكى ابو القاسم حتى كاد ان يفشى عليه و سكنت ذلك -  
 اليوم ولم ينطق الى ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابوري ابو محمد البرلعي ،  
 عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابوري ابو محمد العابد ، عبدالله بن محمد بن  
 ابراهيم البحاري ابو محمد الداعوني ، عبدالله بن حماد بن حنبل بن عمران بن حماد  
 ابو عبد الرحمن المطوعي من سكة نوند ، عبدالله بن حميد بن معقل القنطري ، عبدالله  
 بن سعيد النسوي ، عبدالله بن احمد النيسابوري ابو محمد الوبري ، عبدالله ابن  
 عبد الرحمن بن الحسين القاضي بن القاضي ابو القاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب  
 ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن سعيد مخلد الطوسي نزيل نيسابور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابورى ابو محمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن يعقوب البخارى ابو-  
محمد الفقيه الكلابادى المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين  
الماسرخسى ابو محمد النيسابورى ، عبدالله بن اسحق بن يعقوب الكرماني وغيره ،  
عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقى ابو محمد النيسابورى اخو ابى حامد وكان  
اسن منه وامند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن على البلاخى ابو ظهير العمرى ، عبدالله بن  
ابى صالح المذكر ابو عبد الرحمن الزاهد المتكلم وكان من المجتهدين فى العباده  
ولكن انه راي ، راي القدر ، عبيد الله ابراهيم بن بابويه النيسابورى ابو القاسم مزكى  
عصره ومن اعيان المشايخ ومسجده المعروف فى سكه معقل ، عبيد الله بن محمد النيسابورى  
المعروف بعبد الوراق ، عبيد الله بن يعقوب بن يوسف الرازى ابو القاسم الواعظ وتوفى  
بنيسابور ودفن فى مقبره باب معمر ، عبد الرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن احمد  
النيسابورى ابو القاسم المذكر الواعظ الاديب الاوحد فى عصره فى صنعته بسلامدافعه  
وله كرامات مشهوره رضى الله عنه ، عبد الرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسى  
المذكر ابوبكر سكن بنيسابور الى ان توفى بها ، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان  
النيسابورى ابو محمد من قرية بفوحك ، عبد الرحمن بن محمد بن علويه الابهري  
ابوبكر القاضى ولى قضاء طوس وايه رد ، عبد الواحد بن سعيد النيسابورى ابو احمد-  
الارغيانى ، عبد العزيز بن الحسن ابوبكر البردعى العابد ، عبد العزيز بن محمد الخشاب  
ابو عمر النيسابورى وكان من الزهاد يسكن سكه تنكش ، عبد الملك بن محمد بن عدى  
الجرجاني ابو نعيم الفقيه الاسترآبادنى ، عبد الواحد بن محمد بن احمد بن بابويه النيسابورى  
ابو الحسن البالوى الحيرى ، عبد الواحد بن محمد النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد  
النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد بن هانى ابو حاتم شيخ ال هانى و اشتغل بالفتوة  
فصارواحد اهل بلدنا فيها ، عمر بن على بن عبد الرحمن الجوهرى ابو حفص المروزي  
المعروف بابن على ، عقيل بن اسحق ابو حاتم النيسابورى المعروف بعقيل القنارزى

على الوراق وهو ابن محمد بن احمد بن علي بن عبدالله بن نور النيسابوري ابو محمد من سكه عاصم ، علي بن ابي علي النيسابوري ابو الحسن الزبقي ، علي بن نصر بن عماد الخزرجي ابو الحسن المعروف بابن الحسنك ، علي بن ابراهيم بن معاوية النيسابوري ابو الحسن المعدل وكان من الصالحين ، علي بن محمد بن محمود النيسابوري ابو الحسن الضير ، علي بن محمد بن احمد النيسابوري ابو الحسن القاضي من راس جوض ابي الغنبر ، علي بن الفضل بن طاهر البجلي ابو الحسن الحافظ ، علي بن الحسين بن محمد بن حمدويه السنجاوي المروزي ، علي بن قاسم بن علي النيسابوري ابو الحسن الخوافي الاديب الشاعر . علي بن العباس بن سهل النيسابوري ابو الحسين المذكر ، علي بن الحسين الانماطي ابو الحسين النيسابوري ، علي بن محمد الطلجي الكوفي ابو الحسين نزيل بنسبور ، علي بن محمد بن اسحق المروزي ، علي بن سهل بن مصلح النيسابوري ابو الحسين ، عبدوس بن الحسين بن منصور ابو الفضل النصر آبادي ، عمرو بن عبدالله بن درهم النيسابوري المطوعي الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصري ، عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوي ابو القاسم نزيل بنسبور ، العباس بن الفضل بن الحسن النيسابوري ابو الفضل المحمد آبادي ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النيسابوري ابو الفضل الفريد آبادي وهي قرية بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النيسابوري ابو الفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابو الفضل الاصهباني نزيل بنسبور ، العباس بن ابراهيم بن العباس النيسابوري ابو الفضل هذا شيخ من اسفراين من قرية كوران ، عمران بن موسى بن حصين السنجري نزيل بنسبور ، عباس بن حمدويه بن احمد بن نصر بن زياد القاضي ابو الفضل المستملي ، فضل بن محمد بن عقيل بن خويلد النيسابوري ابو العباس و يلقب بفضلان الخزاعي و خطبهم برأس سكته حرب مشهوره ، الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النيسابوري ابو العباس الكراميسي ،



الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابوري أبو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمة  
أبو العباس السلمي وهي أكبر ولد الإمام أبي بكر ، القاسم بن عمر بن سلمين أبو محمد  
النيسابوري أخو أبي العباس الكوكبي ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين  
بن أسلم النيسابوري أبو محمد الأسلمي من باب معمر من مكة أبي دز ، ليث بن محمد بن ليث  
بن عبد الرحمن المروزي أبو نصر الكاتب ، محمد بن علي بن أبي طالب بن زياد أبو جعفر  
القزويني ، أحمد بن الحسين النيسابوري أبو أحمد بن أبي العباس الماسرخسي ،  
محمد بن عبد الوهاب الثقفي أبو علي الإمام المتقدم به في الفقه والكلام والوعظ والورع  
والعقل والدين

قال الحاكم سألت أبا محمد عبدالله بن محمد الثقفي عن نسبة جده قال  
سمعت جدي أبا علي ينتسب أبا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن  
عبد الوهاب بن عبد الواحد بن أبي بن كعب و هو محمد بن الحجاج بن يوسف  
بن الحكم و ينتسب إلى مصر وقال كان أبي عبد الوهاب أمير قهستان في عهد عبدالله  
طاهر فولدت بقهستان منه أربع وأربعين وماتين وقال أبو محمد توفي جدي أبو علي  
رحمة الله ليلة الجمعة و دفن يوم الجمعة الثالث والعشرين من جماد الأولى  
سنة ثمان وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة قز، وهي ابن تسع وثمانين سنة رضي الله  
عنه وأرضاه وحالاته مشهورة ، محمد بن جعفر بن ورثة النيسابوري أبو عبدالله المازني  
محمد بن محمد بن سعيد النيسابوري أبو العباس البختری ، محمد بن زكريا  
النيسابوري أبو بكر الكاغذي من مصنفی الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل  
أبو بكر القطان أسند أهل نيسابور في مشايخ النيسابور بين في عصره ، محمد بن  
حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري أبو بكر بن أبي حاتم السلي من إعيان  
المحدثين وتوفي رحمه الله ربيع الآخر سنة عشرين وثلثمائة ودفن في مقبره الحيرة،  
محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوري أبو أحمد البراز مسجده وداره في ميدان

زياد، محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابوري الفقيه ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد،  
محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبري ابو عبد الله النيسابوري وكان من اعيان  
وجوه نيسابور، محمد بن عبد الرحمن الاصهاني ابو جعفر الارزثاني من الحفاظ الاثبات،  
محمد بن محمد بن يوسف قاضي القضاة بخراسان ابو ذر البخاري محمد بن خالد بن احمد  
الذهلي الامير، محمد بن علي بن زياد النيسابوري ابو الفضل السمدي، محمد بن حمويه بن  
عباد النيسابوري ابوبكر طهمان محمد بن الرومي ابو عبد الله الزمجارى، محمد بن ابراهيم  
بن عبدويه بن سدوس بن علي بن عبد الله الهذلي ابو عبد الله العددي النيسابوري المعروف  
بكثرة السماع والرحلة والتصنيف، محمد بن حمدويه بن سهل الغازي ابو نصر المطوعي  
المزوري، محمد بن الحسن بن اسحق النيسابوري ابو جعفر الصوفي ويقال له الاصهاني لان  
اباه من اصهبان، محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروي، محمد بن  
شريك بن محمد ابوبكر الاسفرايني، محمد بن سعد بن حمدويه النسوي ابو عبد الله، محمد  
بن عمران بن موسى النسوي ابو جعفر الشرمغولي قريه بنسابور، محمد بن عبدوس بن  
العالا النيسابوري ابوبكر الاهاري محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابوري ابوبكر  
الكاتب ويعرف بالابرص ومسكنه محلة باب الديرو هو من اهل الصدق، محمد بن شعيب  
بن ابراهيم بن شعيب النيسابوري الفقيه ابو الحسن ابو الحسن العجلي الشيبقي، محمد بن  
هرون بن منصور النيسابوري ابو سعيد المسكي وكان من الاعيان في الحديث والعقل  
والثروة والسخا، محمد بن علي بن الحسين البلخي ابو عبد الله الختائي، محمد بن احمد بن  
ابراهيم ابوبكر النيسابوري الصوفي، محمد بن جعفر بن سليمان النيسابوري ابوبكر  
الصيرفي محمد بن همام بن معوية النيسابوري ابو عبد الله المهالي، محمد بن الحسين  
بن اسحق المقرئ النيسابوري ابو عبد الله، محمد بن محمد بن صديق النيسابوري ابو حامد  
محمد بن يحيى ابوبكر النيسابوري، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النيسابوري

ابو عمرو الزمجارى ، محمد بن ابرهیم بن عبدالله النيسابورى ابوبكر الخاررنجى ،  
 محمد بن الفضل بن عبدالله النيسابورى ابوالفضل ، محمد بن اسمعيل بن عيسى الجرجاني  
 ابو عبدالله المستملى ، محمد بن يعقوب بن اسحق الجوهرى ابوبكر النيسابورى ،  
 محمد بن عمرو بن سلمة بن هشام النيسابورى ابوبكر البزاز ، محمد بن ابرهیم بن شاذان  
 بن عقيل النيسابورى المذكر ابوبكر الاكارى الشعرانى ، محمد بن احمد بن الحسن  
 بن زياد القيمى ابوالفضل النيسابورى الزورابدى وخطه تم باب معاذ سكة الرشنه ،  
 محمد بن احمد بن فوران النيسابورى ابوبكر الدهان ، محمد بن ابراهيم بن فوران  
 النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن اسحق بن محمد بن ابوتراب الموصلى ، محمد بن  
 اسحق بن عبدالله النيسابورى ابواحمد الشاد ياخى ، محمد بن احمد بن زهير  
 بن طهمان القيسى ابوالحسن الطوسى محدث كثير الحديث و التصنيف ، محمد بن  
 الحسن بن حميد بن معقل النيسابورى ابوبكر الصوام ، محمد بن على بن حمويه  
 النيسابورى ابوالعباس العطار ، محمد بن حسنويه بن على النيسابورى الشيخ الصالح  
 ابوبكر ، محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النيسابورى ابو عبدالله وكان دجابه الدعوة  
 رحمة الله محمد بن حمدان بن سهل بن دوسى النيسابورى ابوبكر الصانع ، محمد بن عبدوس  
 النيسابورى ابو عبدالله السيسر آبادى ، محمد بن على بن الحسن النيسابورى ابو جعفر  
 النحترى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب النيسابورى ابو عبد الله التاجر ، محمد بن  
 هارون بن مطرف بن اسحق النيسابورى ابو جعفر و يعرف بابى المطرفى ، محمد  
 بن حسنويه بن اسمعيل النيسابورى ابوبكر الفانى ، محمد بن احمد بن الفضل النيسابورى  
 ابواحمد الشخنانى ، محمد بن احمد بن اسمعيل الحثمى و كان قاضى الرى ، محمد بن  
 احمد بن عمرويه النيسابورى ابو عبدالله البلى الشاهد ، محمد بن سلوان الكرايسى  
 ابوبكر النيسابورى ، محمد بن سهل بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله المؤدب ، محمد بن

احمد بن الحسن النيسابوري ابوبكر الكاتب ، محمد بن احمد بن اسد بن مشكان  
 النيسابوري ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى بن معاوية النيسابوري ، محمد بن  
 ابراهيم بن اسمعيل الطوسي نزيل نيسابور ، محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابوري  
 ابو حاتم السخستاني ، محمد بن عقيل بن فضالة النيسابوري ابوبكر ، محمد بن علي بن  
 الحسن ابو عبدالله البخاري ، محمد بن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزازي البصري ،  
 محمد بن عبدالله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروي المزني ، محمد بن جعفر ابو  
 عبدالله القصاب النيسابوري ، محمد بن جعفر بن محمد بن نصر بن النيسابوري ، محمد بن  
 الحسين بن حمويه ابوبكر العابد النيسابوري ، محمد بن عبدالله ابو الفضل السخستاني  
 النيسابوري ، محمد بن الحسين ابو عبدالله الباغي النيسابوري من محلة باغك ، محمد بن  
 الحسن بن ابي سعد يحيى بن منصور ابو الفضل الشهيد الحافظ الهروي ، محمد بن  
 احمد بن حمويه ابو عبدالله المزوري ، محمد بن احمد بن هارون بن حنان النيسابوري  
 ابو عبدالله القرشي ، محمد بن ابي سهل الرباطي الهروي محمد بن الحسين بن معاذ  
 النيسابوري ابو الحسين المازلي ، محمد بن يعقوب بن داود الفارسي ابو عبدالله الموسدي خابري ،  
 محمد بن احمد بن هلال ابو النصر السمرقندي ، محمد بن يعقوب ابو جعفر الواظي  
 الطبري ، محمد بن عبد الرحيم الشاشي ، محمد بن حمويه النيسابوري ابو عبدالله الحزكي ،  
 محمد بن محمد بن ابراهيم النيسابوري ابوبكر النسوي ، محمد بن الطعمون ابوبكر  
 بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد الفقيه ابو العباس  
 الدعولي امام عصره بخراسان اقام بنيسابور مستقيماً ، علي بن محمد بن يحيى الذهلي  
 وعبد الرحمن بن بشر واقرا نهماسنين وبعدهم محمد بن اسحق وابو العباس السراج ما كان احمد  
 مثله ، محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابوبكر النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد  
 بن المسيب الشعرائي النيسابوري ابوبكر البيهقي ، محمد بن نصر بن عمار الانصاري ابوبكر  
 النيساري ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزرجي الانصاري ابو الحسن النيسابوري

روى عن فضيل بن عياض وكنا نستطاب اذا مرضنا فصارها لانا بيد الطيب فكيف  
 نجز غصتنا بشئ ونحن نقص بالماء الشريب، محمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى  
 ابوبكر الجلودى، محمد بن احمد بن على الرئيس ابوالحسن ابن ابي عبدالرحمن  
 النيسابورى المعروف كان ابوه بابي عبدالرحمن العاتخدى وكان ابي الحسن رئيس  
 بنيسابور فضايله كثيره رحمه الله، محمد بن عبدالله بن محمد بن رجا بن سعيد بن علوان  
 الورى ابو الفضل البلعمى رضى الله عنه واحد عصره فى الراى والعقل و اجلال العلم و  
 اهله، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نى الطوسى سكن بنيسابور،  
 محمد بن محمد ابو على القصاب الهروى، محمد بن على ابوبكر النيسابورى ابن اخت  
 مسلم بن الحجاج، محمد بن احمد بن محمد بن زياد النيسابورى ابواحمد الملقب وكان  
 وجوه البلد، محمد بن يونس بن ابراهيم بن النصر بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله  
 المقرئ الشعرانى، محمد بن عثمان ابوالطيب القطان النيسابورى و كثر المقام  
 بيقناد محمد بن محمد بن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابي الطيب، محمد بن عمر-  
 بن جميل ابوالا حرز الطوسى الاصم، محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى  
 ابوالحسن الصيدلانى، محمد بن الحسين بن علا ابوالعباس الزيرى النيسابورى من  
 المدينة الداخلة، محمد بن احمد بن على النيسابورى الاديب ابوبكر العجلى، محمد  
 بن على بن محمد ادريس النيسابورى ابو عمرو والمزكى، محمد بن قرش ابواحمد  
 المروروى شيخ بلده، محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن ابواحمد الوراى  
 المعروف بالحافظ وكان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و  
 كان من نيسابورى من محله الحيرة، محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابو على  
 الميدانى من ميدان زياد، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبكر وكان من  
 المجتهد بن لا يشتغل الا بالصلوة والقرائة ولما توفى رغب الخلائق فى الصلوة

عليه اكثر من الاعياد ، محمد بن الطيب ابوالنصر الكشتي الزاهد ، محمد بن علي بن الحسن بن مهران بن صفان النيسابوري الحافظ ابوبكر التجار ، موسى بن العباس بن محمد النيسابوري ابو عمران الجويني من ازادوار و هو صنف على كتاب مسلم الحجاج ، مكى بن عيدان بن محمد بن بكر بن مسلم بن راشد النيسابوري ابو حاتم التميمي ، مسعود بن علي بن الحسن المروعي ابوالقاسم الجوال في طلب الحديث بمصر والحجاز ، معتز بن احمد بن يحيى الزمي من زم جيحون ابواحمد الحاجي ، محمود بن احمد بن عطا القهستاني نزيل نيسابور ، يحيى بن محمود بن عبدالله بن اسد النيسابوري ابوزكريا البرنودي ، يحيى بن عبدالرحمن النيسابوري ابوزكريا التميمي المعادي ، يعقوب بن محمد بن ماهان النيسابوري ابويوسف الصيدلاني ، يعقوب بن اسحق بن الجعد النيسابوري ابويوسف الجعدي شيخ من المشهورين يعقوب بن يوسف بن عاصم ابوالفضل العاصمي البخاري شيخ اهل بلدة في عصره ، يعقوب بن محمود المقرئ ابويوسف النيسابوري من كبار القراء ، يعقوب بن يوسف بن يوسف ابويعقوب المكاتب مرتع بشسفرش يوسف بن جميع النيسابوري .

قال الحاكم رضي الله عنه هذه اسامي المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان في اسامي الذين ادركتهم ورزقت السماع منهم بنسابة من هذه الطبقة ايضا على الترتيب المذكور .

احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبدالرحمن بن نوح النيسابوري الفقيه ابوبكر ، الامام ، المفتي ، المتكلم ، الغازي ، الرئيس ، الزكي واحد عصره ، رضي الله عنه وتوفي شعبان سنة اثني و اربعين و ثلثمائة وهو ابن اربع و ثمانين و اشهر و مناقبه كثيرة من الفقه والاصول والحديث الفروسيمة مقدم في عصره في جميعها بلا مدافعة ، احمد بن ابراهيم المغنل الصيدلاني ابوبكر النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام اسماعيلي النيسابوري

واحد نصره و شيخ الفقها والمحدثين و مات بجرجان، احمد بن اسحق بن عبدويه  
 ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد  
 الرازى ابومعبد الصوفى نزىل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم  
 بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرئ نزىل بنسابور، احمد بن  
 اسمعيل بن يحيى خادم الارزى ابوالفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد  
 العرب، احمد بن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى وردجده من الرقه جاء ايام  
 الطاهرية، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابوالحسن العبدوى  
 النيسابورى الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوى.

احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الاصهبانى وكان مولده بنسابور، احمد  
 بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوحامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن  
 ابراهيم بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابورى والد ابى عمرو الصغير، احمد بن بالويه  
 ابوحامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادى اقام بنسابور  
 مدة، احمد بن بسام ابوالحسن البغدادى. احمد بن جعفر بن سليمان ابوحامد البزاز  
 النيسابورى من اذا بجرد، احمد بن الحسن بن منده ابو عمرو الاصهبانى نزىل بنسابور، احمد  
 بن حسنويه على اللباد ابوالحسن النيسابورى التاجر، احمد بن الحسن بن الحسين بن  
 منصور ابوالحسن النصر آبادى النيسابورى، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان  
 الاصهبانى القاضى ابوبكر الطوسى وتوفى بنسابور، احمد بن الحسين بن محمد بن  
 على البلخى ابوحامد الفقيه الشافعى، احمد بن الحسين بن احمد بن عبيد بن الحسين بن  
 الضبى ابونصر المروزى، احمد بن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكر المقرئ النيسابورى  
 امام عصره فى القرائات وكان اعلم من رأينا من الفقرا وكان مجاب الدعوة، احمد بن  
 الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن يزيد بن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

القاضي، احمد بن الحسين بن احمد ابو نصر الفقيه النيسابوري وهو ابن ابي علي الفامي،  
 احمد بن الحسين بن محمد حمويه النيسابوري والحسين يلقب محكومه ابو نصر الوراق  
 احمد بن الحسين بن علي قاضي القضاة بخراسان ابو حامد المزوري وكان ابوه همدانيا  
 احمد بن الحسين الحافظ ابو الفضل الاديب الشاعر، احمد بن الحسين ابو بكر السروري  
 المقرئ، احمد بن الحسين التاجر ابو العباس الرازي من اعيان كتبه الحديث، احمد بن الخضر  
 بن احمد بن محمد بن عبدالله نهبك الشافعي ابو الحسن الفقيه النيسابوري، احمد بن داود بن  
 عيسى الهاشمي ابو العباس الطبري، احمد بن رافع بن الحسين ابو يوسف المزوري،  
 احمد بن زيد بن محمد الطوسي ابو نصر التاجر، احمد بن سليمان بن اسمعيل ابو السنين  
 بن نوح ابو سعيد الحيري النيسابوري وكان من الصالحين، احمد بن سعيد بن اسماعيل  
 ابو الحسين بن ابي عثمان الزاهد النيسابوري، احمد بن سعيد بن نصر بن بكاد الزاهد  
 ابو بكر الواعظ البخاري، احمد بن سهل بن ابراهيم بن سهل الانصاري ابو حامد  
 النيسابوري، احمد بن صالح بن علي المزوري، احمد بن طاهر بن عبدالله بن يزيد ابو علي  
 بن طاهر النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر بن  
 معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزني صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم رضى  
 الله عنه وكان امام اهل العلم والجود في عصره بلا مدافعه وكان من اولياء السلطان .  
 وقال الحاكم انه هروي ولكن مات رضى الله عنه ببخارا و يعرف بابي محمد المزني .  
 احمد بن عبدالله بن زكريا بن عبد الكريم بن عبدالله بن عبدالعزيز ابو الحسين بن زكريا  
 الفقيه الشافعي الجرجاني ، احمد بن عبدالله بن سعيد ابو العباس الذهلي ، احمد بن  
 عبدالله بن سرمد ابو الحسين الكرايسي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن  
 اسمعيل الفقيه الشاهد ابو الحسين الطوائفي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن احمد بن  
 محمد بن الحسين ابو نصر بن ابي محمد بن ابي العباس الماسرخسي النيسابوري، احمد



بن علي بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصمعي نزيل بنسابور، احمد بن علي بن  
عبدالرحيم التاجر ابو حامد الصفار النيسابوري، احمد بن علي بن محمد القامي ختن -  
الحاكم ابي علي الجنبدي ابوبكر النيسابوري، احمد بن علي بن الحسن بن  
شاذان المقرئ ابو حامد التاجر العابد النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الوراق ابو  
عمرو النيسابوري، احمد بن علي بن عمرو بن سليم الزاهد البخاري ابو الفضل السلمين،  
احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام ابو حامد النيسابوري، احمد بن العباس بن عبيد الله  
المقرئ ابوبكر الامام البغدادي، احمد بن عبدالعزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم -  
اسحق بن ابراهيم الوراق ابو حامد النيسابوري عم ولد ابي عمرو الصغير، احمد بن عبد الله  
بن حمشاد بن محمد الغازي ابو نصر التاجر النيسابوري وعاشرا كابر الشيوخ من -  
المتصوفة، احمد بن عمر بن سبيويه المزوري، احمد بن عبد الله بن محمد ابو صابر الفقيه  
من اصحاب ابي العباس احمد بن هارون، احمد بن الفضل بن محمد ابو بكر البزاز -  
النيسابوري، احمد بن القسم ابو نصر الكاتب، احمد بن القاسم ابو نصر النيسابوري -  
الكاتب وكان من اعتاب الحسين القامي، احمد بن كوفي بن ايوب بن ابراهيم الاصمعي  
التاجر ابوبكر، احمد بن الايث بن الحسين بن علي الزاهد الخياط ابو احمد النيسابوري  
مجاور الجامع، احمد بن محمد بن عبدوس العبدى ابو الحسن الطرائفي النيسابوري  
وكان من اصحاب الصدق و المحدثين، احمد بن احمد بن سليمان الحافظ الحنفي  
ابو الطيب الصعلوكي النيسابوري عم استاد ابي سهل رضي الله عنه ومدفون في مقبرة باغك،  
احمد بن محمد بن عبد الله القاضي ابو الحسين النيسابوري قاضي الحرمين وامام الكوفين  
في عصره بلا مدافعه، احمد بن محمد بن يحيى المعذل ابو الحسن بن يحيويه النيسابوري  
واقام ببغداد مدة ثم رجع احمد بن ابراهيم الفقيه الاديب ابو جعفر الجرجاني نزيل  
بنسابور، احمد بن محمد القاسم المذكر السرخسي اقام بنسابور، احمد بن محمد بن

سهل الفقيه البارع ابو الحسين الطبسى الشافعى، احمد بن نصر بن اشكاب البخارى،  
احمد بن محمد بن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من مخله جلاباد  
وكان من الصالحين العباد، احمد بن محمد بن محمد بن ابرهيم بن عبده النيسابورى  
التميمى ابو الحسين السليطى، احمد بن محمد بن ايوب الواعظ المفسر ابو بكر الفارسى  
نزىل بنسابور، احمد بن محمد بن ابرهيم بن هاشم الحافظ ابو محمد البلادرى الطوسى،  
احمد بن محمد بن اسمعيل بن مهران ابو الحسن بن ابي بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى  
احمد بن محمد بن الحسين الواعظ ابو العباس النصر الدارى، احمد بن محمد بن سهل  
ابو الحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمد بن محمد  
بن الحسين الخطيب ابو حامد الخسرو جردى شيخ كبير، احمد بن محمد بن سعيد بن  
منصور الواعظ الحافظ ابو سعيد قد جمع الحديث وصنف فى الابواب وهو نيسابورى و  
مات بطرسوس، احمد بن محمد بن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام  
فى عصره بنسابور، احمد بن محمد بن موسى بن كعب الشاهد ابو سعيد الكعبى النيسابورى  
وكان يقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقه، احمد بن محمد  
بن الحسين الطوسى ابو تراب الواعظ النوقانى، احمد بن محمد بن عيسى بن الجراح  
الحافظ ابو العباس النحاس المصرى، احمد بن محمد بن ابرهيم الواعظ ابو حامد المقرئ  
النيسابورى ويعطى لكل علم حقه، احمد بن محمد بن مهران بن عبدالله الاصبهاني  
ابو العباس الكافورى، احمد بن محمد بن الحسين بن على ابو طاهر الطاهرى النيسابورى  
من محلة جودى، احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابي-  
الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن ياقويه ابو  
حامد النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابو عمرو الرزدى  
النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمد بن ابو حامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان في عصره بلامدافعه ، احمد بن محمد بن ابراهيم ابو عمرو -  
 الزوزني الكاتب ، احمد بن محمد بن الحسين البخاري ابونصر الطلائعي الكاتب  
 احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفقيه ابو الحسن اللحاتمي ابو حاتم الفقيه -  
 المزكي المزوري ، احمد بن محمد بن الحسن الفقيه ابونصر الطرائفي النيسابوري  
 احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابو علي البراز النيسابوري ، احمد بن محمد بن احمد  
 بن محمد بن يحيى الانماطي النيسابوري ابن بنت ابي الحسين البرازي ، احمد بن محمد  
 بن ابراهيم ابونصر الطبسي التاجر نزيل نيسابور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن يحيى  
 بن نوح ابو الحسين البحتري النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله العنبري ابو منصور  
 الصوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن صالح القاضي المنصوري من اهل منصوره ،  
 احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى الحافظ ابو حامد الفقيه الاديب المزكي  
 الطوسي ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابو العباس الصوفي الشيرازي ، احمد بن  
 موسى بن حماد ابو حامد النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد ابو حامد  
 الجفولي النيسابوري ، احمد بن محمد بن معتقل السرخسي ابو عمرو الكاتب نزيل مزيان ،  
 احمد بن محمد بن مسيح بن وكيلى النجفي ابو سعيد الحافظ النسوي ، احمد بن محمد  
 بن الحسن ابو عمرو بن ابي طاهر المحمد آبادي محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن  
 شريك الفقيه ابو حامد الشافعي الهروي مفتي هراة في عصره ، احمد بن محمد بن ابوب  
 بن سليمان الفامي ابو حاتم الجوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن  
 عبد الله بن محمد عبد الوهاب الصايغ ابو حامد النيسابوري ، احمد بن محمد بن اسمعيل  
 البغدادي ابو الحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهيم بن جازم البخاري ابو نصر -  
 الحازمي المؤذن ، احمد بن محمد بن حسويه العابد ابو بشر الحسنوي النيسابوري ،  
 احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسين بن ابي نصر الخفاف المجاب الدعوة

احمد بن نصر بن محمد الزهري ابو الحسن البغدادي الحنودي ، احمد بن هرون بن ابراهيم  
 الفقيه ابو العباس الحاكم المزكي شيخ اهل الراي في عصره النيسابوري ، احمد بن يعقوب  
 بن احمد بن مهران بن عبدالله ابو سعيد الثقفي النيسابوري ، احمد بن يعقوب بن ناصح  
 الاصبهاني الاديب ابو بكر النحوي ، احمد بن يوسف بن عبد الرحمن الصوفي ابو حامد  
 العمروف بالاشقر ممن صحب المشايخ القدا بخراسان والعراق ، احمد بن يعقوب بن  
 عفر بن الجنيد بن موسى التميمي ابو الفضل الخجندی ، احمد بن يعقوب بن العاطر عبد  
 الجبار القرشي الجرجاني ، ابراهيم بن اسمعيل بن ابراهيم العابد ابو اسحق المعروف  
 بابو هتمك النيسابوري كان على رأس سكه خشاوزه وتوفي رحمة الله سنة ثمان وثلاثين وثلثمائه  
 وكان احد ودب حتى رداوه فوق العمام ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن رجا الفراري  
 النيسابوري ابو اسحق الوراق ، ابراهيم بن احمد بن عبيد الله المستملي ابو اسحق الهمداني  
 الاعور ، ابراهيم بن اسحق بن حمويه البزاز ابو اسحق الرازي ، ابراهيم بن احمد الزاهد  
 ابو اسحق السلماني النيسابوري ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن عبدالله الترنومدي ، ابراهيم  
 بن اسحق الاديب اللغوي ابو اسحق الضير ، ابراهيم بن جعفر السختيائي ابو اسحق النيسابوري  
 ابراهيم بن الحسن الفقيه ابو الحسن النيسابوري ، ابراهيم بن سيمجور الامير بن الامير ابو  
 اسحق بن ابي عمران الاديب والي اماره بخارا و هراة و مرو و نيسابور فاما بلاد قهستان  
 فلم نزل برسمه ، ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم ابو اسحق النيسابوري ، ابراهيم بن علي بن بالويه  
 البلخي ابو اسحق ، ابراهيم بن عبدالله بن اسحق العدل ابو اسحق الاصبهاني ، ابراهيم بن  
 الفضل الهاشمي اللغوي ، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم ابو اسحق الحر الميعوف بابي  
 الحامك الزاهد النيسابوري ، ابراهيم بن محمد بن احمد الفقيه ابو اسحق النجاري ،  
 ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكي النيسابوري ابو اسحق شيخ نيسابور ، في عصره توفي رحمة  
 الله سنة اثني وستين وثلثمائه ، ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل الفطاني

ابو اسحق العابد النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستعلى ابو اسحق المكتومي -  
النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود الصوفي العازف ابو القاسم النصر -  
آبادي النيسابوري الواعظ لسان اهل الحقائق، ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل  
ابو اسحق المحموظي النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق -  
الهاشمي المعدل ابو اسحق بن ابي الفضل بن فضلوويه المزكي النيسابوري، ابراهيم بن محمد  
بن عبدالله بن ابي بكر الخباز المذكر الرازي، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاصولي  
ابو اسحق الاسفرايني، ابراهيم بن محب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى ابو اسحق  
النيسابوري، ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم ابو اسحق النيسابوري، ابراهيم بن نصر  
ابو اسحق المزوري، ابراهيم بن يوسف بن لقمان الفقيه البخاري، اسمعيل بن عبدالله بن محمد  
بن ميكال ابو العباس الاديب الشريف النيسابوري شيخ خراسان ووجهها وعينها في  
عصره رضي الله عنه وميكال كان ابن الواحد بن جبرئيل بن اتق بن بكر بن ديوشى  
وهو شور الملك بن سور بن شور بن سور اربعة من الملوك بن فيروز بن يزدجرد بن بهرام  
جور بن محمد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى ابو عمر والزاهد  
العابد شيخ عصره في التصوف توفى الشيخ ابو عمر والنيسابوري رضي الله عنه ليلة السبت  
الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس وستين وثلاثمائة ودفن بشاهنبر، اسمعيل بن محمد  
بن الفضل بن محمد بن المسيب ابو الحسن النيسابوري الشعراني وكان جده شيخ عصره  
بخراسان وتوفى بقرية يبرق، اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعيد الهلال الجرجاني  
سكن نيسابور وتوفى بها، اسمعيل بن عبدالله بن عمر سليمان ابو منصور بن ابي الياس  
الكوکبي النيسابوري، اسمعيل بن احمد بن محمد بن اسمعيل ابو محمد بن ابي الحامد  
الاسماعيلي الطوسي، اسمعيل بن احمد بن محمد بن يوسف ابو ابراهيم الاسترابادي،  
اسمعيل بن ابراهيم بن محمد الفقيه اسحق بن ابراهيم بن محمد بن محمد ابراهيم الحررجي

ابو يعقوب العماري النيسابوري، اسحق بن ابراهيم بن عمرو به البخاري ابو ابراهيم الفقيه، اسحق  
 بن سعيد بن الحسن بن سفيان الشيباني ابو يعقوب النسوي، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد  
 قبيصة المعدل النيسابوري، اسحق بن محمد شاذ الزاهد ابو يعقوب الكرامى شيخهم وامامهم  
 ذكر الحاكم رحمه الله سمع من الثقة انه اسلم على يد ابو يعقوب  
 الكرامى من اهل الكتاب والمجوس بنيسابور ما يزيد على خمسة آلاف  
 رجل و امرأة، اسحق بن احمد بن شيث بن الحكم ابو نصر الفقيه البخاري الصفار  
 احمد بن احمد بن خير ابو احمد البخاري، اسد بن الهيثم بن عبيد الله المصري  
 ابو الهيثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبد الله ابو سعيد الرستمى الهروي، اسامة بن على  
 الهمداني نزيل بنيسابور، بكر بن محمد بن حمدان المروزي الصيرفي المعروف بالدحميسى  
 بكر بن احمد بن زكريا ابو عمرو والشاهد المعروف بالعدي، بالوية بن محمد بن بالويه ابو العباس  
 المزنياني، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشعث الاسفرايني، بشر بن محمد بن ياسين بن  
 النصر بن سليمان النيسابوري القاضي القضاة بنيسابور، بشر بن عبد الله البصري ابو احمد  
 نزيل بنيسابور، جعفر بن محمد بن الحارث الممراني نزيل بنيسابور، جعفر بن احمد بن  
 محمد الصوفي العابد ابو القاسم بن المقرئ الرازي شيخ عصره في التصوف والتوكل، جعفر بن  
 عيم بن شاذان بن قنبر ابو محمد النيسابوري، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابي بكر بن  
 جعفر البشتي النيسابوري، جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه ابو محمد الشاشي، جميل بن محمد  
 بن جميل ابو الحسين الرازي سمعه بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابوريه  
 من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه، الحسن بن ابراهيم بن يزيد الاسلمى ابو محمد  
 الفارس القطان نزيل بنيسابور، الحسين بن احمد بن موسى ابو على الفارسي، الحسن  
 بن احمد بن الحسن بن موسى القاضي ابو على البيهقي، الحسن بن احمد بن الحسن  
 بن محمد ابو منصور بن ابي الحسن المعاذي المزكي النيسابوري، الحسن بن احمد  
 عبيد الله ابو الغازي الصوفي البغدادي، الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن  
 امير المؤمنين ابو محمد الماعوني، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسي

النيسابوري، الحسن بن محمد بن عبدالله الدينوري ابو محمد، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابو الفضل البخاري، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفي النيسابوري الزاهد صاحب الخاتمه مجمع الزاهد والصوفيه توفي رحمه الله في رجب سنة ست وثلاثين وثلاثمائة وهو في سن النبي صلى الله عليه وسلم و شهدت جنازته بالحيره ودفن بقرب المشايخ الستة، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السحري ابو محمد الاديب، الحسن بن احمد بن موسى ابو علي القامي النيسابوري، الحسن بن احمد بن الحسن القاضي ابو علي البيهقي الاديب الفقيه، الحسن بن محمد بن علي ابو علي بن ابي الحسن بن ابي عبدالله الطوسي الرودباري، الحسين بن علي بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابو علي النيسابوري واحد عصره في الفحظ والايقان والورع والرحله ذكره في الشرق كذكره في الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفي رضي الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنة تسع واربعين وثلاثمائة ودفن في مقبره باب معمر، الحسين بن داود بن علي بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب ابو عبدالله العلوي رضي الله عنهم، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابو عبدالله الطوسي، الحسين بن علي بن محمد بن يحيى بن عبد الرحمن ابو محمد الحسينك بن ابو الحسن التميمي النيسابوري، من بيت الثروة والمروءة قريب حسين بن معاذ، الحسين بن سخرويه ابو محمد البزاز، الحسين بن محمد بن احمد بن ابو علي الماسر حسني النيسابوري الحسين بن احمد بن جعفر ابو علي الكرامي النيسابوري، الحسين بن محمد بن علي بن محمد الزيري القرشي ابو علي النيسابوري الحسين بن حميد سيويه المعدل ابو عبدالله النيسابوري، الحسين بن احمد بن عبد الرحمن ابو الصفار الهروي، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابو الطيب الشيرازي، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواغظ ابو سعيد البسطامي، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجاني ابو عبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابو عبيد الله الرازي، الحسين بن عبد الحميد بن

عبدالرحمن ابو عبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى، الحسين بن احمد بن جعفر -  
 الصوفى ابو عبدالله الرازى، الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ ابو على الشافعى  
 رضى الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسين بن الحسن القاضى ابو عبدالله الحكيمى، الحسين  
 بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز ابو عبدالله النيسابورى، الحسين بن على بن محمد الحسين  
 العلوى رضى الله عنه . الحسين بن على بن بندار ابو القسم بن ابي الحسن الصوفى ،  
 حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرئى ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث  
 بخراسان فى عصره توفى رضى الله عنه ليلة الجمعة الخامس من ربيع الاول سنة تسع  
 واربعين وثلثمائة ودفن فى مقبرة نصر بن زياد القاضى المدفون فيها ثلثة من الصحابة  
 و قد قال بعض العلماء فى الصيده التى يرئى له بها و قد بقى ربه و مصرفه امام هذا  
 الدهور و الاعصار ابو الوليد الفقيه و السيد القوم و فخر الخلاق الاكبر معدن  
 كنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزيدى الحسينى العلوى  
 ابو على نجم اهل بيت النبوة فى زمانه الشريف حسبا و نسباً ، حمزة بن احمد بن  
 محمد بن حمزة الفقيه ابو على الشاعر الزوزنى ، حمزة بن عبدالعزيز بن محمد ابو على  
 المهلبى الصيدلانى النيسابورى ، حاجب بن احمد بن جم بن مقيان ابو محمد الطوسى  
 حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى ابو على الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن  
 محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى  
 ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفى بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد  
 الفقيه ابو احمد المناشكى النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه  
 ابو منصور الجرجانى مات بنيسابور حيدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشى  
 النيسابورى ، حمد بن محمد بن الحظاب الفقيه الاديب البشتى ابو سليمان الخطاى،  
 خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت ولاة خراسان الجليل



بن احمد بن الجليل القاصي شيخ اهل الرأي في عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القرويني ابو علي ، الخضر بن محمد بن يحيى البلخي و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البجلي النيسابوري ، خلف بن محمد الواسطي ابو محمد ، خطاب بن علي بن الخطاب ابو محمد القرويني ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضي النيسابوريه و كان ابوها ابورجاء قاضي القضاة و كانت تحسن العربية و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابو محمد السجزي شيخ اهل الحديث في عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفرايني ، داود بن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوي ، رشيق بن عبدالله الرومي ابو نصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودي : رافع بن عصم بن العباس الصبي الهروي ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زير بن عبدالواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادي ، زيد بن الحسين داود بن علي الحسيني العلوي ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفي الزير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثوري ابو علي البغدادي ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسي ابو علي المقرئ شيخ عصره ، سليمان بن محمد بن ناجيه ابو القسم ابي بكر بن ناجيه النيسابوري ، سليمان بن محمد بن سليمان بن خالد العبدى النيسابوري من ميدان هاني ، سليمان بن محمد بن داود الفقيه ابو علي الفقيه الداودي الهروي ، سليمان بن محمد بن علي ابو القاسم المناشكي النيسابوري ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابو عثمان السمرقندي سكن بنيسابور من صباه الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابو عثمان الاندلسي ، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشيعي ابو سعد ، سعيد بن القسم بن العلا بن الخالد البروعي ابو عمر المطوعي ، سعيد بن محسن الفقيه ابو عثمان الكشي ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابو احمد المطوعي ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

أبو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان في قرية يقل لها كركنت، كان واحد عصره  
 في الورع والزهد والصبر وجازر مكة فوق العشرة وكان لا يظهر في الموسم و توفي  
 بنيسابور رضي الله عنه سنة ثلاث وسبعين وثلاثمائة ودفن بجانب أبي حفص وأبي عثمان  
 في الحيرة رضي الله عنهم، سعيد بن المسيب أبو عثمان الشيرازي، سعيد بن مشكان أبو عثمان  
 القفاري، سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه أبو سهل بن أبي سعيد النيسابوري، سعيد بن  
 عبد الله بن سعيد بن اسماعيل بن أبو عمرو بن أبي عثمان النيسابوري، سعيد بن محمد بن أحمد  
 بن سعيد الصوفي أبو عثمان النيسابوري، سهل بن محمد بن سليمان بن محمد سليمان العجلي  
 نقيب أبو الطيب بن أبي سهل الحنفي الصعلوكي النيسابوري أي منتهيا، سهل بن أحمد  
 ابن سهل الديوتدي أبو سعيد المرزكي، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل أبو محمد بن أبي  
 سلمة البخاري، سلمة بن أحمد بن سلمة بن مسلم الذهلي أبو نصر المعادي الأديب النيسابوري،  
 سلمة بن محمد الفقيه أبو نصر الصيدلاني النيسابوري، سيمان بن عبد الله مولى الحارثية  
 ويعرف عندنا بابي علي شداد بن أحمد البوزجاني أبو عبد الرحمن قريب أبي الفضل  
 شافع بن محمد بن يعقوب الأسفرايني أبو النصر، شجاع بن الحسن أبو مقاتل الكاتب  
 شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي أبو صالح الليثي، سيبه بن محمد بن شعيب بن  
 هرون أبو محمد الشعبي النيسابوري، صالح بن محمد بن داود أبو محمد الترمذي  
 ضمرة بن يحيى الدمشقي، طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجي أبو الحسن الفقيه، طاهر  
 بن محمد بن سهلويه بن الحارث العدل أبو الحسين النيسابوري، طاهر بن محمد بن  
 عبد الله بن إبراهيم أبو عبد الله البغدادي نزيل نيسابور، طاهر بن محمد بن عبدان الناجر  
 المعروف بابي الطيب بن عبدان وكان من الأمناء الصالحين

قال الحافظ أبو عبد الله: وكنت أتبرك بدعائه طاهر بن علي العماني، طاهر بن أحمد بن عبد الله  
 تميمي أبو الطيب، طاهر بن أحمد بن محمد بن طاهر الوراق أبو القاسم المولق آبادي النيسابوري،

ابو القاسم البخاري؛ عبدالله بن علي بن جمشاد بن شختوية بن مبرويه ابو محمد بن  
ابي الحسن التميمي النيسابوري، عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النيسابوري  
عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلاني ابو محمد، عبدالله بن فارس بن محمد  
علي ابو ظهير البلخي، عبدالله بن الفضل بن الحسين البخاري، عبدالله بن القسم الكراميني.  
عبدالله بن محمود بن حمدويه بن يعيم بن الحكم الموفن ابو محمد والد الحاكم

ابو عبدالله الحافظ النيسابوري مصنف هذا التاريخ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب  
ابو محمد الكعبي النيسابوري، عبدالله بن محمد بن علي بن زياد ابو محمد العدل النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن بديل ابو بكر البديلي البخاري المعروف بالاشتر، عبدالله بن محمد  
ابن عمر الفقيه ابو محمد البخاري، عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد  
ابو القاسم بن ابي بكر الطاطاني، عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفي ابو محمد  
الحيري النيسابوري المعروف بالرازي، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابو طاهر  
الحونى النيسابوري، عبدالله بن محمد بن عصام الرحي ابو القاسم الحيري النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي ابو الطيب بن فورس النيسابوري، عبدالله  
ابن محمد بن عبد الوهاب بن عطا القرشي الصوفي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله  
الحيرازي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيباني الذهلي نيسابوري، عبدالله  
ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابو بشر الخياط النيسابوري وكان مجاب  
الدعوة رضى الله عنه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن علي بن زياد انس، دي النيسابوري،  
عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل ابو محمد الحيري النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدي ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان، عبدالله بن  
احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابو محمد البالوني النيسابوري، عبدالله بن محمد  
ابن عبدالله بن دينار ابو محمد بن ابي عبدالله النيسابوري، عبدالله بن محمد بن فضلوويه

الصوفی الزاهد ابو محمد المعروف بالمعلم النیسابوری ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد  
 بن السری بن الصباح الکرمانی ابو محمد القبانى، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد  
 ابن عبدالله المحمى النیسابوری، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابو محمد الانماطی  
 الزمجارى النیسابوری ودفن رضی الله عنه فی مقبرة ابی علی الثقفی، عبدالله بن محمد بن  
 احمد بن محبوب التاجر ابی العباس المحبوبي المروزی، عبدالله بن محمد ابوالقاسم  
 الاصهبانی، عبدالله بن محمد الساعری ابو محمد المستملی، عبدالله بن محمد بن احمد بن  
 حبیب الفقیه ابو ذر بن ابی جعفر الکرایسی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن برزہ  
 التاجر ابو محمد التاجر الرازی تزیل بنسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن الفضل بن  
 اسحق الراشعی ابو محمد بن ابی الفضل النیسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن  
 محمد حمدویه بن نعیم ابوالحسن الضبی النیسابوری، عبدالله بن موسی بن رامک  
 النیسابوری ابوالقاسم تزیل ببغداد، عبدالله بن موسی بن الحسین بن ابراهیم السلامی  
 ابوالحسن البغدادی، عبدالله بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم المقری  
 النیسابوری وکان من العباد المجتهدین، عبدالله بن مفلح ابو محمد البغدادی تزیل  
 بنسابور، عبدالله بن یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبری ابو محمد بن ابی زکریا العنبری  
 النیسابوری، عییدالله بن احمد بن محمد بن عییدالله بن النصر بن محمد الرئيس بن الرئيس  
 النیسابوری، عییدالله بن احمد القاضي الکلابادی ابوالقاسم البخاری، عییدالله بن محمد بن  
 نافع بن مکرم بن حفص الزاهد ابوالعباس العابد البشتی وکان من الابدال و جرب  
 مرة بعد اخرى انه کان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه اربع وثمانین وثلثمائه  
 ودفن فی بینه، عییدالله بن علی بن عییدالله بن داود القاضي ابوالقاسم الداودی المصری  
 سکن بنسابور، عییدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل ابوبکر النیسابوری،  
 عییدالله بن ابی ذرین بن ابی رجا النیسابوری، عییدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد

الدهان البلخي، عبيد الله بن منصور بن عبدالله الكلاحي المصري الشاعر، عبيد الله بن محمد المتكلم النيسابوري ابونصر، عبيد الله بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد البلخي، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعيد ابو محمد بن ابي بكر الجرجاني ولكن ابوه جرجانيا وهو نيسابوري، عبد الرحمن بن احمد بن حمدويه المؤذن ابوسعيد بن ابي حامد النيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادي، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهيم التميمي النيسابوري الدهان، عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضي ابو محمد الجرجاني عبدالرحمن بن علي بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمي النيسابوري و كان من وجوه نيسابور ثروة وشهامة ومروءة، عبدالرحمن بن محمد بن حسيك ابوسعيد الحاكم العري، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العتيبي النيسابوري، عبدالرحمن الحسن بن يعقوب الصوفي ابوالقاسم بن الحسن الحداد النيسابوري، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقيه ابو الوليد النيسابوري، عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابو الحسن بن اسحق المزكي النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه ابوسعيد النيسابوري، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشيباني النيسابوري عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفي النيسابوري ابوالقاسم الحجاج حج بنقاو ثلثين حجة مدفون في مقبرة الحسين بن معاذ وهو مات بنساحمل تابوته الى نيسابور، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي ابو محمد النيسابوري، عبدالرحمن بن علي بن محمد الترمذي ابوالقاسم صاحب الترمذ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ ابو بكر الشرخسي عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابو محمد النصر آبادي النيسابوري، عبدالرحمن بن حمدان الصيدلاني الزمجاري النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وجده امام اهل ابوبكر محمد بن اسحق وهو نيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن

احمد بن بالويه ابو محمد المزكى النيسابورى ، عبد الرحمن بن احمد بن محمد بن  
 ابراهيم من اولاد سعد بن عباد الخزرجى الانصارى رضى الله عنه ابو محمد بن ابي عمرو  
 العمارى النيسابورى ، عبد الرحمن بن الحسن بن على ابو سعيد بن احمد بن على الصفار  
 النيسابورى ، عبد الواحد بن احمد بن عمر بن عبد الرحمن القرشى ابو عمر والكندرى ،  
 عبد الواحد بن محمد بن الشاه ابوالحسين الصوفى الشيرازى ، عبد الواحد بن احمد بن  
 القسم من ولد عبد الرحمن بن عوف وهو ابن ابي الفضل المتكلم الاشعرى ، عبد الواحد بن  
 محمد بن عبد الرحمن ابوالحسن النيسابورى ، عبد الواحد بن على بن عبد الله ابواليسار  
 المروزى عبد الواحد بن عبد العزيز بن الحارث التميمى ابوالحسن الواعظ الحنبلى ،  
 عبد الصمد بن احمد بن الحسين بن على الزيرى ابو ذر القارى النيسابورى ، عبد الصمد بن  
 محمد البخارى ابو محمد الحافظ النيسابورى ، عبد الحميد بن عبد الرحمن بن  
 الحسين القاضى بن القاضى ابوالحسن بن ابي سعيد النيسابورى وكان من افراد زمانه و  
 من الدين به افتخار الاهل زمانه لاهل نيسابور خاصة توفى ببخارا رضى الله عنه حمل  
 تابوته الى نيسابور ، عبد العزيز بن احمد بن محمد اسحق ابو احمد الوراق النيسابورى ،  
 عبد العزيز بن عبد الملك بن نصر الاموى ابو الاصبع الاندلسى ، عبد الصمد بن محمد بن  
 محمد بن اسحق الزاهد الصوفى ابو نصر بن احمد الصفار النيسابورى ، عبد العزيز بن الحسن  
 بن احمد بن الدار كى الاصبهانى ابوالقاسم الفقيه ، عبد العزيز بن محمد بن الحسن الفقيه  
 ابو الفضل البصرى ، عبد العزيز بن محمد بن الجترى الدامغانى ابو محمد التاجر ، عبد العزيز بن  
 محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النيسابورى ، عبد المؤمن بن  
 عبد الملك ابو نصر الدهستانى ، عبد الرحيم بن محمد بن يحيى القاضى النيسابورى ،  
 عبد الوهاب بن حمزه بن نصر ابو ابراهيم الجرجانى عبد الجليل بن مذكور بن ثابت ابو  
 محمد السعدى ، عبد الملك بن محمد بن ابراهيم ابو سعيد بن ابي عثمان السواعظ

ابوذر النيسابوري وكان شيخ نيسابور في عصره ، قيس بن طلحة بن احمد الفارسي  
ابومازن ، قاسم بن عبدالله بن محمد العدوي ابو نصر الجوهري النيسابوري ، قتاده بن  
محمد بن احمد بن عمر النيسابوري ، كثير بن احمد الوزير ابو منصور العميد القائني  
يتولى نيسابور نيفا وثلاثين سنة ومات بهامخمل الى قاين ، كامل بن احمد بن محمد  
ابن جعفر المفيد النيسابوري ، ليث بن طاهر بن الليث ابو نصر النيسابوري ، ليث بن  
نصر بن جبرئيل البخاري ابو نصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل  
ابو علي بن حيكان النيسابوري ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابو محمد  
المحدث النيسابوري ، محمد بن احمد بن طه الاصميهاني ابو عبدالله ، محمد بن  
احمد بن سعيد ابو جعفر الرازي ، محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضي ابو احمد  
الحنفي المروزي ، محمد بن احمد بن عبدالله ابو الحسن الصفار النيسابوري ، محمد بن  
احمد بن زكريا ابو الحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هو نيسابوري و  
مدفون بمقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن الحسن الحيري النيسابوري ابو الطيب  
المنادلي ، محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخاري ثم الاودمي ، محمد بن  
احمد بن محمد بن ابو الحسين المعادي الحسن الاريب النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
محمد بن ابي الحيري ابوبكر بن ابي الحسين الغازي النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
شعيب بن هارون ابو احمد الشيبلي العدل النيسابوري ، محمد بن احمد بن اسحق بن  
ابراهيم الصيدلاني ابو عمرو بن ابي بكر العدل له تطيب النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابوري ، محمد بن  
احمد بن اسحق ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً في العلوم و العدالة و هو نيسابوري ،  
محمد بن احمد بن بشر الصوفي ابو منصور الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
حمدان ابو عمرو بن ابي جعفر الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن موسى

النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابو عمرو بن ابي الحسين السحري  
 النيسابوري، محمد بن احمد بن حاض الطوسي ابو بشر الحاضري، محمد بن احمد الخالدي  
 النيسابوري، محمد بن احمد بن الحسن ابو الفضل الصابع النيسابوري، محمد بن  
 احمد بن ثابت البزاز ابو الحسين البغدادي، محمد بن احمد بن جعفر ابو نصر الطوسي،  
 محمد بن احمد بن عبيد بن عبد الله بن الحسن الحاتمي النيسابوري، محمد بن احمد بن  
 عبد الاعلى ابو عبدالله المغربي، محمد بن احمد الفقيه ابو بشر الاديب الشرطي،  
 محمد بن احمد بن ابي الفوارس ابو الفتح البغدادي، محمد بن احمد بن عبد الوهاب  
 الواظ ابو بكر الاسفرايني، محمد بن احمد بن يزيد ابو بكر الاصبهاني ولكن ابو بكر  
 النيسابوري و ابو كان اصفهانيا، محمد بن احمد بن الحسين السمسار النيسابوري  
 ابو طاهر الطاهري، محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن خاقان ابو عبدالله البخاري  
 محمد بن احمد بن يحيى الفقيه ابو الفضل الترمذي، محمد بن احمد بن محمد التميمي  
 ابو العباس بن ابي الحسن السليطي النيسابوري، محمد بن احمد بن عبدالله السكري  
 ابو احمد المسكي النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد بن حفص الحرشي ابو نصر النيسابوري  
 محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومي النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد  
 الطوسي ابي بكر بن ابي تراب المسافري النوقاني، محمد بن احمد بن علي ابو بكر  
 القاضي الفارسي، محمد بن احمد بن حسويه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوي  
 النيسابوري من كبار مشايخ التصوف مدفون في مقبره شاهنبر، محمد بن احمد بن محمد  
 محمود ابو الحسن المراجمي النيسابوري نفقه عند الاستاد ابو الوليد، محمد بن احمد بن  
 عمر الخفاف ابو نصر النيسابوري، محمد بن احمد بن الحامد ابو الحسن العطار النيساري  
 محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الوراق الزوزني، محمد بن احمد بن عمرو النيسابوري  
 محمد بن احمد بن علي ابو الحسن الصنعى الخنجرودي النيسابوري، محمد بن احمد بن



محمد الفقيه ابو بكر بن ابي سعيد النسوي ، محمد بن احمد بن علي بن عبد الرحيم  
 ابو الحسن بن ابي احمد الصفار النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد ابو نصر بن  
 ابي سعيد الوالي النيسابوري ، محمد بن احمد بن علي بن شعيب ابو بكر انكر ايسى النيسابوري  
 من خان الدستي ، محمد بن احمد بن عبد الله الاردبيلي ابو العباس الوراق ، محمد بن  
 الحسن بن سعيد الجرجاني ابو بكر الوراق ، محمد بن احمد بن محمد بن عقيل ابو بكر  
 القطان النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد الانماطي البخاري ابو محمد ، محمد بن  
 احمد بن موسى القاضي ابو عبد الله الحازني الداري ، محمد بن احمد بن يحيى الفقيه  
 ابو نصر السرخي ، محمد بن احمد بن بالويه ابو منصور الكسايني النيسابوري ، محمد بن  
 احمد بن يعقوب المذكي ابو عبد الله الاديب ، محمد بن احمد بن علي بن نصير المعدل  
 ابو عبد الله النصيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدوس ابو بكر بن ابو علي بن عبدوس  
 النيسابوري المزكي ، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمي ابو الفضل المزكي  
 النيسابوري و اكثر شيوخ نيشابور في العدالة ، محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى  
 الجوري ابو بكر النحوي من جور فارس ، محمد بن ابراهيم بن علي حسويه الزاهد  
 ابو بكر الوراق النيسابوري وكان من البكاين من خشية الله تعالى حتى لقب بالبكاء  
 محمد بن ابراهيم بن الحسن موسى المناشكي النيسابوري ابو العباس المحاملي ،  
 محمد بن ابراهيم الفامي ابو بكر النيسابوري ، محمد بن ابراهيم بن نصر ابو عبد الله الاردبندی  
 محمد بن ابراهيم بن اسحق ابو بكر الصانع ، محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الامير بن  
 الامير ناصر الدولة ابي الحسن النيسابوري ، محمد بن ابراهيم بن حمش ابو عبد الله  
 النيسابوري نزيل نسا ، محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديب ابو عمرو البشتي وانشد  
 في ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا .

ودع فكر جرجان فان شيوختنا ببلدة نيسابورا على فما الحزن

فيحيى بن يحيى لا يقاس بغيره  
 و تابعهم اسحق لله درة نعم  
 ابوالاظهر المفضل ثم ابن هاشم  
 فمن مثلهم في حفظهم ومحلهم  
 ومنا ابن اسحق الخزيمي شيخنا  
 ولقد كان للاسلام ركنا ومركزاً  
 و منا ابو عمر بن نصر رئيسنا  
 و نفخر بالسراج فخرأ مواظباً  
 حسين و جاور دنيا و مسدد  
 ولم اطمأن الا بذكر مفضل  
 و بعدهم الشوقي ثم مؤمل  
 ومنا ابو عثمان ثم محمد  
 ومنا الاديب الاريحي الذي مضى  
 ومنا الفقيه البيهقي محمد  
 و منا الرئيس الفاضل ايسد  
 اقول له والعقول منى تحيت  
 و منا من الاحياء طال بقاءهم  
 كمثل ابي بكر بن اسحق صدرنا  
 ومنا من الاصحاب قامومنه  
 لقد بلغوا في الدين اشرف خطبه  
 و حسان سيف الله و الصارم الذي

كلاك به عزا اذ اكنت ممتحن  
 و الر باطى فضلهم غير مكتمن  
 ومسلم ارباب الحديث فلا تبجن  
 فانارهم يسعى و تدفع في المحن  
 ومفخرنا شيخ قوم المشايخ والزمن  
 فبقى الله قبراً فيه ذا شيخ مندفن  
 به عرف العزالذي اهله سكن  
 و با لحيى من او ضحو السنن  
 وعن جعفر بن العام بالحفظ مقرر  
 ابي طالب كن بذكره مطمئن  
 اثلت با لمكى يا حبذا القران  
 غثيب ابا بكر اقرذاية اذن  
 ابوالقاسم الشيخ المذكور وامن  
 فكيف الطبارى وموفى اللحد والكفن  
 الذى بنصرته لم ترتفع راس  
 سلام على الرئيس ابي الحسن  
 دوام لهم فضل و عبر بلا شحن  
 امام الا سباب الفرائض والسنن  
 هو البقى الطالب الحمد بالثمن  
 ويحيى بن منصور وهم سادة الزمن  
 بدين به ولم يقر والس يدن

عليهم صلوة الله ما در سارق      رياساح قمرى على شعبالن  
وكل فقيه حاكم و مذكر      فمن ابراهيم المداين والظن

محمد بن ابراهيم بن على النيسابورى ابو العباس من رستق باخرز ، محمد بن  
ابراهيم بن سعيد ابو جعفر البوشنجى ، محمد بن ابراهيم بن ابو عثمان الزاهد النيسابورى  
وكان من الصوفيد العباد رحمة الله عليه ، محمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد الصنعى  
ابو العباس اخو شيخ ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن يحيى ابوبكر الكسامى  
النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن نصر الوكيل ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم  
ابو سعيد الادب النيسابورى ، محمد بن اسحق بن محمد بن يحيى الاصفهاني ،  
محمد بن اسحق بن محمد المعدل ابو الحسن المولقا بادي النيسابورى ، محمد بن  
اسحق بن بشرويه الزاهد من قرية ازاء ابو جعفر الزائى ، محمد بن اسحق بن محمد  
السجستانى ابو الحسن النيسابورى ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعيد الكرايسى  
النيسابورى المعروف بالبصرى ، محمد بن بكر بن بشر البونى ابو عبد الله الفقيه ،  
محمد بن بسطام الحسن ابو جعفر الاستوائى ،

محمد بن جعفر بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله  
عنهم السيد ابو جعفر الموسوى وكان اواحد الاشراف فى عصره ، محمد بن جعفر احمد بن  
موسى الفقيه الاديب ، ابوبكر بن ابي جعفر المزكى البشتى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم بن  
يوسف ابوبكر القامى النيسابورى ، محمد بن جعفر بن محمد بن مضر العدل ابو عمر و  
الزاهد النيسابورى محمد بن جعفر بن محمود ابو سعيد الهروى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم  
النسوى ابو جعفر ، محمد بن جعفر بن الحسين بن محمد بن المفيد ابوبكر البغدady ،  
محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحمد آبادى النيسابورى ، محمد بن الحسن بن  
على بن بكر العدل ابو الحسن النيسابورى ، محمد بن الحسن بن الحسين التاجر العدل

ابو الحسن من اجل مشايخ العلم النيسابورى ؛ محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعيل  
 ابو الحسن المقرئ السراج النيسابورى ، محمد بن الحسن المولقبادى ، محمد بن  
 محمد الصوفى ابو العباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابو عبد الله  
 الجرجانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الاصبهاني ، محمد بن  
 الحسن بن ثابت ابوبكر النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى  
 ابو الحسن الكرايسى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن الجرجانى  
 محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن  
 يحيى ابوجعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى  
 النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمد بن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى  
 محمد بن الحسين ابو عبد الله الانبارى الموضحى ، محمد بن الحسين بن داود الحسينى  
 العلوى ابو الحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن داود بن على ابو  
 على الحسينى النيسابورى العلوى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن موسى السمسار  
 النيسابورى ابو سعيد ، محمد بن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسابورى  
 محمد بن الحسين بن موسى السلمى ابو عبد الرحمن النيسابورى ، محمد بن الحسين بن  
 محمد ابو الفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه  
 ابو عمرو البسطامى ، محمد بن حاتم الكشى ، محمد بن حيان التميمى ابو حاتم البشتى  
 القاضى ، محمد بن حبان ابو الحسن السحورى النيسابورى ، محمد بن حفص بن عمر  
 ابو العباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابوبكر صاحب  
 الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمد بن حامد بن محمود  
 القطان ابو العباس السامانى النيسابورى ، محمد بن حامد بن امة النيسابورى ، محمد بن  
 حامد بن على ابوبكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابو عبد الله الحمال

ظفر بن محمد العلوي الحسيني المصنف العالم النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن  
 عبدالله بن احمد ابو عبدالله الصفار الاصبهاني محدث عصره بخراسان و كان مجاب  
 الدعوة لم يرفع الاكما بلغنا اربعين سنة توفي رضي الله عنه في سنة تسع وثلثين  
 ثلثمائة و دفن في داره في سلمة العنبي ، محمد بن عبدالله التاجر ابو عبد الرحمن  
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن دينار العدل ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن عبدالله  
 بالويه ابو جعفر الساماني النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر النيسابوري  
 محمد بن عبدالله بن محمد ابو عبدالله المزني اخو الشيخ المزني توفي بنيسابور ،  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن ضييح العمري النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن عبدالله  
 بن محمد الرازي ابو الحسين ، محمد بن عبدالله بن جمشاد الغازي ابو بكر النيسابوري ،  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر المزني ابو الحسين الهروي ، محمد بن عبدالله بن  
 عبدالعزيز ابو بكر الرازي ، محمد بن عبدالله بن قريش الوراق الريديجي النيسابوري ، محمد  
 بن عبدالله بن ابراهيم ابو الحسن السليطي النيسابوري ، محمد بن عبدالله محمد  
 الاسقرايني ، محمد بن عبدالله بن ابراهيم ابو سعيد الزاهد المروزي ، محمد بن عبدالله  
 ابن ابو جمشاد ابو منصور النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن الحسن السميمري النيسابوري  
 محمد بن عبدالله الشيباني ابو بكر بن الحسن المعدل النيسابوري ، محمد بن عبدالله  
 اليزازي البخاري ، محمد بن عبدالله بن يعقوب ابو بكر النيسابوري ويعرف بالنسال ،  
 محمد بن عبدالله بن شتويه الهمداني ، محمد بن عبدالله بن الحسين الفقيه ابو بكر الصنعبي  
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد البوشنجي ابو بكر الواعظ الصوفي ، محمد بن  
 عبدالله الفضل الفارسي ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعيل ابو جعفر  
 الاديب الرئيس النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر الفارسي محمد وعلي  
 ابناء عبدالله بن محمد الدورقي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن ادريس ابو عبدالله ، محمد بن

عبدالله بن جمشاد ابو سعيد الحاسب النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن حمدون  
ابو سعيد النيسابوري ، محمد بن علي بن الحسن الحسيني مولده بهمدان و منشأؤه  
بغراق رضي الله عنه ، محمد بن علي بن الحسين ابو علي الاسفرايني ، محمد بن علي بن  
الخليل الزمجارى ابوبكر التاجر النيسابوري ، محمد بن علي بن علي ابو علي البرنودي  
النيسابوري ، محمد بن علي بن احمد الجلاب ابو منصور الفارسي ، محمد بن علي بن  
محمد بن الحسن الطوسي ، محمد بن علي بن الحسن ابو الخشب الخياط النيسابوري  
وكان مجاب الدعوة ، محمد بن علي الدمشقي ابوبكر ، محمد بن عبدالله الكلاتي ابو  
احمد النيسابوري ، محمد بن علي الاديب ابو العباس الكرخي ، محمد بن علي بن اسمعيل  
ابوبكر القفال الشاشي امام عصره بما وراء النهر ، محمد بن علي بن الحسين ابوبكر  
الموئل النيسابوري ، محمد بن علي عبدالله الزوزني ، محمد بن علي بن محمد بن يحيى  
النيسابوري ، محمد بن علي بن مومل النيسابوري ، محمد بن علي العلوي ابو جعفر  
اليمني ، محمد بن علي بن عمرو الاصبهاني ابو سعيد ، محمد بن علي بن الحسن ابوبكر  
المروزي ، محمد بن علي سهل ابو الحسن الماسرخسي ، محمد بن علي بن بكر  
النيسابوري ، محمد بن علي بن محمد ابو علي المؤذن النيسابوري ، محمد بن علي بن  
الزناد ابو عبدالله البصري ، محمد بن علي بن محمد الرازي ابو الحسن الفامي النيسابوري  
محمد بن عبيدالله بن محمد ابوبكر بن عبيد النيسابوري ، محمد بن عبيدالله ابراهيم  
بالويه ابو القاسم النيسابوري ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد ابو الحسين بن ابي  
القاسم النيسابوري ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد ابو العباس مامله ابي العباس  
الذئولي السرخسي ، محمد بن العباس بن احمد الصني ابو عبدالله الهروي الوجيه  
الرئيس العالم رضي الله عنه ، محمد بن العباس بن حمويه ابوبكر الصيدلاني النيسابوري  
محمد بن العباس احب محمد بن جرير ابوبكر الاديب الخوارزمي ، محمد بن العباس بن

محمد بن قوهنادا بوبكر الكساسى النيسابورى، محمد بن عيسى بن محمد ابوصالح بن  
 عيسى احمد مشايخ خراسان، محمد بن على بن عبدل ابواحمد الجرجاني، محمد بن  
 عيسى بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمد الحلوى النيسابورى من كبار عباد الصوفيه،  
 محمد بن عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم ابو على الزعوزى النيسابورى، محمد بن  
 عبدالعزيز بن على الحشتاب ابوالحسين، محمد بن عبدالعزيز بن على ابوبكر الجرجاني  
 محمد بن عبدوس المقرئ ابوبكر المفسر، محمد بن عمر بن قنادة بن نظر ابوالحسن  
 الزمجارى النيسابورى، محمد بن عبدان ابو عبدالله خدام الجامع بنيسابور النيسابورى  
 محمد بن عمر بن محمد الاسفرائينى ابوبكر الفقيه، محمد بن عبدوس بن الحسين  
 ابو عبدالله السمسار النيسابورى، محمد بن عون بن اسحق المروزي ابوسعيد الزاهد،  
 محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد  
 الكرايسى ابو احمد الوراق النيسابورى وكان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق  
 والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذكر ابوسعيد المقرئ النيسابورى، محمد بن  
 الفضل بن العباس الشافعى ابو الفضل النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق  
 خزيمه ابوطاهر النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الاديب البلخى الربيع، محمد بن  
 الفضل بن محمد الفقيه ابوبكر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لؤلؤ الحلوانى ابوالحسين،  
 محمد الفتح الانماطى ابوالعباس المعتل، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور  
 الصنعى النيسابورى، محمد بن القسم بن محمد بن الحسين الكرايسى النيسابورى،  
 محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسى ابوبكر، محمد بن كافور بن كافور مولى  
 احمد بن خديقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغداذى ابو جعفر التاجر  
 محدث خراسان فى عصره، محمد بن محمد بن يوسف ابونصر الامام الطوسى، محمد بن  
 محمد بن الحسن الشيبانى ابواحمد النيسابورى، محمد بن محمد بن يوسف المقرئ

ابوبكر البخاري اللحياني ، محمد بن محمد بن مجمش ابو طاهر الزناطي النيسابوري ،  
 محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمي الحنفي ابو الفضل الوزير عالم مرو رحمة الله  
 محمد بن محمد بن علي العطار ابو سعيد النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد ابوبكر  
 البلخي ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق ابو الحسن الحرابي النيسابوري ، محمد بن  
 محمد بن جعفر ابوبكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن جعفر بن مطر ابو احمد بن ابي  
 عمر والمعدل النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضي ابو احمد الحافظ  
 امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخاري وعلى كتاب ابي عيسى الترمذي وصنف  
 كتاب الاسامي والكنى والملل والمخرج على كتاب المزي وكتاب الشروط وصنف  
 النسوح والابواب توفي رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من ربيع الاول سنة  
 ثمان وسبعين وثلاث مائة وهو ابن ثلث وتسعين سنة وصلى عليه الرئيس في ديوان الجين  
 ودفن في داره ، محمد بن محمد بن حامد الترمذي ، محمد بن محمد بن عبدان ابوسهل بن  
 ابي عبدالله النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسن الكاذبي وهي قرية على فرسخ  
 من البلد ، محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل ابو احمد الصفار النيسابوري ،  
 محمد بن محمد بن عبدوس المقرئ ابو عمر والزاهد الانماطي النيسابوري ، محمد بن  
 محمد بن الحسين الترمذي ابوسهل ، محمد بن محمد بن يعقوب الحافظ المقرئ ابو الحسين  
 الحجاجي النيسابوري ، محمد بن محمد بن اسمعيل بن منصور النماطي ابوبكر النيسابوري  
 محمد بن محمد بن عبدالله بن عمرو الجرجاني ، محمد بن محمد بن علي النسوي ابو احمد  
 المعروف بالبغدادي ، محمد بن محمد بن يحيى بن عامر الفقيه ابو الحسين الاسفرائيني ،  
 محمد بن محمد بن داود السجزي العدل ابوبكر ، محمد بن محمد بن عبدالله ابو الحسين  
 بن ابي عبدالله المزي النهروني ، محمد بن محمد بن اسحق الثقفي ابو عمرو ابي العباس  
 السراج النيشابوري ، محمد بن محمد بن ابو زرعة الكشي ، محمد بن محمد بن الحسن بن



علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سیبویه بن شاپور الذی بنا بنسابور الفقیه  
 الحاکم ابوالحسین العفار النیسابوری، محمد بن محمد بن شاده الزاهد ابوالخیر  
 الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد ابوعمر والغامی النیسابوری، محمد بن  
 محمد بن علی بن الحسن بن قتیبه، محمد بن محمد بن احمد الفقمه ابوسعید المطوعی النیسابوری  
 محمد بن محمد بن سمان الحیری ابومنصور المذکر النیسابوری، محمد بن محمد بن  
 احمد بن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمد بن محمد بن سعید المعدل ابوطاهر  
 بن الکسکری النیسابوری، محمد بن محمد بن سعد الانماطی النیسابوری و يعرف بابی  
 الحسن المدنی، محمد بن محمد بن اسحق السعدی ابواحمد الهروی، محمد بن محمد بن  
 رجا الامین ابونصر الزمام علی الغنی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد المعدل  
 السراج ابوبکر النیسابوری، محمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن صبیح العمری  
 النیسابوری، محمد بن محمد بن الحسن الکرایمی ابوعبد الله الخالدي، محمد بن  
 محمد بن عبد الله المطوعی ابومنصور النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن انس  
 ابونصر بن ابی الفضل الصرام النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن عبد الله السلمی  
 النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق الکرایمی النیسابوری، محمد بن  
 محمد بن اسمعیل الزاهد ابونصر الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن سهل بن  
 ابرهیم النیسابوری ابونصر امام اهل الراى بخراسان، محمد بن محمد بن احمد المروزی  
 ابوالفضل الروحی، محمد بن محمد بن الفضل الخفاف ابوعمر والقهندری النیسابوری  
 محمد بن محمد بن ابراهیم بن سیمجور، محمد بن محمد بن عزیز بن محمد ابوالحسن  
 دوست محمد بن محمد بن عبد الله بن ادیس ابوعبد الله الاسترابادی، محمد بن محمد بن  
 ابو عمرو الرازی، محمد بن عبد الرحمن النیسابوری ابوبکر، محمد بن الموهل بن  
 الحسین الماسرخصی النیسابوری وکان احمد وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالنا الا نلث شباب ثم شيب ثم موت ومن انساه في وقت دخوله على بعض الوزراء  
 الم تى انى ازور الوزير وامدحه ثم استغفر واتنى عليه ونثنى على وكل لصاحبه فسخر،  
 محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى  
 الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر المودن  
 الطوسى ، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدبلى النيسابورى ، محمد بن نصر بن  
 البغدادى ابو عبدالله البراز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد  
 ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المروزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف  
 الاموى مولاهم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه وارضاه مدفون فى مقبره  
 شاهنبر ، محمد بن يعقوب بن يوسف الشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ وكان يعرف بن  
 الكرمان ولكن هو نيسابورى وله تصانيف كثيرة وهو صدر اهل الحديث فى زمانه  
 رضى الله عنه وارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصهبانى ، محمد بن يعقوب بن اسحق  
 ابو مصعب الاسفرائينى ، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى ، محمد بن  
 يوسف ربحان النجارى الامير ابو الفضل ، محمد بن يوسف بن ابراهيم المودن ابو عبدالله  
 الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى  
 ابن محمد بن عبدالله الغنبرى ابو العباس بن ابي زكريا النيسابورى ، محمد بن يزيد بن  
 محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى  
 ابو صادق نيسابورى ، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور  
 بن عبدالله خالذلى ابو على ، منصور بن عبد الرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى  
 بن احمد بن سعدويه البردعى ابو بكر ، مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمر و ابي عبدالله الارغيانى  
 موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالينى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى  
 الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهروى ، محمود بن الحسين بن

محمود ابوجامد القطبان النيسابوري ، محمود بن محمد بن محمود ابومحمد  
 المطوعي من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابومنصور الدهقان القندشني النيسابوري  
 منصور بن عبدالله بن حمزه ابو نصر بن ابو نصر النيسابوري ، معاذ بن محمد الحسين المعدل  
 ابو الحسن الانماطي المعروف بالمعادي النيسابوري ، منه الامان بن محمد بن سلمويه  
 ابورشيد العدل النيسابوري ، مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،  
 مسلم بن عبدالعزيز اليماني ابو عبدالله الخصيب نوح بن قلع بن احمد بن ابو حاتم  
 النيسابوري ، نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب ابو الفضل الطوسي ، نصر بن حاتم بن  
 بكر بن ابو الليث الشاشي ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابو القاسم المحمي  
 النيسابوري ، نصر بن محمد بن عبد الملك الصوفي الاندلسي ، النعمان بن محمد بن  
 محمود بن احمد بن الحسن الطوسي ابو الحسن الروغندي ، النعمان الجرجاني ابو نصر ،  
 ناصر بن محمد بن ابي المعالي المروزي ، نعيم بن الحسين الجرجاني ابو الحسن التاجر  
 ناصر بن عبد الرحمن بن ناصر ابو نعيم الجرجاني ، وليد بن احمد بن محمد الوليد  
 ابو العباس الزوزني ، وليد بن بكر بن مخلد بن ابي زياد العمري ابو العباس الفقيه المالكي  
 الاندلسي ، هارون بن احمد بن هارون ابوسهل الاسترابادي ، هارون بن محمد هارون  
 الصوفي ابوسهل الحيمامي النيسابوري ، هارون بن محمد الازواري الجويني ابو موسى  
 هبة الله بن الحسن الاديب النحوي العلامة ابوبكر الفارسي ، هشام بن محمد بن بكر  
 ابو نصر السرخسي ، لاحق بن الحسن بن عمران ابو عمر والوراق البغدادي ، يحيى بن  
 منصور بن يحيى عبد الملك ابو محمد الحاكم العالم الدين النيسابوري الجرودي ،  
 يحيى بن محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطا مولا ابي خرقا السلمي ابو زكريا العنبري  
 النيسابوري ، يحيى بن محمد بن احمد بن محمد الحسيني العلوي ابو محمد ابي الحسين  
 بن ابي زياره النيسابوري رضي الله عنه ، يحيى بن محمد بن سهل الاسفرايني ابو زكريا

یحیی بن محمد بن احمد المقری ابوبشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحق،  
 یحیی بن عمرو بن صالح بن محمد بن یحیی ابوزکریا البشتی، یحیی بن احمد بن ابی  
 عمرو نامخلدی النیسابوری، یحیی بن اسمعیل بن یحیی المزکی ابوزکریا الحریری  
 النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبدالله ابوزکریا المحسودی البخاری، یحیی بن  
 محمد بن احمد بن المذکر الطوسی ابوزکریا، یحیی بن محمد یحیی المعدل ابوالقاسم  
 الصبدانی النیسابوری، یحیی بن زکریا بن الشاه السرخسی ابومنصور، یحیی بن  
 احمد بن ابوزکریا بن ابی طاهر السکری. النیسابوری، یحیی بن عبدالرحیم بن یحیی  
 ابوزکریا الحیری النیسابوری، یحیی بن عثمان الواعظ السمرقانی ابوزکریا، یوسف بن  
 یعقوب بن اسحق، یوسف بن احمد بن سلیمان الدیر عالی، یوسف بن یعقوب بن ابرهیم  
 البغوی ابویعقوب، یوسف بن اسحق الفقیه ابوالحسین الجرجانی، یوسف بن اسمعیل بن  
 یوسف ابویعقوب الساوی، یوسف بن محمد بن محمد بن یوسف ابوالجراح الطوسی  
 یعقوب بن احمد بن محمد بن یعقوب الخسر جردی ابویوسف الیبتی، یعقوب بن محمد  
 بن اسحق بن یزید ابویوسف المذکر النیسابوری، یاسین بن محمد بن محمد بن  
 یاسین ابویوسف النیسابوری

قال الجاکم الامام ابو عبدالله الجافظ النسابوری وقع الفراغ  
 بعون الله وحسن تقديره شهر رمضان سنة ثمان وثلثمائة

فذكرت بعد الاربعين سنة منها شیوخی واخوانی الذین استعدت عنهم جدیداً  
 او حکایة او تشاداً وخر دامن العلوم الی هذا الشهر فعلقت وفاة من توفي من هذا الوقت،  
 عیددالله بن محمد بن عبدالله ابوالفضل القامی النیسابوری ابوعلی بن ابی الصامت بن ابی  
 محمد النیسابوری، محمد بن احمد بن محمد السخیانی النیسابوری، العباس بن

ابي القاسم الرمكي الوزير النيسابوري ، عبد الواحد بن محمد ابو الوفا البزاز النيسابوري .  
 محمد بن محمد بن علي بن سهل بن مصلح الفقيه ابو بكر الماسر خسي النيسابوري ، ابو بكر  
 بن محمد بن محمد بن علي بن بكر النيسابوري ، عبد العزيز بن عبد الله محمد بن عبد العزيز .  
 ابو عمرو النيسابوري المعروف بابي عبد الله الهروي ، يحيى بن يحيى بن احمد بن ابو زكريا عمرو  
 الخلدی النيسابوري ، محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ ، مهدي بن محمد بن  
 محمد ابوسلمة الصيدلاني النيسابوري محمد بن عبد الله ابو العباس الزاهد السخيتاني  
 النيسابوري عبد الرحمن بن محمد بن احمد ابو القاسم بن ابي بكر السسكي التاجر النيسابوري  
 عبد الله بن احمد بن محمد الماسر خسي النيسابوري ابو محمد ، محمد بن احمد بن عبد الله بن  
 سليمان السليطي ابو عمرو والنيسابوري ، ختن ابي بكر بن اسحق محمد بن عبد الاعلى بن  
 محمد بن ابو بكر الشاهد النيسابوري ، محمد بن احمد بن حبيب ابو سهل المقرئ النيسابوري  
 ابراهيم بن محمد الاصبهاني ابو اسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابو حاتم القمندري ،  
 قاطمة ام علي بنت ابي جعفر النيسابوري ، محمد بن محمد بن عبد الله بن محمد ابو سهل بن  
 اخو الحاكم المصنف النيسابوري ، محمد بن عبد الرحمن بن ابراهيم ابو الحسين النيسابوري  
 ابو علي ، الحسين بن شيخ الرئيس ابي الحسين النيسابوري ، علي بن عبد الله محمد بن  
 جعفر ابو الحسن اليبسكي احمد بن عبد الحميد بن عبد الرحمن النيسابوري ، محمد بن  
 احمد ابو بكر الفرائضي الباطني النيسابوري ، عبد الله بن محمد عبد الله بن الزومي ابو  
 محمد الحيري النيسابوري ابو عبد الله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابو عثمان السكري  
 النيسابوري ابو القاسم علي بن محمد بن علي الجزجاني ، عبد الرحمن بن محمد بن محمد  
 بن حمد ابو سعيد النيسابوري ، الحسن بن داود رضوان ابو علي الفقيه السمرقندي ، عبد الله  
 بن احمد المذكر ابو الحسين الحنبلي وهو ابن بنت علي الجنابدي ، محمد بن علي بن الفضل  
 بن محمد الخزاعي ابو نصر النيسابوري ، محمد بن علي بن الحسين الخلقاني المعروف بابي

نصير القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد  
 ابوبكر المقرئ النيسابوري ، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزكي  
 النيسابوري الحسين بن محمد بن ابراهيم ابو علي النسوي ، ابوسهل بن ابي بشر بن محمد  
 هارون النيسابوري ابوسهل بن ابي القاسم النيسابوري ابوبكر ، محمد بن محمد بن  
 جمش النيسابوري ، محمد بن ابي اسحق الكيال المطوعي الجرجاني ، محمد بن محمد بن  
 احمد المعدل ابو عبدالله شيخ اهل الرأي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن عبد الرحمن ابو احمد  
 النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن احمد الصوفي الزاهد ابو العباس السخيتاني النيسابوري ،  
 يحيى بن عبد الرحمن ابوزكريا العاصمي النيسابوري طغرل الترك مولى الشيخ المعتمد  
 محمد ابو عمر والسليطي النيسابوري ، السيد ابو الفضل احمد بن محمد الحسيني الفلوي  
 النيسابوري ، محمد بن عبد الاعلى بن محمد ابوبكر الفقيه النيسابوري ابو اسحق  
 محمود التاجر الاصهباني ابو سهل بن حبيب المقرئ ابو عمرو بن علي الانطاقي ،  
 عبد الرحمن بن عبدالله بن حمدون ابوسعيد ابونصر العطلي العارضي ، محمد بن احمد  
 بن سهل ابوسهل الدستي علي بن محمد المذكر ابو الحسين المبراني ، عبدالله بن محمد  
 بن علي ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن عبدالله ابو القاسم المطوعي النيسابوري  
 المعروف بالحرضي ، محمد بن عبدالله بن محمد ابونصر الصوفي الانطاقي النيسابوري ،  
 علي بن محمد بن احمد ابو الحسن السليطي النيسابوري ، علي بن محمد بن احمد بن  
 الحسن ابو الحسن المعادي النيسابوري ، ابراهيم بن احمد بن حمزه ابو اسحق الوزير  
 الحسين بن علي بن الحسين الجوري النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد بن يعقوب  
 النيسابوري ؛ شعبة بن محمد بن احمد بن ابو محمد الشعبي النيسابوري ، عاصم بن يحيى  
 النيسابوري ، ابراهيم بن محمد بن ايوب الفقيه ابو اسحق الطراحي النيسابوري ، محمد بن  
 احمد بن حاتم ابو خاتم الطوسي ابو عمر الحموسي احمد بن ابي الفراقى الاستواني ، احمد

بن منصور بن عبدالله أخو المعتر النيسابوري ، عبد الرحمن بن محمد أبو سعيد الشريفي  
 الصوفي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن أحمد بن محمد أبو الفضل بن الرئيس النيسابوري ،  
 محمد بن أحمد أبو بكر الحموسي الفقيه النيسابوري ، محمد بن أحمد بن حمويه أبو الحسن  
 الرئيس بانيورد ، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد أبو محمد النيسابوري ، محمد بن  
 أحمد بن معاد أبو بكر الفامي النيسابوري ، عبد الرحمن بن عبدالله بن الشيخ أبي بكر  
 علي بن محمد الفازي أبو الحسن القطان الجرجاني ، عبد الحميد بن محمد المذكر الخانقاهي  
 أبو القاسم أبو سهل البقال الواعظ ، اسمعيل بن الشيخ أبي علي العبدوي النيسابوري ،  
 علي بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله أبو الحسن الحداد النيسابوري ، علي بن محمد  
 أبو الحسين بن غلكان الخياط النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن علي الصفار أبو محمد الشاهد  
 محمد بن أحمد المولى أبو نصر النيسابوري ، محمد بن علي بن الفضل الخزاعي أبو بكر  
 النيسابوري ، محمد بن علي الطبري أبو جعفر البلادي الشريف ، أبو جعفر بن أبي محمد  
 العلوي العباس بن محمد بن علي بن معد بن أبي جعفر بن أبي الحسن صهر الحاكم المصنف  
 النيسابوري أبو سهل بن أبي بشر ، محمد بن هارون التاجر عبد الرحمن عبدالله بن علي بن  
 محمد بن مستوية النيسابوري ، محمد بن علي المذكر أبو جعفر الجوردي أبو سهل بن  
 مهران العدل النيسابوري أبو سعد الفلاح الفقيه وتوفي سنة أربع مائة ، محمد بن يعقوب  
 الفقيه الزاهد أبو بكر بن مخلد بن بنت أبي بكر بن أبي عثمان الزاهد النيسابوري ، أحمد  
 بن محمد أبو نصر البالوي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن محمد بن عبدالله العنبري  
 النيسابوري أبو أحمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهر سنان بن عمرو بن محمد بن أبو  
 منصور فاطمه بنت بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة سمعت أباها وحديث و تسوفت  
 رحمها الله في رجب سنة اثنين أربع مائة والله تعالى اعلم .

قال الحاكم الامام ابو عبدالله النيسابوري سألني جماعة من اخواني ان اذكر بعض ما انتهى  
الى من بناء المسجد القديم بنسابور وقهندز والمدينة الداخلة وذكر الادوية والمحال  
والرسائق والارباع فلم احد السيل الى الاستقضاء فيه بالاسانيد فقد اجبتهم ان اذكر  
بعض ما يمكن ذكره بالاسانيد وهذا كلام الامام الفقير محمد بن الحسين الخليفة  
النيسابوري فترك الاسانيد اعتماداً على صحة قوله رضي الله عنه واجتنباً بأمن الأمانة

ذكر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محلات  
نيسابور و آنچه تعلق بامثال ايراه و دارد

اسلم حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنانهاد انوش بن شیت بن آدم بود  
علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرگ سقید مدور اعلی نهاد و ازاينجهت در افواه  
خلق بود که آنرا قلعه حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند  
کامچاند بخوايکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تا زمان ابرج بن  
افريدون مهمل ماند از آن جهت که افراسياب ساحر بالشکر عظیم بر ملک ايران غلبه  
کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره حاضر بود و دفع از متعذر  
بود در اثناء اینکه در ملک ايران میگشت بصحراء قهندز رسيد نزول کرد شهری نبود  
بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از اینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف  
کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال وادیها روان چشمه جاری اشجار  
شمره شمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط در شکفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنا  
کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در  
زمان ابرج افريدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد



## ذکر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبه حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بمعاذ و رفع دیوار و توطان در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و درون قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

## ذکر بناء شهر قندیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت منجمان و فال گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه روی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود هر مز بود مادرش را از حال بسرش خبر کردند در محافظه آن بسر قوی جدی مینمود و وزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند و مادرش یکیکه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنج مصاحبت میدیدند در مملکت جهت آن بسر حکم میکردند و احکام می نوشتند و بسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند و او را شاپور نام نهادند بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر پادشاه بقصد آنک چون پیداشود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود بهمین اختیار کرد و بشاپور شهر یافت یعنی شاهزاده و بحسب دنیا عالی همت بود و رأی صائب داشت ملک شرق و غرب او را مسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور در حوالی قهندز بنیاد نهاد و معماران و عماله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق حفر کنید و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بودرفت و ایوان مدائن  
 ساخت و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره ساخت  
 و شهرتی ساخت فیروز شاپور نام نهاد و بعد ما بنی شاپور عود کرد و بر خوالی شهر خارج  
 خندق عمارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات  
 شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز بیش از آفتاب بسر  
 کارها روند و هر که از رعایا بیش از آفتاب حاضر نشود زنده در میان خشت و گل  
 دیوار گیرند و چنان کردند و خاق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از سنین کثیره که چندین  
 و بنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل برخاک  
 می افتاد و آن انبار ده از سده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود عمر و بن لیث که  
 والی نیشاپور بود خراب بود و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنانهاد چه شهر  
 قوی و وسیع بود و اسباب عمارت بفايت متعذر

### ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام چاکم فرمود که چون شاپور بمملکت در رفته بود لشکر ترک بار دیگر  
 بر ملک ایران غلبه کردند چون شاپور باز آمد خلق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا  
 بلشکر چارایسر آن اترک رفت و بمحاربه و مقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج  
 کرد و باز بنی شاپور آمد بوقت طیب هوا و فینه فضا و کثرة غذا و سعة معاش و رتبه  
 ارتبایش و سکون غبار و ثمار بسیار و عذوبه میاه و اسطاه جایگاه فارغ البال منتظم  
 الحال مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر متصور اینجا مقام نمود  
 و بناء شهر متصل بشهندز و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشییه اساس فرمود و محلات  
 و عمارات بهم واصل کرد و خندق شهر و قهندز بهم متصل کرد و بر چار جانب شهر چار

دروازه مرتبه داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و مهندسان را فرموده طریق بنا  
بایشان نمود تا جنان بنایند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چهار دروازه  
در درون شهر سطوع کردی و آن از عجایب بناها بود و بوقت غروب از هر چهار دروازه  
آفتاب در نظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زحمان بنیان بر آن سالن  
بود و بنام خود شهر را نام نهاد.

امام حاکم فرمود و آن بناست که تا غایب اثر آن نیندا و علامه آن هویداست  
و در وقت حفر خندق بوی خبر آوردند که گنجی پیداشد اندک اهتمام نمود و ضبط  
آن یکی از نواب فرمود گفتند هشتاد خروار زر بود از آن اهتمام بشیمان و از آن التفات  
بریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پنداشت و ترسید که بر قصور همة او  
فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نطقه کنید و دیگر ذکر آن نکرد.

#### ذکر ارتفاع زمین نیشابور نسبت بابلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع  
مقام مسکون است و یک دلیل آنست که در دوا این قدیمه نام این شهر ابر شهر نوشتندی یعنی  
شهریکه بابر نژاد یکست از کمال ارتفاع خصوصیت دارد بابر از ابر بابر اضافت کنند  
و دیگر دلیل آنست که معتدل الموائست نه حار و نه سرد و معتدل الموائست نه سرد و نه حار و معتدل الموائست  
بخلاف باقی ممالک

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر وقفند ز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور  
داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر است  
و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوچها و محلهاء شهر معدود از بنیان بلده اما:  
آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

و نامها دیهها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این  
است.

الزینق بویاباد، حنانه خشک، شحنه علیا، شحنه سفلی، ماهکباد، سورین

کوی، دزدان، زمجار سفلی، زمجا علیا، باغ کبار، وینکباد، عارکباد، دودیه پیود

باغک و شهر ستانه، شاپور و این را نصر آباد گفتندی، لعانچی سفلی، بشماناباد، داربجرد

حیره طیرانه و این را کوی دزکان گفتندی، وافکر سلیط، وافکر معاد، مناسک سفلی

مناسک علیا، خر قن علیاباد، حافظ محفوظ، باغ بهله، برزگر آباد، محمد آباد، خول،

خندرون، کنار سفلی، راقعه، سیمجرد علیا، سیمجرد سفلی، حفص آباد، تلاجرد علیا،

تلاجرد سفلی، حنجر و دعلیا، حنجر و د سفلی، سهل تاشیش، قناه، خشانه قناه حمزه علیا،

خرکباد، عمرویاباد، قناه علیا از جودی، باب طاق، و مسجدریه بود، جوری علیا،

جوری سفلی، حوسق، سیسنویه، حایط، سلمه، سوانقادر علیا، سوانقادر سفلی،

ورودهای و قراناباد، و دستجرد، سهرامقان، قناه جهم از دستجرد مانین، کرم بکر،

فاز رشک و رقاب فارس، این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر بکثره عمارات همه محلات

در کوجها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت و بقضاء ازلیه  
در سنه خمس و خمسین و خمسماه دور و قصور خارجه و داخلها  
توقیع اذالزلت الارضش کرد دریک دوسه دم عالیها سافلها

### ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

و تمامی محلات جل و هفت بود و یک محله متوسطه را که نه بزرگ و نه  
خرد محله جولا هکان گفتندی سبعت کوجه زیادت داشت: محله حیره، محله جامعه،  
فایده بود. اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار  
از سر حیره بود و مقطع او قریب روضه سلطان حسین و یک فرسخ هست تقریباً  
و تمام پوشیده بود

محله بویاباد در عمارة و رتبه و جلاله اهل محله مواضع را بآن مثل زدندی  
ابو مسلم مروزی رحمه الله پیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد و کاروان  
سرائی بر زبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی  
جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون دید بر سید که نام این محله چیست  
گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را گند آباد گردانم و برفت دیگر  
بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمر نشد

محله مولقا باد پیوسته اعلاء حیره است

محله میدان زیاد بغایه بزرگ بود.

محله نصر آباد اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود جل بازرگان بودند در آن محله بوقت عبدالله طاهر بهر عیدی  
یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست و طریق تر گفتند حسین بن محمد نصر آبادی او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عادة ایشان پرسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمة و دعوه و سخاوه نفس او بیش از اندك نمود گفت خراب مباد شهری که دروچنین از باب مروءه باشد.

محلّه دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که باب آن تبرک جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محلّه و حوض مستوفاً ذکر خواهد شد بطریق اوضح.

محلّه الزریق، محلّه مناسک علیا و سفلی گوید اعلی حده شهری بود

محلّه دیز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک طایفه دیز و اهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت.

محلّه نمد آباد بزرگ بود

محلّه باب ابی الاسود محلّه قباب محلّه خواست متصل شادیاخ است محلّه شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد

محلّه جلا باد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلّه تلاجرد محلّه قوی بزرگ بود یکطرف بیجا باد دیگر طرف متصل بخنجر و محلّه حفص آباد

محلّه خمز کا باد محلّه بزرگ بود

محلّه محمد آباد درو ریاض و حیاض است

محلّه قزّ محلّه بزرگ معمور بود بعلم و هدی و عماره و ارفع محلّها بود و آب

و هوای او خوشتر بود و وصف او بیاید

محلّه در باغ و آن باغ ابو مسلم بود صاحب دوله

محلّه باب عقیل محلّه باب عسگر همه بازارهایش بزان و طعام فروشان بودی و بازار  
علافان

محلّه باب عرو و محلّه حرب، محلّه باب معاذ، محلّه بیدستان درخت بید بسیار بود درو،  
محلّه مرتعه محلّه سرپل، محلّه دزدان موضع کنار نك بود و او در جاهلیه ملك  
خراسان بود

اما بعبدالله بن عامر او کافه و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد  
محلّه باب معمر، محلّه در باغ مازجرد، محلّه میدان حسین و او صاف بسیار  
دارد محلّه سمیجرد، محلّه الرقیما، محلّه جولاهگان محلّه جودی علیا عیدگاه آنجا بود  
و در و بساتین و انبار بسیار بود

محلّه جوری سفلی محلّه سرکوی محلّه سنجید ستانه،

محلّه باغ رازیان اهل علم و تجاره آنجا بسیار بودی

محلّه باغك متصل بود بمحلّه قزّ عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او  
آنجا است

محلّه زمجار محلّه خر کلایاد متصل بز مجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودند  
محلّه سر داقه طرف مغرب بود محلّه کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات  
معمور بوده و اوصاف بسیار هر يك رافی الجملة نوشته بود چون حال نیست نبشته نشد  
یا قومی را ابو مسلم از شهر بیرون کرد محلّه داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.  
 اسماء حاکم رحمه الله و رضوانه علیه فرمود که بتقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد کی  
 بوقت حکومت عبدالله بن عامر بن کریر بن حبیب بن ربیع بن عبدالشمس در بصره  
 و حکومت سعید بن خاص در کوفه در خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کنار نک  
 که والی خراسان بود و او مجوسی بود نامه فرستاد بایشان و ایشانرا بخراسان خواند  
 و بفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروت در مرو کشته گشته و مقصود نامه این بود  
 که اشاره بساره ظبور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایه و احکام سید انام و  
 شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع  
 این اماکن و مقام رسیده بیماران ضالاله فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء  
 هدایه تشنگان شربت عنایه دلزندان عهدازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم برداد و  
 گوش بر آواز منتظرند.

گریک نظر بسوی من خسته میکنی همچون مسیح مرده بدم زنده میکنی  
 ایشان این خبر بامیر المؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده  
 خلعة جنة داد که هر کدام سبقه گیرند و در نشر نور اسلام مجد نمایند و بوالد و حافد و  
 ولد و جد باز نمایند حکومت درین جهان و درجه جنان در آن جهان اودا باشد  
 فرمان مدینه را ز جابر جستم احکام دمی گفت کمر می بستم

عبدالله بن عامر سرعت نمود و سعی فرمود و عن قریب بنزادوار جوین نزول کرد  
 و سعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید و هر يك از راهی دنیوی بطلب  
 جامی اخروی می شتافتند خبر سبقه عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود و اهل ازاد و از



کرمان، و با جیشی همه موافق، و درستان بناحیه قهستان، نزول کرد و قلاع آنرا  
 بعده بسیار، و مدت اندک، فتح فرمود و بدست حداده، براه، مکتوبات فرستاد، و ایشانرا  
 باتباع طریق رشاد، و شداد، و سرعت خروج بسوی او و اداء خراج باو دلالت کرد جواب  
 فرستادند که مال حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، ابر شهر مشهور  
 یعنی نیشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، و طوس و اینورد، و نسا دران  
 تاریخ توابع نسابور بود پس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و  
 اعلام مجامعه فی سبیل الله بر افراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره  
 پوشیدند بر زان جاه طاعی و یاغی که در آن زمان والی این زمین بود با قوم او آن دولة  
 وصوله، بدیدند او نیز با حمران دیگر از میدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز  
 دویدند و بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیر دستان کرده بر بالای دیوار حصار  
 و دزقهندز کشیدند، و یکماه تمام از صبح تا شام و از اول شام تا بانگ خروس آواز و  
 خروش جنک بود، ناگامی شبانگامی هوا متغیر و حرکه متعذر گشت و غمام بر تمام  
 جوانب ابر شهر احاطه کرد، و از میغ بی دریغ برفها چون تگرگ باران شد، و غموم بر  
 دلهای مؤمنان عوم یافت، اقربا از زبان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریم و از  
 غریم در برف سرما، سرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العیجم یموتون  
 من البرد ویقولون خنک گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و اواء کوچ بر افراشت  
 و آن لشکر را بملاطفه و مکالمه اجلی از قند بمرغزار غند برد چه او دید که  
 آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون جندروزی نجح و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف بر طرف جویباران مرغزار  
متراکم شد که از تلوج بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان  
دست بردی نمود که از خوف شرا و شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوه  
خرکت نماند.

سرماست چنانکه بینی گوش و فسرده      سرماست چنانکه دیک در جوش فسرده

کر آتشکی مانده بدور دوزخ      آن نیز پریرودینه و دوش فسرده

ضعفا دلها از غم بختند و سرما و هواء نسابور باز جستند،  
معتق که یندی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم،  
و هر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهورست، بیرون در خانهها با جامها زمستان  
بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بهار آید بصلح یا بجنک آن شهر بچنگ آوریم  
و هر جا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلبعه لشکر کردند و عبدالله  
عامر در آن زمستان بنیسابور باز عبور فرمود، و بر زن جاه مذکور ضال مضل نسابور  
را از آن معاد و مخافة تمام مراجعه کرد، و قوی ضعیف و سخت سست و حال او تنگ  
بدشد. و آن قلعهها و حصارها بتأید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنارنگ  
بآستانه عبدالله عامر آمد، و خراج ابر شهر یعنی نسابور و طوس هفتصد هزار درم که  
قریب بیانصد هزار مثقال نقره باشد با بسیاری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، و چون این  
فتح دست داد ملوک خراسان از هراه و بلخ و مرو و غیر آن دیدند، جاء نصر الله و الفتح و  
رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا و اموال کثیره از انواع زرو نقره و ثیاب و افراش

و مواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شد تا باد جنین بادا      کفرش همه ایمان شد تا باد جنین بادا

و عبدالله عامر درون شهر ببقعه محله شاعنیر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت و سرائی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود درین کرامه و شرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی

ان عامر بن کربزاتی با بنه عبدالله الی النبی صلوٰۃ الله و سلامه علیه و هو ابن خمس اوست

سنین فقبل النبی صلوٰۃ الله و سلامه علیه ان ابنک لم یقال یقال لو ان عبدالله قدح

حجر آماهه یعنی یخرج الماء من الحجر من برکته: ترجمه و انعم عند الله آنست که عبدالله

بسر خود عامر را به حضرت خواجه مصلوٰۃ الله و سلامه علیه یرد و او پنج ساله بود یا

شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه مصلوٰۃ الله و سلامه علیه و در ده روز آن سعادت مند ازل

و ابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فرمود آب دهان حضرت خواجه مصلوٰۃ الله و سلامه علیه

بس فرمود حضرت خواجه مصلوٰۃ الله و سلامه علیه بدستی که بسرتو این هیر

آینه آب داده شده است

بس جنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سر پائی بر سنک زدی و خواستی

انفجرت منه اثنتا عشرة عیناً روان شدی از یک سنک ده سنک آب از برکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمه الله: که چون عبدالله نسا بور فتح کرد عبدالله بن طاهر

را در نسا بور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدر خود را بنزیافت بعد ها باز به

نسا بور باز گشت و در همان حوالی و سرای خود که بشاعنیر ساخته بود نزول فرمود

و از نسا بور بهمه بلاد و اماکن امر افرستاد و نسا بور دارا ماره و سلطانه کرد و اموال این

ممالک همه بنیسا بور آوردندی آنچه بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نسا بور بجنک مسخر شد واضح آنست و بیشتر

مشایخ بر آنند که نسا بور بصلح فتح شد

و نقلست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج بر ایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها و حیات و موات را ضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چهار ربع و همه ولایاتی که تعلق بنشاپور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نشاپور بود گفت تو امیر نمایی نه شریک مایی و این شهر را بصلح فتح شد نه بقتل و جنگ آنج بقتل و جنگ فتح کنند در آن خراج است و آنج بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنج حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم و مع هذا خراجی تیر بنو بدیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر و در دو این ثابت است اگر بآن رضا دادی فیهما ونعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار ببریم و آنج خواهیم ذخیره نهیم پس بیا و جنگ کن اگر بقتل و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحت تو کن و خرج خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تأمل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل ابر شهر یعنی نشاپور برد و بآن هزار هزار دوم و دویست هزار درم کتبه تسلیم نمایند

مجموع هزار هزار و پانصد هزار و جل هزار مثقال نقره باشد  
 امام حاکم رحمه الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نشاپور بصلح فتح شده نه بجنگ و آنک نشاپور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار  
اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

مخاخر نیشابور قدیم که بر که آن تا ابد بر سکنان این بلد  
فایض و باقی است

از جمله آنک چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار  
رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامد و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص و  
اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازیین الاخیرین حین النحات والاستبانت  
یوم البعث کما و عدفی المواقف الثلث عند المیزان و بطر الصفح و الصراط یبسط  
بساط الشفاء و السری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن  
علی بن موسی الرضا صلوة الله و سلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم  
اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهر عثمان و اربعین و مائه نور مقدس ایشان ظهور یافت  
و در شهر اربع و تسعین و مائه ببصره بدرست حدیث و نشر عالم بنصره دین آفتاب  
هدایه ایشان بر امة تافت و بتدوین نسخه مبارک صحیفه تقوید علیه حنیفه فرمودند پس  
بمقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند و در سنه  
مائین من الهجرة نیشابور بمقدم حضرة ایشان روضات جنب شد و چون بشاره سطوات  
شعشه اشعه آن نور بر قطر نیشابور میان سکنان شهر مشهود شد قطب الانام کیف العلماء  
برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی  
قدس سر و شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایه بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن  
باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیته تا قریه مویدییه چند هزار صدیق رفیق در  
پییشوا رفتند

و نقلست که حضرة سلطان صلوة الله علی رسول الله و علی آله در محفه بر

ناقه عضیاء خود سوار بودند و قد و اهل انس و انیاس شیخ محمد بن اسلم طوسی را قدس سره در محفۀ دیگر اجلاس فرموده بودند فایده فیر این دو بزگوار در نیشابور برکناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضۀ نازجر و در بناء يك صنعة قوی بهم قریب است و ان اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اغبرت قدما فی سبیل الله حرمة الله تعالی علی النار دامن تاتمه ساق بر کشید و شربت و عدۀ کمال قربت چشیده زمام خطاب مر کب حضرت انام اولیا ملک علام بردوش احترام گرفته

و تقاست که متوجه بآن ابرار ذره وارد ره واه و لاء از دراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میگرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بروز قیام ملک علام جل جلاله وسیلۀ نجات و وسیلۀ فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و مہارکش مر کب حضرت سلطان خود بوده ام و چون بنسایور ورود فرمودند در محلة قز در کوجه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواء و استماع فقراء مشہور بود که جار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلم عند الله

و آن استانه منزل مبارک کہ مہبطه ارواح مقررین و مطاف ملائکہ علیین بود ماند بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابہ دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانہ ولایت مرتب و یساوواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامہ کہ در آن محله واقع شد آن بود کہ بر سر آن کو بیجہ حمامی خراب و قناتی بایر و محوطہ بود کہ آنرا حمام و قنات و معوطہ کہلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اہتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد و قصد میداشتند کہ چون عمارہ تمام شود اسان آب از چاه یا غیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی خرج و خرچ و سعی مقنی از قنات کہلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلوٰۃ الله علی رسول الله و علی الہ الاممہ المعصومین اجمعین بآن

حمام درآمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرک شد و آن حمام بنام مبارک ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی ..

و امام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست و متبرک خانی است ، يك كرامه دیگر آن بود که روزی يك بادام بیکی از خدایان دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید خادم چنان کرد غرس الغرودوس پیده سبز شد و در همان تابستان بادام بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و بوست و میوه آن درخت سبب برگ و نوا و صحت و شفاء مرضی آن زمان بودی تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد و از قصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصر او می بود و درخت را نضاره بذبول بدل رفته بود و بعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آنرا قطع کنند عماره تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بود هم در زمان اندک مردند بعد از چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعمار همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کنند اصل آن درخت در زمین نمود تمام قصه گذشته با او گفتند چون دلش سیاه و قصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد و چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل بنداست و آن بی اصل آن اصل را برداشت عماره ناساخته او و همه آن اقوام در اندکی از ایام هلاک شدند.

#### واز فواید مقام خدام ایشان بنابور

یکی دیگر آنست که روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الاثمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند و عادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوت بیشتر طغیان را بنشاندی پس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی  
تا انتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعظم و علما و اشراف آن شهر را جمع  
کرد و عاده دیگران بود که در مجامع ایشان صفها صدر بودی و بزرگان آنجا مجالس  
اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلوٰۃ الله علی  
رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف ایشان صفها  
صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکا و نمارق مصفوفه ایشان  
صفه التفات نفرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف  
یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صدر صدور و منازل  
افاضل شد و منبعدان يك بعهه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمه و تفرز  
برداشت .

#### واز مفاخر نیشابور

دیگر آنست که روزی حضرة سلطان صلوٰۃ الله و سلامه علی رسول الله و علی اله  
المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله  
مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارک اشاره فرمودند باب کعبه  
در مواجهه نموده شد و آن محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز  
میگذرد واقع است.

#### واز مفاخر نیشابور

دیگر آنست که حضرة سلطان صلوٰۃ الله و سلامه علی رسول الله و علی اله  
الاثمه المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتی که فی الجملة حکایت آن اینست



## واژه‌های شهر قدیمی

این قصه کریم در السنه مذکور و در افواه مشهور است که حضرت سلطان صلوات  
 الله وسلامه علی رسول الله و علی آله وسلم در نیشابور به منبر بر آمدند و نقلست که چند  
 هزار دوات و قلم اعیان و امام مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افاده ایشان میکردند  
 حضرت سلطان این حدیث معتن از اباء اولیا اصفیا خود با حضره خواجه کائنات صلوات  
 الله وسلامه علیهم و علی الهم الائمة المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :  
التعظیم لامر الله والشفقه علی خلق الله

## دیگر از مخاخر نیشابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت  
 وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین  
 درین اجزاء و اوراق سابقه ذکر شده و هر یک را از کرامات و مقامات بسیار بود که این  
 نسخه قابل بیان آن نبود.

## واژه‌های نیشابور

امام حاکم رحمه الله فرمود کنی از دلائل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن  
 قریب و دور آنستکه: شمارد هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الا نیشابور کنی  
 مثل امزود و سیب و بیی در دوازده ماه هر گاه که خواهی فی البومله موجود است و  
 در قریب نه ماه و دهم ماه انگور و خربزه تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و  
 در یوزه توان یافت و از آن شمارش بتهای نافع توان گرفت و در بلاد شرق این مذکور است  
 اگر باشد زود منقص شود و نیشابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظه مساهله  
 نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابورست، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلایا، مصر انصار حلیه مقدار عروس بلدان، خزانه خراسان، داراماره بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مرو، و موطن ادیان، مقر سلطان موضع اعلام هدی، مطلع انوار بقی، رحمت دروی نازل، برکت باد واصل در نسابور زنبور کند و جهان پرانگین کند، زیره اوفیر و زه، و حصول آن نجر هر روزه، حجر او جوهر کمر او تفسره و زر، نبات او بر اطراف عیون و جالسان زیبایش در و مخافه سموم نی مرض او را عموم نی سلاصین با ماره ان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظماء، ماوی اشراف، مثوی عدل و انصاف، همه چیز او موصوف، سکان او بسخا وجود موصوف اهل کمال را درو مقام همه کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

#### ذکر وادیهای نسابور

امام حاکم فرمود که میان یکی از نسابور و دیگری از شهری دور معارضه شد غریب گفت در شهر شما مسافر را باب نیست و در صحرا راهگذری را آب نیست در بلاد دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه مأمون است. نسابوری گفت این سخن هر نادانست و مرا بر صدق خود روشن صد برهان است از دیر باد که طرف ولایت ما کالکا باد که آن کنف ناحیه است وادیها و جویها و چشمها که بر دیدهها عیان است زیاده از سیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است و از عین اخضر و آب انبوه آن که در کوه است

جه معال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناره است غیر  
قنوتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و باک تر از آب بلاد دیگری  
است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانهها رسد

و اول کسیکه کاریز و بپندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد  
پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوت نسابور آزاد شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع  
کاریز کنند و آبها بر بلندیها بردن بدولاب و مثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی  
اخراج و اما آن وادیها که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یا داخل شهرست  
شقاندر و وادی بوشنقان و حر و اسب و آنج داخل نمی شود چارست : و عطی رود  
و وادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

#### اما از باغ نسابور چارست

ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیه قسمت و مساحت آنست که از چار  
طرف مسجد جامع بهر طرفی رفتند و ما کبار زمین ولایت قری و قنوت را با آن ربع  
نسبت دادند و بقریه که در آن جانب معمور و میسر بود اضافه کردند  
اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمد آباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود  
بشت پانزده فرسخ مشتمل بر زیاده از پانصد دبه که بعضی را یک قناره بود یا  
دو یا سه یا چهار پنج و ریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره  
بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقاهای بسیار  
و در اول اسلام حکام ماوراء النهر سه برادر بودند محمد و عطف و مسیب  
هزسه از ریوند هر یک در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود پشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیمصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است.

ربع مازل از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متزهات و موضع تفرج و تنزه اهل بلده قرای این ربع است و اکثر قرای این متصل است.  
فرهنگ و موسنقان و باغ فرك در ربع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است و دیهبا بزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کی از نواحی واقطار خراسان نیشابور  
نسبه دادندی اشراف و اکابر آنرا نیشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول و عرض یعنی آن از سی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات مالا بعد ولایه حصی منها

ولایه بیهق من حدود ریوند تا ولایه دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این

ولایه جوین منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات بحدغایات یکدیگر قریب جنانج همه را بمشابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین و دیانت و خداوندان باهوس و همه ایوان خانها رفیع و مهمان خانها وسیع اصناف اشراف و عوام ایشان را همه تعالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطاف دلها از ملال خالی

بشیرک بیماران و غیر ایشان بآن ارتفاع یافته بی ثمن، در درختها ناز و ثنوت که از هر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صد خادم و فراش داشت و در موضعی از مثل خانه مبنی بر دوازده ستون بهماره ممتاز شش ستون از مرمر و دو ستون از یشه طرف دجله آورده برنگ مهره‌آه سیاه و سفید و چهار ستون از کج و خشت پخته ساخته سقف و ستون‌پاء آن بزرگ تذهیب کرده و قبه مذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر را تقدیر می کردند اما حاکم فرمود کی سقف و ستون و بلها و منابر و صنادیق و مصاحف و قنادیل و حصیرها و فرشها و توابع اینها را قیمة کردند صد هزار مثقال زر رسید و صد هزار مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زیاده بود و بخراسان مبنی احسن تر از آن منبر نبود که ابومسلم درین جامع نهاده بود.

#### ذکر دومنار جامع

ابومسلم در جامع منار ساخت بعد از وارباب مناصب را آن منار قصیر و ان بنا بنسبت با جامع حقیر نمود چون حکومت به منصور بن طلحه بن طاهر برادرزاده عبدالله طاهر رسید آن منار را منهدم ساخت و منار دیگر برافراخت و بسیاری از اول بلندتر و قوی تر و عمارة او بزینت و تذهیب آراسته تر کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال از ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی بعد از زمان او بحرکتی در ایامی میلی دروی پیدا شد چون نبوة به عمر ولایت رسید آنرا نیست کرد و دیگری برداشت و نام و لقب خود بر آن بینگاشت بعد از آن چون نبوت بن خمار تبکین رسید مناری رفع کرد و وصیت آن دومنار دفع کرد چنانچه در دنیا ارفع از آن و اعجب و آراسته تر و پیراسته تر و دایر تر

منار در هیچ دیوار پنج نجار ندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و جار ذراع بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارت دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی

!"

ذکر مسجد هاء متبرك شهر قدیمی

که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرگ جمع صحابه بانفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامه بگذاشتند

مسجد محله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلوة الله وسلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم و عزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کردند

مسجد سرا معار مسجد که مصابی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل

سرای بستان ، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة

دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

## ذکر میادین نیشابور

میدان تلاجر د و در صدر این میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود  
 هرون رشید چون به نیشابور رسید مدته اقامه او آن گوشك مقام او بود .  
 میدان هانی، میدان حسین بن معاذ بن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و  
 میدان زیاد

## ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

مقابر و قبور اولیا و اصفیا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء تا آنج  
 علی التعمیم زیارة کردند از مقابر و قبور بیشتر آنست  
 مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و  
 و سه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زید  
 است که از صحابه کبار و قدوة ابرار بود در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی  
 حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است ،  
 مقبره تلاجر د مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذہ کبد  
 الرسول صلوة الله و سلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام و نسب مبارک  
 ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن  
 محمد بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ایطالب علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین  
 مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبدالله  
 البوشنجی و ابی الولید و ایوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح  
 و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب ؛  
 مقبره شاهنبر بسیاری از علماء و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند و در آن مقبره

بزرگان که بعد از آن تا ششصد و شصت و شش که خرابی شادیاخ شد و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست یکی از ایشان درین اسامی مذکور نیستند

### فایده

و بعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که در جارد و کسری از هجری نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بناء آن تا این غایه هیشده بار بزلزله خراب شده و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از شهر قدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند و ده سال مهجال بقاء شهر بود و مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود و در آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب عام و عمل لاحق با ولین و سابق بر آخرین بودند و از مکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة و مقتدای ملة امام فخر الملة و الحق و الدین الرازی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة ضینت عن الافات رایت

فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسی یا موسی احب ربک بکل قلبک و انا اخبر سیدی و سندی و مولای الصدر الاجل المنجل السید السند الظاهر الازهر التقی التقی صدر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین ملک السادات افتخار العترة الطاهرة قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه و الکرامات العلویه باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی و احب ان احبه الی

### آخر المکتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنک فرمود امام که خواندم در سفر پنجم از توره که



حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر می‌کنم سید خود و سندی خود و خواهی خود را که من ایشان را دوست میدارم انک ایشان را دوست میدارد با آنچه در آن مکتوب است از بر این برین معنی بعدها در شب جمعه سنه ست و ستین و ستمائه این شهر و گیز بزلزله خراب شده قناد کس بصحراها ماندند از شهر سیم بنانها دند آن نیز بجاست یکشنبه آخر جمادی الاولی سنه ثمان و ثمانمائیه بزلزله خراب شد

اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بدیناصد و اند آنک شد شهر جودشت  
شش سال فزون دوم و سه از شصت و شصت از زلزله بارسیم هشتصد و هشت  
چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء  
کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر  
اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات  
بحرمة النبی، محمد و آله خیر البریات و ادخلهم برحمتک فی روضات الجنات والحمد لله

رب العالمین آمین رب العالمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِيسْرٍ وَتَمِيمٍ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على حبيبه و رسوله محمد وآله  
اجمعين . قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم  
يرزقون وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اولياء الله لا يموتون ولكن ينقلون من  
دار الى دار وقال صلى الله عليه وسلم كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزروها  
بر مقتضى آية و حديث جون زياره دوستان خدای متضمن ثواب بسیار و قوائد  
بی شمار بود بعضی از احبیه که امثال التماس ایشان واجب بود درخواست کردند از بنده کمینه  
احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري تاب الله عليه باسامی بزرگان  
که در نيسابور آسوده اند در قلم آورد و ذکر اسامی از جمله بزرگان متعذر بود از  
بهر آنکه نيسابور کهنه که محط رجال: رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله بوده جهل  
و هفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و  
آنرا سیصد کوجه زیارت بودی و هر محله را مقبره بوده و شصت ديه در ربض در آمده  
بود و مقابر آن ديهها که مملو باوليا و صلحا بوده در میان شهر ناپیدا گشته و بعد از  
خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مرارات مندرس و قبور منطمس شده و کسی  
نمانده که گورستانها را باز شناسد فكيف بالقبور و هر چند چنین بود اما بر موجب ان  
لم يدرك الكل لم يترك الكل . اسامی این بزرگان که در طبقات شيخ عبدالرحمن

سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنان را عایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان محفوظ گرداند و هو ولی الاجابة و التوفیق

### اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ایطالاب صلوٰه الله علی رسول الله و علی آله الطاهین الطاهرین مدفونست بمقبره تالاجرد، ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ایطالاب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزیاده نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنهم در مقبره عبدالله طاهراند و آنرا گورستان سادات گفتندی

### اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حبیب، همام بن زید بن وایسه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست یقین در نیشابور آسوده اند و گفته اند که نیز: ابو بربره اسلمی در نیشابور آسوده است

### اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیشابوری؛ ابو عثمان خیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابو علی ثقفی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی ابو الحسن علی الفوشنجی، ابو بکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری

آنست که هانی آنجامست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی طالب  
 ابویعقوب اسحق، ابوعمر والحریری، ابوعمر والمستملی، ابوعمر والخفاف، ابوعمر و  
 الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الأصم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد،  
 ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل النواظ، زکریا بن ولویه  
 ابرهیم بن محمد بن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح، یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن  
 الفضل الحلّی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب  
 احمد بن سعید داربی، ابوزکریا عنبری، بعضی از این بزرگان موجب الدعوه بوده اند  
 و دعا بر سر خاک هریکی از بزرگان مروج و اجابۀ است،

این بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر  
 آسوده اند از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد  
 میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورک اصبهانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی،  
 شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی  
 ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضلہ و کرمہ و هو اکرم الاکرمین و ارحم

الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که در شهر نساپور مدفون اند .

نقل از خط خواجه قطب الدین رحمه الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره در مقابر منسوب بنصر بن زیاد القاضی،  
 سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و هو محمد بن  
 محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه و رضی الله عنهم،  
 جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر یشین است، تربة ارحم  
 اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،  
 جوانمرد نرد باد او نیز از شهداء صدر اول است ، احمد حرب رحمه الله تربت  
 او و تربت یحیی معاذ را زی که از کبار طبقات است رحمه الله در مقبره معمر است ، شیخ  
 محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام  
 علی بن موسی الرضا را دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده  
 امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن  
 دیر نیشابور قدیم است رحمه الله  
 امام ابوبکر فورک و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در یک حظیره اند از  
 زاهدان و عباد زمان بوده ،  
 امام الحره بن عبد الماک ابوالمعالی بن الامام ابی محمدت یوسف الجوینی  
 رحمه الله تربت او در جوار مزار تاجرد است ،  
 شیخ محمد فنال تربت او در قبله مقبره حیره است ، رحمه الله  
 شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف  
 رحمه الله تربتهاء ایشان در قبله مقبره حیره است  
 امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنف عمل الغرائب و غیره تربت او در  
 جوار نماز گاه عید در شهر شادیاخ ، رحمه الله قنبر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه  
 تربت او در جوار فرات آباد ،  
 شیخ علی مؤذن رحمه الله تربت او در جوار مقبره حیره است  
 استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمه الله در یک  
 حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،  
 شیخ فریدالدین عطار رحمه الله تربت او در شادیاخ است ،  
 شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمه الله تربت هر دو بهم نزدیک

است در شادیانخ ،

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادک است در غربی علمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق او را نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیانخ است رحمه الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمهم الله  
شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جل سر ، مقبره باب عروده فیب حسن بن الولید و جعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالزجاج و حسن بن الفضل و ابوالعباس السراج و ابرهیم بن ایطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار و ابوعلی تنفی و عبدالله مبارک در جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره و قبر اولاده و قبر امام الحدیث ، محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهای ایشان در جوار ترخک زرکان نسیبداست قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب بشر بن الحکم العبدی استاد ابوالولید مقبره حداد

امیر طاهر میفرمود که علماء و زهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الرافعی القشیری و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمه الله علیهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحيم رب یر

هذه اسماء المشايخ الذين سماهم السلف مشايخ الطبقات نقلت من الرسالة

التي هي معروفة بطبقات السلمی مما جمع الشيخ العالم الرباني المحقق الصمداني

عبدالرحمن السلمی رحمه الله عليه

## الطبقة الاولى منهم

فضل بن عياض بخارى الاصل مات في الحرم ووفاته سنة سبع وثمانين و

كنيته ابو علي

و منهم : ابواسحق ابراهيم بن ادعم بن منصور مات بالجريد فحمل الى

صور ودفن لها في الشام

و منهم : ذوالنون المصري قيل مات سنة ثمان واربعين ومائتين وقيل سنة

خمس واربعين وكنيته ابو الفيص

و منهم : شيخ بشر خافي مات سنة سبع وعشرين ومائتين ببغداد و دفن

فيها وكنيته ابونصر

و منهم : الشيخ سري مستطفي رحمة الله مات سنة احدى وخمسين ومائتين

وكنيته ابو الحسن

و منهم : الشيخ ابو عبد الله حارث المحاسبي من بصره مات ببغداد سنة ثلث

واربعين ومائتين

و منهم : الشيخ ابو يزيد البسطامي رحمة الله مات سنة احدى وستين ومائة وسه طيفور

و منهم : الشيخ ابو سلمان داراني مات سنة خمس عشرة ومائتين واسه عبدالرحمن

بن عطيه

و منهم : الشيخ معروف الكرخي مات ببغداد سنة مائتين وقيل سنة احدى و

مائتين وكنيته ابو محفوظ

و منهم : الشيخ حاتم الاصم مات سنة اربع عشر ومائتين وكنيته ابو عبدالرحمن

وقيل سنة سبع وثلاثين مائتين

## الطبقة الثالثة

ومنهم : الشيخ ابو محمد الحريري مات بسنة احدى عشر وثلاثمائة واسمه

احمد بن محمد الحسين

ومنهم : الشيخ ابو العباس العظامات بسنة تسع وثلاثمائة و قيل سنة احدى

وعشر واسمه احمد بن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابي حفص النيسابوري مات بسنة ثلاث

ارابع وثلاثمائة بنيسابور ودفن بجانب ابي حفص —

ومنهم : الشيخ ابو عمر والدمشقي مات بسنة عشرين وثلاثمائة هو مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ محمد بن حامد الترمذي من مشايخ خراسان وكنيته ابو بكر

ومنهم : الشيخ طاهر المقدسي من اصل مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات

قيل البعد الاربعين وثلاثمائة

ومنهم : الشيخ تيمان بن محمد الحمالي الواسطي ساكن مصر مات ببافى

رمضان سنة ست عشر وثلاثمائة وكنيته ابو الحسن

ومنهم : الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص مات فى جامع الرى بسنة احدى

وتسعين ومائتين وكنيته ابو اسحق

ومنهم : الشيخ ابو حمزة البغدادي مات قيل الجعيد سنة تسع وثمانين ومائتين

واسمه محمد بن ابراهيم

ومنهم : الشيخ ابو الحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قيل العشرين

وثلاثمائة واسمه محمد بن سعد



ومنهم: الشيخ ابوبكر الواسطي اصله من خراسان استوطن كورة مرو ومات  
 بها بعد العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن موسى  
 ومنهم: الشيخ ابوالحسن الدينوري من مشايخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنة  
 ثلثين وثلاثمائة اسمه علي بن محمد بن سهل  
 ومنهم: الشيخ ابوالمغيث حسين بن منصور الجلاج قتل بباب الطاق ببغداد  
 يوم الثلاثاء من ذي القعدة سنة تسع وثلاثمائة  
 ومنهم: الشيخ خير النساج اصله من سامره اقام ببغداد وكنيته ابوالحسن  
 ومنهم: الشيخ حماد الدينوري من كبار مشايخها مات بسنة تسع وتسعين ومائتين و  
 ومنهم: الشيخ ابو حمزة الخراساني من نيسابور من محلها بمات بسنة تسع وتسعين ومائتين  
 ومنهم: الشيخ الصبحي من اهل البصرة وكنيته ابو عبد الله مات بالسبوس وقبر بها  
 ومنهم: الشيخ ابواسحق ابراهيم بن داود النرقي مات بسنة تسع وعشرين ومائتين وقيل ثلاثمائة  
 ومنهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن علي بن سنان من مشايخ نيسابور مات  
 في سنة ست عشر وثلاثمائة

#### الطبعة الرابعة

ومنهم: الشيخ ابوبكر الشبلي خراساني الاصل عاش سبعا وثمانين سنة ومات  
 في ذي الحجة سنة اربع وثلاثين وثلاثمائة ببغداد واسمه دلف بن مجدر  
 ومنهم: الشيخ المرتعش وهو ابو محمد بن عبد الله بن محمد النيسابوري من  
 محلة حيره مات ببغداد سنة ثمان وعشرين وثلاثمائة وقيل من محله ملقاباد  
 ومنهم: ابو علي الرود باري توفي بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة بمصر واسمه  
 احمد بن محمد بن ابي القاسم

ومنهم: الشيخ ابو الحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنة اربعين وثلاثمائة  
ومنهم: ابو علي الثقفي مات بسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة بنسب نيسابور واسمه  
محمد بن عبد الوهاب

ومنهم: ابو محمد عبد الله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها  
بسنة تسع و عشرين او ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم ابو الحسن المزين واسمه علي بن محمد اصله من بغداد جاور بمكة  
ومات بباسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة

ومنهم: الكتاني و هو محمد بن علي بن جعفر الكتاني امام بمكة و مات بها  
بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة وكنيته ابو بكر

ومنهم: النهرجوري و هو ابو يعقوب اسحق بن محمد امين بمكة و مات  
بب سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الخير بن منار من مشايخ مصر مات في البيت

ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصريين مات بسنة ست واربعين وثلاثمائة  
واسمه الحسين بن احمد

ومنهم: ابو بكر عبد الله بن طاهر الاهري من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: القرسي من مشايخ الجبل مات في سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الحسين علي بن هند الفارسي من كبار مشايخ انفس

ومنهم: ابو اسحق بن شيبان الفريسي

ومنهم: الحسين بن علي مردعي اهل ارمين مات في الصف سنة ثمان وثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: محمد بن احمد بن سالم النصري وكنيته ابو عبد الله

ومنهم ابراهيم بن احمد بن مشايخ الرق وكنيته ابو اسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنههم : ابو القاسم النصر آبادی نیشابوری الاصل والمؤید خرج آخر عمره الى مكة سنة ست وستين وثلثمائه واسمه ابرهیم بن محمد .

ومنههم : بندار بن الحسين من اهل شیراز مات بسنة ثلث وخمسين وثلثمائه وكنيته ابو الحسين

ومنههم : الحضيرى وهو ابو الحسن على بن ابرهیم بصرى لاصل مات ببغداد يوم الجمعة ذى الحجة سنة احدى وسبعين وثلثمائه

ومنههم : ابو بكر الطمستانى الفارسى ورد نیشابور ومات بها بعد سنة اربعين وثلثمائه ومنههم : ابو عبد الله البروغندى واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشايخ مات بعد الخمسين وثلثمائه

ومنههم : ابو العباس الدينورى مات بسمرقند بعد الاربعين وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنههم : محمد بن احمد وكنيته ابو بكر مات قبل الستين وثلثمائه وهو من مشايخ نیشابور

ومنههم : ابو عبد الله الرودبارى واسمه احمد بن عطابن احمد مات سنة تسع وستين وثلثمائه

ومنههم : ابو الحسن بن على بن بندار الحسين الصوفى من مشايخ نیشابور مات بسنة تسع وخمسين وثلثمائه

ومنههم : ابو عبد الله وابو القاسم ابنا احمد بن محمد المقرئ فى ما ابو عبد الله مات بسنة ست وثلثمائه واما ابو القاسم مات بنیشابور بسنة ثمان وسبعين وثلثمائه

ومنههم : محمد بن احمد بن حمدون القرار من كبار مشايخ نیشابور مات سنة سبعين وثلثمائه

ومنههم : محمد بن عبد الخالق الدينورى مات بها كنيته ابو عبد الله

ومنههم : ابو عبد الله محمد بن محمد الواسى

پایان

## الف

١٣٠، ١٢٨، ١٢٧، ١٢٠	ابر شهر
١٤٥	ابراهيم بن محمد سفيان
١٥٣، ١٤٥	ابراهيم بن ايपाल
١٥١	ابراهيم بن شعبان
١٥٩	ابراهيم بن احمد
١٦١	ابراهيم بن محمد
١٥٩	ابو اسحق بن الشيبان
١٥١	ابو الحسن الخفاف
١٦٠، ١٤٩	ابو الحسن الفوشنجي
١٥٠	ابو الحسن الوراق
١٤٥	ابو الحسن علي البوشنجي
١٦١	ابو الحسن علي بن ابراهيم بصرى
١٥٦	ابو الحسن بن علي
١٥٠	ابو الحسن علي بن بيدار
١٤٥	ابو الحسن علي بن احمد البوشنجي
١٥١	ابو الحسن كوفي
١٥٩	ابو الحسن المزين

١٤٥	ابوالحسن قاضي الحرمين
١٥٩	ابوالحسين علي بن هند
١٥٩	ابوالخير بن منار
١٥١	ابوالعباس العابد
١٤٥	ابوالعباس الاصم
١٤٥	ابوالعباس السراج
١٥٠	ابوالعباس مغربي
١٦١	ابوالعباس الدينوري
١٦٠	ابوالعباس السيار
١٥٠	ابوالفوارس شجاع کرمانی
١٥٠	ابوالفضل الواعظ زكريا بن ولويه
١٦١	ابوالقاسم
١٥٩	القرسي
١٥٩	ابوالكاتب
١٥٢	ابوالمعالی
١٥٣، ١٥١	ابوالوليد
١٥٣	ابوأيوب بن الحسن
١٤٩	ابو بزره اسلمی
١٥١	ابوبكر الزاهد
١٥٠	ابوبكر السهي
١٥٠	ابوبكر مرار
١٦١، ١٤٩	ابوبكر الطمستاني
١٥٩	ابوبكر بن منار
١٥٩	ابوبكر عبد الله بن طاهر الاهري

۱۶۰	ابوبکر محمد بن احمد
۱۶۰	ابوبکر داود الدینوری
۱۵۷	ابوبکر
۱۲۷	ایبورد
۱۴۹	ابوجعفر الصوفی
۱۴۹	ابوحفص حداد
۱۵۰	ابوحمزہ مدینی علی بن ہانی بن قنبر
۱۵۰	ابوحمزہ خراسانی
۱۵۱، ۱۴۵	ابوزکریای عنبری
۱۵۳، ۱۴۵	ابوزکریا
۱۵۱	ابوسعید الاصم
۱۶۰	ابوسعید الاعرابی
۱۵۱	ابوشختویہ
۱۵۵	ابوعبدالله جلا
۱۵۱	ابوعبدالله الصفار
۱۱۷	ابوعبدالله النیسابوری
۱۳۵	ابوعبدالله داود بن علی
۱۶۰	ابوعبدالله محمد بن حنفیہ الشیرازی
۱۶۱	ابوعبدالله البروغندی
۱۶۱	ابوعبدالله الرودباری
۱۶۱	ابوعبدالله
۱۶۱	ابوعبدالله محمد بن محمد الواشی
۱۴۹	ابوعثمان جدی
۱۶۰، ۱۵۰	ابوعثمان مغربی

١٥٨	ابو علي الرودياري
١٥٩، ١٥٣، ١٤٩، ١٤٥	ابو علي الثقفي
١٥١	ابو عمرو والحيري
١٥١	ابو عمرو والخفاف
١٥١	ابو عمرو والزاهد عباس بن حمزة
١٦٠	ابو عمرو والسلمي
١٦٠	ابو عمرو والزجاجي النيسابوري
١٥١	ابو عمرو والمستملي
١٥٠، ١٤٥	ابو عمرو بن جنيد
١٤١	ابو قابوس
١٥٩	ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل
١٤٢، ١٤١، ١٢٤، ١٢٢	ابو مسلم مروزي
١٤١	ابو مهلب
١٥٥	ابو يعقوب
١٥٩، ١٥١	ابو يعقوب اسحق
١٥٥	ابو محمود
١٥٥	ابي الريحان
١٥٧	ابي حفص نيسابوري
١٦٠، ٢٤٩، ١٤٨	احمد
١٣٨	احمد آباد
١٥٥	احمد القصار
١٣١	احمد بن حاج
١٥٠	احمد بن حرب نيسابوري
١٥٢، ١٥٠	احمد بن حرب

١٤٥	أحمد بن سعيد
١٤٥	أحمد بن مبارك
١٥٧	أحمد بن محمد الحسين
١٥٧	أحمد بن محمد بن سهل بن عطا
١٦١	أحمد بن عطا بن أحمد
١٦١	أحمد بن محمد المقرئ
١٥٨	أحمد بن محمد بن أبي القاسم
١٤٩	أحمد بن عبد الله
١٥٣	أحمد بن مؤيد الزوقي
١٥٥	أحمد بن يحيى
١٥٤	أدهم بن منصور
١٤٠	أرعيان
١٥٢، ١٥١	أستاذ أبو القاسم قشيري
١٥٢	أستاذ أبو علي دقاق
١٥٤	إسحق بن إبراهيم
١٥٣	إسحق بن إبراهيم الحنظلي
١٥٣	إسحق بن منصور
١٥٠	إسحق راويه
١٤٠	إسفر اين
١٤٠	استوا
١٦٠	إسماعيل بن جنيد بن أحمد سلمى
١٥٥	إسماعيل بن سعيد منصور
١١٧	أفراسياب
١١٧	أفريدون



١٤٦	التوردة
١٦٠، ١٥٦	الجنيد
١٥١	الحسن الحداد
١٤٩، ١٤٥	الحسين
١٥٩	الحسين بن علي
١٥٩	الحسين بن احمد
١٤٥	الحسين بن الوليد
١٦١	الحضيري
١٢١	الزريق بوياباد
١٥٣، ١٤٥	امام الحديث محمد بن يحيى الذهلي
١١٧	امام الفقيه محمد بن حسين الخليفة النيسابوري
١٥١	امام الحرمين ابو المعالي
١٥٢	امام الحرمين عبد المطلب
١٥١	امام بن فورك اصبهاني
١٥٢	امام بيان الحق قاضي محمود
١٥٢	امام جمال الاسلام
١٤٥	امام جعفر بن زياده
١٣١، ١٣٠، ١٢٩، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤، ١٢٢، ١٢١، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧	امام حاكم
	١٤٢، ١٤٠، ١٣٧، ١٣٦، ١٣٣
١٤٥	امام زكريا
١٥١	امام علي واحد
١٥٧	الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص
١٥٨	الشيخ ابو اسحق ابراهيم بن داود
١٥٧	الشيخ ابو الحسن الوراق

١٥٤	الشيخ ابوسلمان داراني
١٥٧	الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد
١٥٧	الشيخ ابو محمد الحريري
١٥٤	الشيخ ابويزيد بسطامي
١٥٥	الشيخ احمد بن الخواري
١٥٨	الشيخ الصبحي
١٥٨	الشيخ المرتعش
١٥٤	الشيخ المعروف الكرخي
١٥٤	الشيخ بشر خافي
١٥٤	الشيخ حاتم الاصم
١٥٨	الشيخ حمشاد الدينوري
١٤٥	الشيخ حمدون العصار
١٥٨	الشيخ خير النساج
١٥٦	الشيخ سهل بن عبدالله التستري
١٥٦	الشيخ سمنون بن حمزه
١٥٧	الشيخ طاهر المقدسي
١٥٦	الشيخ محمد بن الفضل البلخي
١٥٧	الشيخ محمد بن محامد الترمذي
١٥٥	الشيخ منصور عمار
١٥٧	الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطي
١٥٥	الشيخ يوسف بن احمد
١٥٩	الكتاني
١٥٩	النهرجوري
١٥٠	امام ابو القاسم الواعظ

١٥٠	امام ابو الطيب الصعلو كى
١٥٠	امام ابو العباس الاصم
١٥٢	امام ابوبكر فورك
١٥٠	امام ابو عبدالله السراج
١٤٩	امام ابو عبدالله النيسابورى
١٥٠	امام ابو على النيسابورى
١٥٠	امام ابو على الكوفى
١٥٠	امام ابو سهل الصعلو كى
١٥٠	امام ابو محمد حصيرى
١٥٠	امام ابو يعقوب الكرمانى
١٤٥	امام ابى جعفر صوفى
١٥٢	امام ابى محمد يوسف الجوينى
١٤٥	امام احمد حرب
١٥٠	امام احمد الكندرى
١٤٥	امام احمد بن سعيد الدارمى
١٥١	امام احمد ميدانى
١٤٥	امام اسحق بن ابراهيم الحنظلى
١٥٢	امام على بن موسى الرضا
١٥٠	امام قاضى الحرمين
١٤٥	امام محمد بن اسلم العابد
١٣٥	امام محمد بن الامام محمد
١٥٠	امام محمد بن يحيى ذهلى
١٥٠	امام محمد بن اسحق خزيمه
١٥٠	امام محمد بن الهيثم

١٥٠	امام محيى السنه
١٥٢	امام مسلم بن الحجاج القشيري
١٣٥	امام موسى بن الامام جعفر
١٢٦، ١٢٥	امير المؤمنين عثمان
١٥٣	امير طاهر
١١٩	انبار
١١٩	انيارده
١٤٠، ١٣٨	انوشروان
١١٧	انوش بن شيث بن آدم
١١٩، ١١٧	ايران
١١٧	ايرج

ب

١٥٨	باب الطاق
١٢١	باغ بهله
١٣٩	باغ فرك
١٢١	باغك
١٢١	باغ كبار
١٢١	باب طاق
١٢١	بشت
١٣٩، ١٣٨	بشرين الحكم العبدى
١٥٣	بشفروش
١٣٩	بشماناباد
١٢١	بصره
١٥٨، ١٥٤، ١٣١، ١٢٩، ١٢٥، ١١٩	

۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۱۹	بغداد
۱۵۶، ۱۲۸	بلخ
۱۴۰	بلاش
۱۲۲	بویاباد
۱۳۹، ۱۳۸	بیبق
۱۲۱	بندار بن الحسین

### ت

۱۲۱	تلا جرد علیا
۱۲۱	تلا جرد سفلی
۱۵۲، ۱۴۹، ۱۳۵، ۱۳۲	تلا جرد
۱۴۰	ترکستان
۱۴۶	توره
۱۵۲	تر باباد
۱۵۳	تر خک زرکان
۱۵۶	ترمذ

### ج

۱۲۲	جامعه (محلہ)
۱۴۱	جر جان
۱۵۳، ۱۴۹، ۱۴۵، ۱۳۵	جعفر
۱۲۱	جوری علیا
۱۲۱	جوری سفلی
۱۲۲	جولاهکان (محلہ)
۱۴۱، ۱۳۹، ۱۲۶، ۱۲۵	جوین
۱۳۷	جیحون

۱۵۲	جوانمرد علمدار
۱۵۲	جوانمزد نردباد
۱۵۶	جیل طور
۱۵۹، ۱۵۸	جیل
۱۵۰	جعفر الخلدی

## ح

۱۲۱	حافظ محفوظ
۱۲۱	حایط
۱۲۵	حییب
۱۵۳	حدا باد
۱۴۸، ۱۳۵	حسن
۱۵۳، ۱۵۱	حسن بن الفضل
۱۵۳	حسن بن الولید
۱۴۹، ۱۳۵	حسین
۱۲۳	حسین بن محمد نصر آبادی
۱۲۱	حفصا باد
۱۴۵	حفص بن عبدالرحمن
۱۲۱	حنجرود علیا
۱۲۱	حنجرود سفلی
۱۲۱	خمزه علیا
۱۴۹	خمدون قصار
۱۲۱	خوسق
۱۲۳	خوض کسلان
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۲	حیره

۱۴۰	خارزنج
۱۴۰	خاقان ترك
۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲	خراسان
۱۵۸	
۱۲۱	خرقن عليا باد
۱۲۱	خرکاباد
۱۲۱	خشانه قناته
۱۴۲	خمارتکين
۱۲۱	خندرون
۱۲۳	خنجرود
۱۴۱	خوشب
۱۲۱	خول
۱۵۳	خوارزم

۱۲۱	دزدان
۱۲۱	دوديه يهود
۱۲۱	دارا بجر د
۱۲۱	دستجرد
۱۲۱	درقه‌نندز
۱۲۲	داود
۱۳۵	دجله
۱۳۷	

١٣٩	دامغان
١٥٨	دلف بن محدر

ذ

١١٧	ذوالاينكه
١٥٤	ذوالنون المصرى

ر

١٢١	راقعه
١٢٥	ربيعه
١٣٩، ١٣٨	ريوند
١٣٩	ربع مازل
١٥٥	رويم بن احمد

ز

١٢١	زمجار عليا
١٢١	زمجار سفلى
١٣٥	زين العابدين
١٣٥	زيد بن الامام زين العابدين
١٤١	زوزن
١٥١، ١٤٩	زيد
١٥١	زكريا بن ولويه



۱۵۸	سامره
۱۱۹	سجستان
۱۲۲	سرحیره
۱۱۹	سلطان محمود
۱۲۲	سلطان حسین
۱۳۰	سلطان سلیمان بن مطرود
۱۳۰	سلیمان بن مطرود
۱۴۱	سلومد
۱۲۱	سلمه
۱۲۵	سعید بن عامر
۱۲۵	سمنان
۱۲۵	سوانقادر علیا
۱۲۱	سوانقا در سفلی
۱۲۱	سورین کوی
۱۲۱	سهل تاشیش
۱۲۱	سهرامقان
۱۵۰	سبزجان
۱۴۶	سید صدرالدین الحسینی
۱۲۱	سیمجرد علیا
۱۲۱	سیمجرد سفلی
۱۲۱	سیسنویه
۱۶۱/۱۵۶	سمرقند
۱۵۸	سوس (شوش)

ش

شاپور

شاپور (شهر)

شادیاخ

شام

شاه پسر

شاهنبر

شحنه علیا

شحنه سفلی

شهرستانه

شیخ ابواسحق راهویه مروزی

شیخ فریدالدین عطار

شیخ عبدالرحمن سلمی

شیخ علی مؤذن

شیخ طبسی

شیخ مجدالدین بغدادی

شیخ معجون اولیاء

شیخ محمد بن اسلم طوسی

شیخ یحیی معاذ

شیخ عبدالرحمن کوف

شیخ محمد قنال

ط

١٤٢	طاهر
١٤٢	طلحه
١٤٠٠١٣٨٠١٢٨٠١٢٧	طوس
١٥٤	طيفور

ع

١٢٧٠١٢٥	عامر
١٤٩	عامر بن سليم الاسلمى
١٥٦	عباس
١٥١	عباس بن حمزه
١٢١	عار كباد
١٤٩٠١٤٢	عبدالله
١٤٥	عبدالله الرماخ
١٥٠	عبدالله النيسابورى
١٥٣٠١٤٩	عبدالله بن مبارك
١٥٣٠١٥١	عبدالله بن عمر الرماح
١٥٣٠١٢٩	عبدالله بن طاهر
١٦٠	عبدالله بن محمد رازى
١٢٩٠١٢٥	عبدالله بن عامر
١٥٣	عبدالله الفوشنجى
١٢٥	عبد الشمس
١٤٩٠١٣٠٠١٢٧٠١٢٣٠١٢٢	عبدالله طاهر
١٢٨٠١٢٦	عبدالله حازم

١٤١٠١٢٩٠١٢٨٠١٢٦٠١٢٥٠١٢٤	عبدالله عامر
١٥٤	عبدالرحمن بن عطيه
١٥٣	عبدالرحمن السلمي
١٥١	عبدالرحمن بن بشر
١٥٣	عبدالرحمن
١٢٦٠١٢٥	عثمان
١٤٩٠١٤٥٠١٤٠٠١٣٥	علي
١٥٣	علمدار
١٥٢٠١٣١	علي بن موسى الرضا
١٦٠	علي بن احمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد
١٤١	عكرمه
١٤٣	عمرو
١١٩	عمرو بن ليث
١٤٥	عمر
١٤٩	عنان بن حبيب
١٣٥	عيسى

## ف

١٥٢	فرات آباد
١٢١	فرات آباد
١٢١	فازرشك
١٤٩	فرهنگ

١٤٠

فیروز

١١٩

فیروز شابوز

١٥٤

فضل بن عیاض

فی

١٦٠

قاسم بن محمد

١٤٠

قباد

١٤٤

قبر الامام محمد بن محمد

١٤٤

قبر امام احمد بن ابراهیم

١٤٤

قبر امام مسلم الحجاج

١٤٤

قبر ابی عبدالله البوشنجی

١٤٤

قبر ابی الولید

١٤٤

قبر ایوب الحسن الزاهد

١٤٤

قبر سرخلاب

١٤٤

قبر همام بن زید

١٤٤

قبر بشر بن الحکم

١٤٤

قبر عبدالرحمن بن بشر

١٤٤

قبر محمد بن عبدالوهاب

١٤٤

قبر نصر بن زیاد القاضی

١٢١

قریه بود

١٣١

قریه مویدیہ

١٤٠

قریه فریمان

١٢١

قناة

١٢١

قناة علیا

۱۲۱

۱۲۵

۱۴۱-۱۴۰-۱۳۴-۱۳۳-۱۲۱-۱۱۹-۱۱۸

قناة جهم

قوس

قیندر

ک

۱۱۹

۱۲۱

۱۲۷

۱۴۰

۱۲۱

۱۴۱-۱۲۵

۱۴۰

۱۲۱

۱۳۲

۱۲۵

۱۳۳-۱۳۲

۱۵۲

کرخ

کرم بکر

کرمان

کسری

کنارسفلی

کنارنک

کندر

کوی دزکان

کوچه بلاس آباد

کوفه

کپلان

کهن دیر

گ

۱۲۲

۱۲۵

گندآباد

گزیبر

ل

١٢١

لما نجي سفلى

م

١٢١

ماغين

١٢١

ماهكباد

١٣٢

ماكالکباد

١٣٨

ماورالنهر

١٣٩، ١٣٨

مارل

١٥٨

ملقباد

١٢١

محمد آباد

١٥٢

محمد بن ابراهيم

١٥٢

محمد بن سعيد

١٥٨

محمد بن موسى

١٥٢

محمد بن يحيى

١٥٩، ١٥١

محمد بن عبدالوهاب

١٥٩

محمد بن على بن جعفر الكنانى

١٥٩

محمد بن احمد بن سالم النصرى

١٦٠

محمد بن عليان النسوى

١٦٠

محمد بن جعفر

١٦١

محمد بن محمد بن الحسن

١٦١

محمد بن احمد بن محمد

١٦١

محمد بن احمد

۱۶۱	محمد بن احمد بن حمدون
۱۵۶	محمد بن احمد بن ابی الورد
۱۶۱	محمد بن عبدالخالق دینوری
۱۵۶	محمد بن عمر الحکیم
۱۵۰	محمد بن اسلم
۱۴۹۰۱۴۸۰۱۴۵۰۱۳۸۰۱۳۵	محمد
۱۵۱۰۱۳۵	محمد محروق
۱۵۱	محمد بن زید
۱۵۱	محمد بن محمد
۱۵۳	محمد بن الرافعی
۱۴۵	محمد بن رافع القشیری
۱۲۴	محلہ الرقعیا
۱۲۳	محلہ الزیق بویاباد
۱۲۳	محلہ باب ابی الاسود
۱۲۴	محلہ باغ رازیان
۱۲۴	محلہ باغک
۱۲۴	محلہ باب عسکر
۱۲۶	محلہ باب معمر
۱۲۴	محلہ باب عقیل
۱۲۴۰۱۲۳	محلہ بزرگ
۱۲۲	محلہ نوینباد
۱۲۴	محلہ شهرستان



۱۲۳	محلہ تالاجرد
۱۲۲	محلہ جامعہ
۱۲۳	محلہ جلاباد
۱۲۴، ۱۲۲	محلہ جولاهکن
۱۲۴	محلہ جودی علیا
۱۲۴	محلہ جودی سفلی
۱۲۲	محلہ حیرہ
۱۲۴	محلہ خر کلاباد
۱۲۳	محلہ خفصا باد
۱۵۸	محلہ خواست
۱۲۳	محلہ خمز کاباد
۱۲۴	محلہ درباغ
۱۳۴	محلہ درباغ ملا جرد (تالاجرد)
۱۲۳	محلہ دیز
۱۲۴	محلہ ذروان
۱۲۴	محلہ زمجار
۱۲۴	محلہ سنجہ ستانہ
۱۲۴	محلہ سرپل
۱۲۲	محلہ سر حیرہ
۱۲۴	محلہ سیم جرد
۱۲۴	محلہ سر کوی
۱۲۳	محلہ شادیاخ
۱۲۹	محلہ شاہنبر
۱۴۳، ۱۳۲، ۱۲۴	محلہ قز

۱۲۳	محلہ قباب
۱۲۳	محلہ قوی بزرگ
۱۲۲	محلہ گند آباد
۱۲۳	محلہ غد آباد
۱۲۳	محلہ محمد آباد
۱۲۲	محلہ مولقا باد
۱۲۲	محلہ میدان زیاد
۱۲۳	محلہ مناسک علیا
۱۲۳	محلہ مناسک سفلی
۱۲۴	محلہ مرتعد
۱۲۲	محلہ نصر آباد
۱۲۴	محلہ میدان حسین
۱۵۷، ۱۴۹	محفوظ بن محمود نیسابوری
۱۱۹	مداین
۱۳۱	مدینہ
۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۲۸، ۱۲۵	مرو
۱۵۲	مصطفیٰ
۱۲۸	معتق
۱۴۶	موسیٰ
۱۳۹	موسقان
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹	مکہ
۱۵۳	مسجد ابن حرب
۱۴۳	مسجد امام یحییٰ
۱۴۳	مسجد ایوب بن الحسن

۱۴۳	مسجد باریج معمر
۱۴۳	مسجد جمش
۱۴۳	مسجد دروازه قهندز
۱۴۳	مسجد جابن معاذ بن مسلم
۱۴۳	مسجد سر امعاد
۱۴۳	مسجد مصلی جنیان
۱۵۰	مسلم قشیری
۱۳۸	مسیب
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۳۷، ۱۲۱	مصر
۱۵۳	مقبره باب عروه
۱۴۵	مقبره باب معمر
۱۴۵	مقبره امیر عبدالله بن طاهر
۱۴۹، ۱۴۴	مقبره تلاجرد
۱۴۵	مقبره جلاباد
۱۵۳	مقبره جل سر
۱۴۴	مقبره حیره
۱۴۴	مقبره سر میدان
۱۴۴	مقبره شاهنبر
۱۴۵	مقبره قز
۱۲۵	مقبره حسن بن معاذ بن مسلم
۱۵۲	مقبره معمر
۱۴۴	مقبره نصر بن زیاد القاضی
۱۲۱	مناسک سفلی
۱۲۱	مناسک علیا

۱۳۸۱۱۸	منوچهر
۱۴۲	منصور
۱۳۵	موسی
۱۴۰	مهر جان
۱۴۴	میدان تلاجر د
۱۴۴	میدان حسین بن معاذ مسلم
۱۴۴	میدان هانی

### ن

۱۴۰، ۱۲۷	نسا
۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷	نسابور، نیشابور، نیشابور
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶	
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱	
۱۲۱	سرآباد
۱۲۱	نیل
۱۵۲	ناصر الله بن محمد کوف

### و

۱۴۱	ولایت ارقند
۱۴۰	ولایت اسف این
۱۴۰	ولایت ارغیان
۱۴۱	ولایت باخرز
۱۴۰	ولایت بشت

۱۴۱	ولایت جاجرم
۱۴۱	ولایت جام
۱۴۱	ولایت خواف
۱۴۱	ولایت خرخ
۱۴۱	ولایت زوزن
۱۴۰	ولایت خجوشان
۱۳۸	وادی بشفروش
۱۳۸	وادی بوشغان
۱۳۸	وادی دیزباد
۱۳۸	وادی شامات
۱۳۸	وادی شغاندیر
۱۳۸	وادی عطی رود
۱۲۱	وافکر سلیط
۱۲۱	وافکر معاد
۱۲۱	ورقاب فارس
۱۲۱	وینکاباد

۱۲۸۰۱۲۲	هراة
۱۴۴	هرون الرشید
۱۴۹	هماد بن زیدین وایسه

ي

١٢٥	يزدجرد
١٢٣	يعقوب ليث
١٥١	ياسر بن نصر الباهلي
١٤٥	ياسين بن القصر الباهلي
١٥٢، ١٥٠، ١٤٥	يحيى بن يحيى
١٥٠	يحيى بن معاذ رازی